



مسلمان بودن از ما چه می‌خواهد؟

نویسنده: دکتر فتحی بکن

مترجم: عبدالقدیر صالحی

مسلمان بودن

از ما

چه

میخواهد؟

نویسنده : دکتور فتحي یکن

مترجم : عبدالقدير صالحی

.

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله

﴿رَبَّنَا اقْبَلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

دار الترجمة اصلاح تقديم مينميد

dartarjuma@gmail.com

معرفی کتاب

نام کتاب : مسلمانی از ما چه میخواهد؟

نام عربی کتاب : ماذا يعني انتمائي الى الاسلام

نویسنده : فتحي يكن

مترجم : عبدالقدير صالحی

تهیه و دیزاین : دار الترجمة اصلاح

شماره چاپ : اول

تیراژ : هزار جلد

تاریخ چاپ : حمل سال 1389 هجری شمسی

ناشر : انتشارات اصلاح افکار

بخش نشرات جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان

آدرس : کابل ، خوشحال مینه ، ساحه الف ، عقب بلاکهای شاداب ظفر

کوچه اصلاح

آدرس انترنی : Email:eslahmilli@gmail.com

dartarjuma@gmail.com

بخش نخست

مسلمان بودن از ما چه می خواهد؟

از ما می خواهد که :

- 1- در عقیده خویش مسلمان باشیم .
- 2- در عبادت خویش مسلمان باشیم .
- 3- در اخلاق خویش مسلمان باشیم .
- 4- در امور خانوادگی خویش مسلمان باشیم .
- 5- بر خویشتن مسلط باشیم .
- 6- و اطمینان کامل داشته باشیم که آینده ، از آن اسلام است .

پیش درآمد بخش نخست

در بخش نخست کتاب زیر عنوان (مسلمان بودن از ما چه می خواهد) مهمترین ویژگیهای پیشکش می شود که هرگاه انسان به آنها آراسته گردد ، مسلمانی واقعی و راستین بحساب می آید .
ناگفته نباید گذاشت که پیوند اسلامی یک پیوند نژادی و خانوادگی و ارتباط خون و رنگ نمی باشد و نه هم رعایت بعضی از امور ظاهری و لباس و قیافه؛ بلکه در حقیقت پیوند به اسلام، بمعنی، پذیرش والتزام به رهنمودهای آن درهمه عرصه های زندگی ، و سرو سامان دادن امور ، آن گونه که خدا و پیامبرش | را خوشنود می سازد .

اینک بصورت مختصر به آشکارترین و مهمترین خصوصیاتى که، افراد مسلمان باید آن را دارا باشند، اشاره می شود ؛ ویژگیهایی که تنها با بهره مندی از آنها گرایش به اسلام، گرایشی راستین خواهد بود.

﴿ هُوَ سَمَنُكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ﴾^(۱)

خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید ، تا پیامبر گواه بر شما باشد ، و شما گواهان بر مردم !

فصل اول

مسلمان بودن در «عقیده»

شرط نخست در گرویدن و وابستگی به دین اسلام، برخوردار بودن از «عقیده» صحیح «وجهان بینی» سالم است. عقیده ای سازگار و هماهنگ با کتاب خدا و سنت رسول او، و باورمند گردیدن به باورهای مسلمانان صدر اسلام و گذشتگان صالح و رهبران دینی که، تردیدی در تقوا و نیک مردی و نیکوکاریشان وجود ندارد.

مسلمان بودن در عقیده، لازمه اش ایمان به موارد زیر است.

1- هر انسان ایمان و یقین داشته باشد، که پدید آورنده همه پدیده های نظام خلقت، خداوندی است، ذات برخوردار از صفات، حکمت، قدرت، علم، و نظارت و کنترل، به این دلائل که، در همه اجزاء نظام کائنات، هماهنگی، هدفداری، صحت عمل، و نیازمندی مخلوقات بهمدیگر، حکمفرماست، واقعیات و حقائق که، بدون نظارت و تدبیر پدید آورنده ای دانا و توانا، بقاء و ادامه حیات آنها محال و غیر ممکن خواهد بود.

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾^۱

«اگر در آسمان و زمین معبودانی جز خدا بود بی تردید آن دو تباه می شد؛ پس منزّه است خدای صاحب عرش از آنچه [او را به ناحق به آن] وصف می کنند.»

2- ایمان و اطمینان داشته باشد که، خالق مخلوقات، هیچگاه چیزی را بدون هدف بوجود نیاورده است بخاطری که او دارای صفات کمال است، و محال است کار بیهوده و بی هدفی را انجام دهد. و معتقد باشد که، معرفت دقیق و درست راجع به هدف آفرینش مخلوقات خداوند، تنها از طریق «وحی» و از زبان فرستاده او ممکن خواهد بود.

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾﴾

«آیا پنداشته اید که شما را بیهوده و عبث آفریدیم، و اینکه به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟ (115) پس برتر است خدا آن فرمانروای حق [از آنکه کارش بیهوده و عبث باشد]، هیچ معبودی جز او نیست، [او] پروردگار عرش نیکو و بارز است. (116)».

3- باور داشته باشد که، خداوند حکیم، در راستای شناساندن خود به مردم، و آگاه نمودنشان از سرچشمه خلقت، و هدف از آفرینش آنها، پیامبرانی را به همراه پیامهایی فرستاده است. و آخرین آنها، حضرت محمد بن عبدالله | می باشد و دعوت و رسالت او بوسیله معجزه جاویدان «قرآن» اثبات و تقویت گردیده است.

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ﴿١١٧﴾ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَىٰ اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ ﴿١١٨﴾﴾

«به میان همه ملت‌ها فرستادگانی را گسیل داشتیم، تا به آنها ابلاغ نمایند که: تنها خدا را فرمانبرداری نمائید و از اطاعت و تسلیم طاغوت‌ها سرپیچی کنید، جمعی —چنان کردند— و هدایت یافتند، و گروهی دیگر

1- المومنون 116 .

2- النحل 36 .

گمراهی دامن شان را گرفت.»

4- و باور داشته باشد به اینکه، هدف از آفرینش انسان، شناخت

خدا و عبادت و اطاعت اوست، در این مورد خداوند (ج) می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۝ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطِيعُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۝﴾¹

«و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدیم؛ (56) از

آنان هیچ رزقی نمی خواهم، و نمی خواهم که مرا طعام دهند. (57)

بی تردید خدا خود روزی دهنده و صاحب قدرت استوار است. (58).»

5- یقین داشته باشد که: پاداش مومن فرمانبردار بهشت، و مجازات

کافر حق ناپذیر و نافرمان، آتش سوزان جهنم است :

﴿فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۝﴾²

«جمعی در باغهای بهشتند و بعضی بر شعله های سوزان آتش»

6 باور بر این داشته باشد که انسان مختار و صاحب اراده است بر

اساس خواسته و انتخاب خویش، به دنبال کسب خیر و شر می رود، اما

تا توفیق ویاری خدا نباشد کار خیری صورت نخواهد گرفت و هر چند بر

خلاف اراده او کار شر و نامطلوبی هم روی نخواهد داد، اما بوجود

آمدنش را نمی پسندد.

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۝ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۝﴾³

﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۝﴾³

1- سوره ذاریات آیات 56- 57

2- الشوری آیه 7

1- الشمس / 7-10

« سوگند به نفس انسانی و کسیکه او را دقیق و هماهنگ آفرید، و راه انحراف و پرهیزگاریش را پیش رویش نهاد، که، هر کس خویش را در مسیر رشد و تکامل قرار داد، پیروز و سعادتمند گردیده و هر که، نسبت به خود بی توجه ماند و با قرار نگرفتن در مسیر عبودیت و ترکیه- شان و شخصیت خود را ضایع نمود، شکست خورده و بد عاقبت گردیده است»

7- باور کامل داشته باشد که قانونگذاری و تشریع صرفاً حق خداست، و هیچ کس دیگر برای زندگی انسانها قانون وضع کرده نمی تواند. اما اهل علم و تخصص با دارا بودن شرائط «اجتهاد» در محدوده شریعت و قوانین کلی اسلام، اجازه دارند به بیان احکام و مقررات دینی بپردازند.

﴿وَمَا أَخْلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾^۱

« در هر چیزیکه اختلاف کردید ، داوریش با خداست این است خداوند ، پروردگار من ، بر او توکل کرده ام و بسوی او باز می گردم !»
8- لازم است، پروردگار را بوسیله نامها و صفتهای شایسته وزیننده، بشناسد.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ إِنَّهُ وَثَرٌ يُحِبُّ الْوَثْرَ²

2- الشوري / 10

1- صحيح مسلم - (ج 13 / ص 172)

از حضرت ابوهریره [نقل گردیده که، رسول خدا | فرموده است. «خدا دارای نود ونه اسم می باشد. هر کس آنها را- بفهمد و حفظ نماید- وبر اساس ومقتضای آنها، زمینه عبودیت خود ودیگران را فراهم کند،- وارد بهشت خواهد گردید. الله تاق است و تاق را دوست دارد »

9- در مورد پدیده ها ومخلوقات خدا به تفکر واندیشه پردازد وهیچگاه، در اندیشه راجع به، ذات وماهیت خدا نیفتد. وبه فرموده رسول خدا | احترام بگذارد که، می فرمایند :

«مخلوقات خدا را وسیله تفکر قرار دهید، نه ذات او را، بدین سبب که به شما وسیله این کار را نداده اند.»^(۱)

10- راجع به صفات خدا که، لازمه کمال الوهیت و فرمانروائی اوست اشارات زیادی در آیات قرآن وجود دارد. برای مثال- آیاتی راجع به «وجود» و«بقاء» و«ازلی»^(۲) همسان نبودنش با مخلوقات وتحولات، بی نیایش از زن وفرزند وپدر، وبی مثال ومانند بودن وعدم احتیاجش به مخلوقات ونیاز شدید همه مخلوقات به او، وحدانیت وتنها بودنش در ذات وصفات واعمال، وتصرفات، دارا بودن عظمت بی حد وقدرت بی پایان، گستردگی بی حد وحصر دانستنیهایش، تسلط تام وتمام بر همه امور، برخورداری از اراده استوار ونفوذ وسلطه بر همه اراده ها وتصمیم ها. ودارا بودن حیات حقیقی وکامل اشاره وتصریح دارند.

2- ابونعیم در «حلیه» واصفهانى در «ترغیب وترهیب» آن را نقل کرده اند.

3- بقاء: ماندن ونابود وفانى نشدن «ازلی»: قبل از هر زمان ومكان ومخلوقى بودن.

همچنین در برخی دیگر از آیات قرآن، بیان گردیده که، خداوند دارای ویژگیها و صفاتی است که درک حقیقت آنها برای انسان ممکن نخواهد بود.

11- باید بخاطر پرهیز از، «تاویل» و «توجیه» و «تعطیل» و نامفهوم نگریستن اسماء و صفات خدا و آیات قرآن، پیروی از اعتقادات گذشتگان صالح ملاک و معیار باشد. و آنچه را که درک نمی کنیم، بخدا،- و گذشت زمان و پیشرفت و تکامل همه جانبه انسان- واگذار نمائیم. و تاویلاتی را که پس از «گذشتگان پاک و صادق»، در میان مسلمانان رواج پیدا کرد، نباید وسیله حکم کفر و خروج از دین قرار داد. و نبایستی آن اختلاف آراء و نظرات- چه در گذشته و چه در این شرائط - سبب درگیری و دشمنی قرار گیرند.

12- تنها خدا را شایسته اطاعت و فرمانبرداری بدانند، و در این زمینه کسی و چیزی را با خدا «شریک» نکند، این مسئله بسیار مهمی است که، در طول تاریخ بشریت، خداوند پیامبران را برای تحقق آن و دوری از اطاعت و فرمانبرداری و تسلیم در مقابل، طاغوتها «سرکشان و ظالمان» فرستاده است.

﴿لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۱

« هر آئینه برای هر امتی پیامبری فرستادیم با این پیام که بندگی الله را بجا آورید و از بندگی طاغوت اجتناب کنید »

13- بغیر از خدا، از کس و چیز دیگری هراس بخود راه ندهد ، و تنها ترس از خدا زمینه ساز پرهیز او از ارتکاب گناه و کسب رضایت خدا

شود.

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^۱

«کسی که: خدا و فرستاده اش را فرمانبرداری می کند، و از او هراس داشته و راه پرهیزگاری بخاطر او را پیشه کند، آنها برآستی پیروز و رستگارند».

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾^۲

«کسانی که، در پنهان خوف خدا را در دل دارند، مغفرت و پاداش فراوانی را انتظار داشته باشند»

14- باید پیوسته و دوام دار به یاد خدا و ذکر او بسر برد، سکوتش را در اندیشه و گفتارش را در جهت یاد خدا پرثمر نماید. زیرا ذکر خدا، موثرترین داروی معنوی و روحی برای انسان و کاری ترین سلاح در مقابله با، ناهمواریها و ناملایمات و مشکلات زندگی است،- بدون تردید- «ذکر خدا» پدیده ای است که بشریت - بخصوص در این مقطع از تاریخ- صد در صد به آن احتیاج دارد. خداوند در «قرآنکریم» می فرماید :

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۳

«کسانیکه ایمان آورده اند به وسیله ذکر خدا قلب هایشان آرامش واطمینان می یابد، بدانید که، تنها با یاد الله قلبها مطمئن و آرام

1- .سوره نور آیه 52

2- .سوره ملك آیه 12

3- .سوره رعد آیه 28

میگیرند.»

﴿وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿٣٦﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾﴾^۱

«کسیکه یاد خدا را بدست فراموشی بسپارد، شیطانی را شریک و هم نشین او قرار می دهیم و شیاطین هم- کارشان این است که- مانع حرکت انسان در مسیر خدا می شوند، و- چنان در ذهن هم نشینان خود نفوذ می نماید که- آنها خیال می کنند که، اهل هدایت بوده و از راه یافتگان می باشند»

یکی از دانشمندان بنام دکتر «بریل» به این موضوع معترف است که، انسان پای بند به راهنماییهای دین، هیچگاه دچار بیماریهای روانی و بحرانهای روحی نمی شود.

همچنان «دلیل کارنگی» هم معتقد است که « دانشمندان روانشناس و روان پزشکان به این حقیقت پی برده اند که، داروی «ایمان» و «عبادت» و پیروی از دستورات دین، مانع مبتلا شدن انسان به بیماری اضطراب روحی، ناراحتیهای عصبی و... می شود و شخص مومن و ملتزم را در مقابل این گونه بیماریها بیمه می کند.»

15- آن چنان خدا را دوست داشته باشد که، قلب و روانش مجذوب و متمایل به او گردد، بصورتیکه، او را بیش از پیش بدنبال نیکی و فداکاری و جهاد و تلاش در راستای رضایت او وادار نماید. و التزامش را به فرمانبرداری خداوند تقویت کند. و مظاهر فریبنده دنیا، و محبت خویشان و دوستان، مانع ادامه حرکت در مسیر معبود حق نشود. در این

رابطه خداوند می فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ
اَقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ
مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ وَاللَّهُ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾^۱

«- بگو: اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانان و اموالی که فراهم آورده اید و تجارتی که از بی رونقی و کساداش می ترسید و خانه هایی که به آنها دل خوش کرده اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند»

واز تلاش برای بدست آوردن «ایمان» آرامش و آسایش بخش و چشیدن شهد نوشین آن بهیچ وجه کوتاهی ننماید. ایمان مورد اشاره رسول خدا | که:

ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ
إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ
فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَذَّفَ فِي النَّارِ²

«کسی طعم شیرین ایمان را خواهد چشید که سه چیز را در خود سراغ داشته باشد:

1- سوره توبه آیه 24

2- صحیح البخاری (ج 1 / ص 26) عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

اول: خدا و رسول او را از همه، چیز و همه کس بیشتر دوست داشته باشد.

دوم: دوستی و محبت او صرفاً بخاطر رضای خدا باشد.
 سوم: آن چنان از کفر و بی دینی و نافرمانی خدا، وحشت داشته داشته باشد که از افتادن و سوختن در آتش وحشت و گریز دارد. »
 16- همه امور و اوضاع خود را بدست خدا- و برنامه زندگی مورد پسند او- بسپارد. و مطمئن باشد که، نتیجه چنین باور و چنین کاری، قوت قلب و نیروی اراده ارزشمندی خواهد بود، در مقابله با همه مشکلات زندگی، و آسان گردیدن ادای مسئولیت های فردی و اجتماعی. در این مورد خداوند حکیم می فرماید:

﴿وَمَنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

«کسیکه بر خدا توکل می کند، خدا او را بس است».

رسول گرامی اسلام در یکی از زیباترین سخنانش می فرمایند:
 احْفَظْ اللَّهَ يَحْفَظْكَ احْفَظْ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلْ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ وَلَوْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ وَجُعِلَتِ الصُّحُفُ^(۲)

«خدا را مدام مراقب خود بدان تا او هم از تو مراقبت نماید»- از ادای

1- سوره طلاق آیه 3

2- سنن الترمذی - (ج 9 / ص 56) عن ابن

عباس)

فرامین او پاسداری کن، تا او هم تو را مصون بدارد، همیشه خدا را به یاد داشته باش تا- دست نیرومند وبا محبت- او را بر سر خویش احساس نمائی، اگر در خواستی داری، تنها از او بخواه، وچنانچه به کمک ویاری محتاج بودی تنها از او درخواست کن. این را- خوب بخاطر داشته باش و-بدان که، اگر همه انسانها با تو دشمن شوند و دست در دست هم بگذارند تا ضرری را متوجه تو بنمایند، موفق نخواهند شد، و تنها چیزی روی خواهد داد که، تقدیر واراده خدا آن را تعیین کرده و خواسته باشد، وچنانچه، همه انسانها با تو دوست و رفیق شوند، و تصمیم بگیرند، خیر و نفعی را نصیب تو بنمایند، تنها به چیزی توفیق پیدا می کنند که خواسته قبلی خدا همان بوده باشد، و مطمئن باش که، قلم تقدیر خداوند از نوشتن باز ایستاده و برنامه ها از پیش تهیه شده است.»

17- خدا را بخاطر نعمتهای بیشمار و بخشش و رحمت فراوانش سپاسگذاری کند. و ادب ایجاب می کند که، صاحب نعمت و احسان را شکرگزاری و فرمانبرداری کنیم . خداوند منعم در این مورد می فرماید:

﴿وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونٍ أَمْهَـٰتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (٧٨)

«خدا شما را از شکم مادران به - جهان و صحنه حیات - آورد- آن هم- در شرائطی که، از هیچ چیز اطلاع نداشتید، وسائل شنیدن «سمع» و دیدن «بصر» و تفکر و تحلیل «قلب» را در اختیاران قرار داد. به این خاطر که او را سپاسگزاری و فرمانبرداری نمائید»

﴿وَأَيُّكُمْ لَمْ يَأْكُلْ مِنَ الْأَرْضِ الْمَيْتَةِ أَحْيَيْتُهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾
وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَجِيلٍ وَأَعْنَبٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا
مِنْ ثَمَرِهِمْ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾﴾^۱

«زمین خشک وبایر نمونه ونشانه ای برای آنهاست، بوسیله باران آن را سبز و خرم نمودیم، گیاهان را در آن رویاندیم تا از ثمر وحاصل آن غذای خود را تهیه کنند، آن زمین بی حاصل قبلی را بصورت باغهای سرسبز - خرما وانگور درآوردیم، وچشمه های آب را در آن جاری کردیم، تا از ثمر آنها وحاصل تلاش وکار خود خوراک خویش را بدست آورند، پس چرا سپاسگزاری نمی کنند!؟»

به همان صورت که، خداوند منعم، سپاسگزاران مطیع را به بیشتر نمودن نعمت ها وعده داده، ناسپاسهای نافرمان را نیز به ضرر بیشتر و- قحطی ومشکلات مختلف- تهدید فرموده است، قرآن راجع به این قضیه می فرماید:

﴿وَإِذْ تَأَذَّبَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾﴾^۲

«پروردگارت اعلان نموده ، چنانچه سپاسگزار وفرمانبردار باشید، نعمتهای داده شده بشما را بیشتر کرده واگر با استفاده- غیر صحیح ونامشروع از نعمتها - قدم در راه ناسپاسی نهادید، یقیناً عذاب من درد ناک و شدید است.»

18- از خداوند غفور و رحیم مدام در خواست عفو وگذشت بنماید. زیرا درخواست بخشش سبب پوشانده شدن گناهان وتجديد وتکرار توبه

1- سوره یاسین آیات 33-35

2- سوره ابراهیم آیه 7

سبب آسایش زندگی و آرامش قلبی می گردد. راجع به این موضوع قرآن می فرماید :

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۱

«کسیکه کار بدی را انجام داده یا نسبت بخود ظلم و ناروایی را روا داشت، و پس از آن، از خدا آمرزش بخواهد، الله را بشاینده و مهربان می یابد.»

هم چنین می فرماید :

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحْشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ ذُنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^۲

«و آنان که چون کار زشتی مرتکب شوند یا بر خود ستم ورزند ، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند ؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد ؟ و دانسته و آگاهانه بر آنچه مرتکب شده اند ، پا فشاری نمی کنند ؛(135) پاداش آنان آمرزشی است از سوی پروردگارشان ،»

19- در آشکار و نهان خدا را حاضر و ناظر بر -افکار و اعمال- خود بداند و آن فرموده او را آویزه گوش خویش گرداند که :

﴿مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَاسِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَكْثَرُ ذَلِكَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ إِنَّمَا كَانُوا أَنْفُسًا يَتَذَكَّرُونَ﴾^۳

- 1- .سوره نساء آیه 110
- 2- .سوره آل عمران آیه 135

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ

«امکان ندارد که سه نفر با هم درگوشی صحبت کنند مگر آنکه چهارمین آنها خداست و در صورتیکه، آنان پنج نفر باشند قطعاً ششمین آنها نیز خدا خواهد بود، کمتر و بیشتر از این هم هر جا که باشند ممکن نیست خدا با آنها نباشد، و در روز محاسبه و دادگاه قیامت به آنها خواهد گفت که چکار کرده اند. قطعاً خدا بهمه چیز آگاه است.»



فصل دوم

مسلمان بودن، در «عبادت و بندگی»

از دیدگاه اسلام، «عبادت» به معنای فرمانبرداری همه جانبه، و بالاترین حد شناخت عظمت معبود و فرمانروای حق است. عبادت در اسلام نردبان ترقی انسان و وسیله ارتباط او با پروردگارش، و دارای آثار عمیقی در تعامل انسان با هموعانش می باشد. این هدف عالی را اسلام در روشنائی عبادات اساسی در اسلام، همچون، نماز، روزه، حج، زکات، و... که صرفاً به منظور رضای خدا انجام پذیرند و با شریعت و هدایت او هماهنگ باشند، تحقق می بخشد.

در نهایت منطق و خواسته اسلام آن است که، کلیه تصمیمات و تصرفات انسان در زندگی این جهان، در جهت عبادت - خدا و فرمانبرداری او باشد. ومعنی فرموده خداوند هم همین است که می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (۵۶) ﴿مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطِيعُونِ﴾ (۵۷)^۱

«من جن و انسان را نیافریدم جز به خاطر اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند) هرگز از آنها روزی نمی خواهم و نمی خواهم مرا خوراک دهند.»

﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (۱۶۳) ﴿لَا شَرِيكَ لَهُ﴾

وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٣٣﴾

« بگو ای محمد هر آئینه نمازم ، حج و قربانی ام و سراسر زندگی و مرگم همه برای پروردگار عالمیان است که هیچ شریکی ندارد و من به همین کار مأمور شده ام و من نخستین مسلمان میباشم »
زمانی می توان مدعی شد که، عبادت، عبادتی اسلامی است، که، زمینه عمل به مسئولیتهای زیر بشود.

1- عبادت باید بهره مند از «روح» و وسیله ای برای ارتباط با خدا باشد ، و معنی «احسان» و نیکو نمودن عبادت نیز همین است، از رسول خدا | در مورد احسان سوال شد. ایشان فرمودند:

أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ²

«احسان آن است که، آن چنان خدا را عبادت و اطاعت بنمائی که او را مشاهده می نمائی، اگر چنین امکان ندارد که خدا را ببینی ، او که ترا می بیند.»

2- باید عبادت و اطاعتی همراه با خشوع و تسلیم باشد. بصورتی که گرمی ارتباط با معبود و لذت فروتنی در مقابل او را بخوبی احساس کند. حضرت عائشه (رض) فرموده است.

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يحدثنا ونحدثه فإذا حضرت الصلاة كأنه لم يعرفنا ولم نعرفه⁽³⁾

«ما با رسول خدا | گرم صحبت میبودیم، اما با شنیدن صدای اذان،

1- الانعام 163

2- صحيح البخاري - (1 / 87)

1 - رواه ابن المبارك في الزهد
والرقائق مرسلًا

ایشان حالت دیگری پیدا می کردند، آن چنانکه، انگار هرگز نه او ما را می شناسد و نه ما او را می شناسیم.»

3- رسول خدا | در این رابطه می فرمایند که:

كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَكَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهَرُ^۱

«کم نیستند روزه دارانی که سهمشان از روزه، تنها تشنگی و گرسنگی است و همچنین بسیاریند، نمازگزارانی که بهره شان از نماز، فقط بیدار خوابی است؟!»

4- هنگام عبادت تلاش نماید ، قلب و احساسش را با روح و معانی آیات و اورد، آشنا و همراز سازد. واز همه آن چیزهایی که، قلب و اندیشه اش را مشغول می کنند، خود را آزاد نماید. رسول گرامی و محبوب اسلام | در این رابطه این گونه می فرماید که؛

لا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى صَلَاةٍ لَا يَحْضُرُ الرَّجُلُ فِيهَا قَلْبَهُ مَعَ بَدَنِهِ^۲

«خداوند به نماز کسانی نگاه رحمت و قبول نمی اندازد که، جسم و قلبشان هماهنگ با آن عبادت نیست»

گفته اند که، نماز حال و هوایی معنوی اخروی دارد، هرگاه به نماز ایستادی با همه چیز این جهان باید خداحافظی نمائی. از حضرت حسن | نقل نموده اند

« كُلُّ صَلَاةٍ لَا يَحْضُرُ فِيهَا الْقَلْبُ فَهِيَ إِلَى الْعُقُوبَةِ أَسْرَعُ »^۳

« هر نمازی که با حضور قلب خوانده نشود، به اینکه سبب عذاب

2- مسند أحمد - (19 / 351) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

3- مسند الفردوس و إسناده ضعيف

1- إحياء علوم الدين - (1 / 167)

باشد، نزدیکتر است تا اینکه وسیله نجات و سعادت!»

5- در عبادت نباید به کم قناعت نمود، بلکه آن چنان باید تشنه آن بود که هر چه بیشتر انجام داده شود اشتیاق بیشتری پیدا گردد. وبوسیله نمازهای نفل و مستحب، هر چه بیشتر بخدا احساس نزدیکی نماید. رسول گرامی اسلام در نقل قولش از طرف خداوند، می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ قَالَ مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالتَّوَّافِلِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ فَإِذَا أَحَبَّهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا وَإِن سَأَلَنِي لِأَعْطِيْتَهُ وَلَئِن سَأَعَاذَنِي لِأُعِيذَنَّهُ وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدَّدِي عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاعَتَهُ^۱

«کسیکه با دوستانم دشمنی ورزد من خود با او اعلان جنگ خواهم داد! برای نزدیک شدن انسانها به من هیچ وسیله ای بهتر و بالاتر از، عملی کردن فرایض وجود ندارد. آنانی را هم که، نمازهای نافله را به عنوان وسیله ای نزدیک شدن بیشتر بمن ادا می کند، محبتم پیوسته نسبت به آنها بیشتر می گردد و آنگاه که برآستی در حلقه دوستی ام در آمد، چشم آن خواهم شد که با آن می بیند، گوشش خواهم گردید که با آن می شنود، دستش می شوم که آن را وسیله کارش قرار خواهد داد. وپائی که با آن راه می رود. اگر از من چیزی را بخواهد. دست رد بر سینه اش نخواهم زد، چنانچه بمن پناه بیاورد، پناهگاهش خواهم بود.

2- صحیح البخاری (ج 20 / ص 158 باب التواضع) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

هر چه را اراده نمایم در قلب او همان خواسته وجود خواهد داشت. در هیچ کاری بخود تردیدی راه نداده ام مگر در گرفتن جان مومنی که او را دوست می دارم در حالیکه او از مرگ ناخشنود باشد.»

6- در قیام به نماز شب، لازم است بسیار جدی باشد، وسیعی نماید چندان آن را تکرار و تمرین نماید. که بآن عادت کند. نماز شب برای تقویت ایمان و احساس مسئولیت عامل بسیار مهمی است. خداوند می فرماید :

﴿إِن تَاشَأْ أَتَيْلَ هِيَ أَشْدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا ۝۱﴾

7- « بی تردید عبادت [ی که در دل] شب [انجام می گیرد] محکم تر و پایدارتر و گفتار در آن استوارتر و درست تر است .»

همچنین خداوند در توصیف مومنین محبوبش می فرماید که:

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجُونَ ۝۱۷ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۝۱۸﴾

8- « آنان اندکی از شب را می خوابیدند [و بیشتر آن را به عبادت و بندگی می گذراندند .] (17) و سحرگاهان از خدا درخواست آمرزش می کردند. (18)

باز خداوند علیم در این مورد می فرماید :

﴿نَتَجَافَىٰ جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ۝۱۹﴾

« [ملازم بستر استراحت و خواب نیستند ، بلکه] پهلوهایشان از خوابگاه هایشان دور می شود در حالی که همواره پروردگارشان را به علت بیم [از عذاب] و امید [به رحمت و پاداش] می خوانند و از

1- .سوره المزمّل آیه 6.

2- .سوره الزاریات آیات 17 - 18

3- .سوره سجده آیه 16 .

آنچه آنان را روزی داده ایم ، انفاق می کنند ،»
 9- با قرآن انس و علاقه نشان دهید و در آیاتش اندیشه نمائید،
 بخصوص بهنگام سحر و سپیده دم، خداوند کریم می فرماید :
 ﴿لَئِنْ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَتْ مَشْهُودًا﴾^۱
 «بدون تردید، قرائت قرآن در سحرگاهان، مشهود (فرشتگان شب و
 روز) است»

رسول گرامی اسلام | هم در این مورد می فرمایند،
 «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ نَزَلَ بِحُزْنٍ ، فَإِذَا قَرَأْتُمُوهُ فَابْكُوا ، فَإِنْ لَمْ تَبْكُوا فَتَبَاكُوا»^۲
 «در وضع و شرائط حزن انگیزی این قرآن فرود آمده، سعی کنید
 قرائت آن - بخاطر مهجور و متروک ماندنش - با حزن و اندوه همراه
 باشد.»

با تفکر و اندیشه و خشوع به تلاوت بپردازیم ، و آن فرموده خدا را
 نباید فراموش نمائیم که :
 ﴿لَوْ أَنزَلْنَاهُ الْقُرْءَانَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَشْيَةً مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾^۳
 «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم ، قطعاً آن را از ترس
 خدا فروتن و از هم پاشیده می دیدی ..»
 هم چنین رسول گرامی اسلام | می فرمایند که:
 « عَنْ صَهَيْبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَمَنَ

-
- 1- سوره اسراء آیه 78 .
 - 2- مسند أبي يعلى الموصلي - (ج 2 / ص 169 باب هذا القرآن نزل مع حزن / عن سعد بن مالك)
 - 3- سوره حشر آیه 21 .

بِالْقُرْآنِ مَنْ اسْتَحَلَّ مَحَارِمَهُ»¹

«از صهییب | روایت است که رسول الله | فرمودند: کسیکه، حرام شده های قرآن را، حلال کند و ملتزم به آنها نباشد، هنوز به قرآن ایمان نیاورده است.»
و فرموده است .

«گرامی ترین عبادت مردم مسلمان، قرائت و اندیشیدن و فهمیدن قرآن است»

عبدالله بن مسعود (رض) فرموده ای از رسول خدا را نقل می نماید که:
«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْدِبَةُ اللَّهِ فَاقْبَلُوا مِنْ مَأْدِبَتِهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ ، إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ حَبْلُ اللَّهِ ، وَالنُّورُ الْمُبِينُ ، وَالشِّفَاءُ النَّافِعُ عَصْمَةٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ ، وَنَجَاةٌ لِمَنْ تَبِعَهُ ، لَا يَزِيغُ فَيَسْتَعْتَبُ ، وَلَا يَعْوجُّ فَيَقُومُ ، وَلَا تَنْقُضِي عَجَائِبِهِ ، وَلَا يَخْلُقُ مِنْ كَثْرَةِ الرَّدِّ ، اتْلُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْجُرْكُمْ عَلَى تِلَاوَتِهِ كُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ ، أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ الْم حَرْفٌ ، وَلَكِنْ أَلِفٌ وَلَامٌ وَمِيمٌ»²

«این قرآن ، خوان مهمانی خداست، تا جایی که برایتان امکان دارد، از آن استفاده ببرید.

قرآن وسیله بسیار محکمی است برای ایجاد ارتباط میان انسان و خدا، نوری است روشنگر، شفا بخش و پربرکت، کسی را که از آن پیروی می کند، محفوظ می نماید و گره گرفتاری را از کارش می

-
- 1- (سنن الترمذی - ج 10 / ص 160 باب ما جاء فيمن قرأ حرفاً...)
2- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - 5)
(104 /

گشاید، از راه بدر نمی شود تا سرزنش شود، و کجراهه را در پیش نمی گیرد تا نیاز به هدایت داشته باشد. شگفتیهایش پایان ناپذیر بوده و هر چه بیشتر خوانده شود. مایه ملال و خستگی نمی گردد. آن را قرائت کنید و خوب در آن بیندیشید. چون در برابر هر حرفش ده برابر بشما پاداش داده خواهد شد، نمی گویم «الم» یک حرف است بلکه مرکب از سه حرف است و در مقابل آن سی حسنه را دریافت خواهید کرد»

رسول گرامی اسلام | در وصیتش به ابودر غفاری | می فرماید:
«عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ ، وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ، فَإِنَّهُ نُورٌ لَكَ فِي الْأَرْضِ ، وَذَخْرٌ لَكَ فِي السَّمَاءِ»^۱

«در ذکر الله و قرائت قرآن بسیار جدی و فعال باش، زیرا، برای تو در دنیا نور است و در آخرت توشه و ذخیره»

10- در همه شئون زندگی، «دعا را، وسیله عروج بسوی خدا قرار دهید. «دعا» مغز، عصاره و خلاصه بندگی است. سعی کنید دعاها را بخوانید که، معتبر و مأثور باشند. راجع به «دعا» قرآن کریم می فرماید:

﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۲

اینک نمونه هایی از دعاها را روایت شده و معتبر:

هنگام رفتن به رختخواب :

« بِاسْمِكَ رَبِّ وَضَعْتُ جَنْبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ إِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلَتْهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ»^۳

1- صحیح ابن حبان - (2 / 72)

2- سوره مومن (غافر) آیه 60 .

3- صحیح البخاری - (ج 19 / ص 387 عن ابی هريره)

«پروردگارا، بنام اجازه تو پهلوی بر زمین نهاده‌ام، و با نام اجازه تو آن را از زمین برخواهم داشت. اگر از این خواب بیدار نشدم و جانم را گرفتی، قلم عفو بر گناهانم بکش، و چنانچه، اراده فرمودی، باز برخیزم، همچون بندگان صالحت مرا از، گناهان و بدیها مصئون بدار.»

. پس از بیدار شدن از خواب:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»¹

«ستایش و بندگی تنها متعلق بخدائی است که، بعد از آنکه ما را میمیراند، دوباره زندگی بخشید، و بازگشت همه به سوی اوست.»

. در موقع پوشیدن و بیرون آوردن لباس:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ»².

«خداوندا، ثنا و صفت خاص تراست زیرا تو این لباس را به من پوشانیدی، خیر اینها و خیر آن چیزی را که لباس‌ها بخاطرش پوشیده می‌شود از تو می‌خواهم و از شری که ممکن است در پوشیدن لباس باشد، بتو پناه می‌برم.»

. به هنگام وارد یا خارج شدن از منزل:

بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ³

1- صحیح البخاری - (ج 19 / ص 374 باب

ما يقول إذا نام عن حذيفه بن اليمان)

2- سنن أبي داود - (11 / 36) عن أبي

سعيد الخدري

3- سنن أبي داود (ج 13 / ص 290 باب ما

يقول إذا خرج من بيته / عن انس بن مالك

«به نام ویاری الله، همه امورم را به او می سپارم، هیچ نوع تغییر و تحولی و هیچگونه قوتی بغیر از کانال اراده و اجازه او ممکن نیست صورت بگیرد.»

. در موقع رفتن به مسجد:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا
وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ يَسَارِي نُورًا وَفَوْقِي نُورًا وَتَحْتِي نُورًا
وَأَمَامِي نُورًا وَخَلْفِي نُورًا وَعَظْمَ لِي نُورًا»¹

«پروردگارا، در قلب و چشم و گوش و راست و چپ و روی سر وزیر پا و در پیش رویم، نورهایی را بتابان و نوری از انوارت را نصیبم بگردان.»

. بهنگام وارد شدن به مسجد:

(اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ)²

«پروردگارا، درهای رحمت را بر من بگشا.»

. موقع خروج از مسجد:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ)³

«پروردگارا، من از تو می خواهم که، از فضل و کرمات بی نصیبم نفرمائی.»

(ا)

1- صحیح مسلم - (ج 4 / ص 153) عن ابن عباس

2- سنن النسائي - (3 / 161) عن أبي حميد و أبي اسيد

3- سنن النسائي - (3 / 161) عن أبي حميد و أبي اسيد

. در ابتدای خوردن غذا:

«اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْمَا رَزَقْتَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»¹

خداوندا، این نعمتهایی را که نصیب ما فرموده ای، بر دوام و بیشترش کن، واز، عذاب آتش، دورمان بگردان، پس از خوردن غذا:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَجَعَلَنَا مُسْلِمِينَ)

«ستایش و بندگی تنها از آن پروردگاری است که، بما خوراک و نوشیدنی عطا فرموده واز مسلمانان قرامان داده است.»

. هنگام رفتن به قضای حاجت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ²

پروردگارا، من از همه ناپاکیها و پلیدی ها به تو پناه می برم. پس از قضای حاجت:

الحمد لله الذي اذاقني لذته، وصرف اذاه.

بندگی و سپاس خداوندی را که، مرا از لذت طعام بهره مند کرد و از اذیتهای آن راحتم گردانید.

. پیش از همبستری:

اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا³

4- موطأ مالك - (5 / 469) عن زبير بن العوام |

² . صحيح البخاري - (1 / 246) عن انس بن مالك |

³ . صحيح البخاري - (1 / 244) عن ابن عباس |

پروردگارا، ما را از شر شیطان محفوظ بفرما، و شیطان را از- فرزندی که بما خواهی داد دور کن.

. بموقع بیدار ماندن و بیخوابی:

اللَّهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ ، وَهَدَّاتِ الْعُيُونُ ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ أَنْمِ عَيْنِي ¹

پروردگارا،- تو خود بهتر می دانی که- ستاره ها آمدند، و چشمها به آرامی بر روی هم نشستند، تنها توئی که، زنده حقیقی و نگاه دارنده مخلوقات، ای زنده - بیدار- نگاه دارنده، چشمانم را با خواب آشنا کن. بعد از نماز:

چنانچه نماز گزاری پس از ادای نمازش، سی وسه بار این اذکار را (سبحان الله ، الحمد لله ، الله اکبر) بخواند، گناهان او اگر به اندازه کف دریاها هم باشد بخشوده خواهد شد.

سبحان الله. الله از هر نقص و کمبودی دور است. وبا بهره گیری از، اطاعت و بندگی، در دریای زندگی بسوی او باید شنا کرد.

الحمدلله. ستایش و بندگی خاص خداست.

الله اکبر. بزرگی و عظمت تنها متعلق به الله می باشد.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . فرمانروا و فریادرسی بغیر از الله، حقانیت و مشروعیت ندارد.

و برای آنکه ذکر تکمیل شود. این اوراد خوانده شود.

(لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

¹ - المعجم الكبير للطبراني - (5 / 33)
عن زيد بن ثابت

هیچ معبود و مستعانی بغیر از الله، ارزش و اعتبار ندارد. او - در خلق و امرش - تنهاست و کسی با او همکاری ندارد. فرمانروائی از آن اوست و او را فقط بندگی و ستایش باید کرد. زیرا او قدرت انجام دادن هر کاری را دارا می باشد.

. در پایان هر مجلس :

(سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ
إِلَيْكَ)¹

تو از هر نقصان و عیبی پاک هستی پروردگارا، و من به ستایش و بندگیت باید مشغول باشم، گواهی می دهم که، فرمانروا و فریادری جز تو ارزش و اعتبار ندارد. از تو می خواهم که گناهانم را ببخشی - و در محضر مبارکت - اظهار ندامت می کنم.

. هنگام سوار شدن به وسیله نقلیه:

(سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا
لَمُنْقَلِبُونَ)²

پاک است پروردگاری که، این وسیله را در اختیار ما گذاشت ، و اگر - اراده او نبود - ما قدرت چنین چیزی را نداشتیم، و تردیدی هم نیست که، همه ما در نهایت بسوی او خواهیم رفت.

. در وقت آماده شدن برای مسافرت:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى وَمِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَى اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ

1- سنن الترمذی - (11 / 319) عن ابی هريره |

1- . سورة زخرف آیات 13- 14

الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
وَعَثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ¹

خداوندا! من از تو، نیکی و پرهیزکاری را در این سفرم درخواست می نمایم.

واز تو می خواهیم مرا موفق فرمائی هر عملی را که بدان بسیار راضی هستی انجام دهیم.

پروردگارا! سختیهای سفر را بر ما آسان گردان، ودوری مقصد را برایمان نزدیک کن.

خداوندا! رفیق راه، و نگهبان خانواده تنها تویی. از تو می خواهیم مشکلات را هم بر طرف فرمائی.

از زشتی ها و ناگواریهای مسیر را هم واز برگشتنی ناخوشایند و ناموفق واز پیش آمدها و ناراحتیهای، دارائی وزن و فرزند، به تو پناه می

برم.

. بهنگام باریدن باران چند مرتبه تکرار شود:

اللَّهُمَّ صَيِّبًا نَافِعًا²

خداوندا، بارانی بموقع بر مزارع وبا برکت ومنفعتش گردان.

. هنگام شنیدن صدای رعد و برق:

اللَّهُمَّ لَا تَقْتُلْنَا بِغَضَبِكَ وَلَا تَهْلِكْنَا بِعَذَابِكَ وَعَافِنَا قَبْلَ ذَلِكَ³

2- (صحيح مسلم - (7 / 56) عن ابن عمر أ

باب ما يقول إذا ركب إلى سفر الحج

1- . روایت بخاری .

2- . (سنن الترمذي - (11 / 345) باب ما

يقول إذا سمع الرعد ، عن عبدالله بن عمر

خداوندا ! ما را با خشم خود مکش، وبوسیله عذابت هلاکمان مگردان، -اگر هم چنین می شود- پیش از آن ما را ببخشای.

. وقتی که «ماه» مشاهد می شود:

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ ،
وَالْتَوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى ، رَبَّنَا وَرَبُّكَ اللَّهُ.¹

پروردگارا! آمدن ماه را برای ما مایه برکت وایمان وسلامتی واسلام خواهی بگردان، ودر این ماه توفیقمان عطا بفرما تا آنچه را که، دوست می داری وبه آن راضی هستی انجام دهیم.

ای ماه- ما می دانیم که- به وجود آورنده وصاحب ما وتو خداوند می باشد.
. تبریک ازدواج:

بَارَكَ اللَّهُ لَكَ وَبَارَكَ عَلَيْكَ وَجَمَعَ بَيْنَكُمَا فِي الْخَيْرِ»²

خداوند خیر وبرکت این ازدواج را به تو عطا فرماید، وهر دوی شما را مشمول رحمت وخیر خویش گرداند.

. موقع بدنیا آمدن کودک:

أُعِيدُكَ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ
لَامَّةٍ

تو را درپناه کلمات _ شریعت و هدایت _ کامل پروردگار می سپارم، تا اینکه، شیاطین - بدان وبدآموزان دین ستیز- وچشمان سرزنش گر وعیب جو نتوانند ضرری را متوجه تو بنمایند.

3- المعجم الكبير للطبراني - (10 /

490) عن ابن عمر |

1- . «سنن الترمذي - (4 / 271) عن أبي هريره |

. وقتی غمگین و افسرده هستید:

(لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)^۱

پروردگارا، بغیر از تو فرمانروا و فریادری را - به رسمیت نمی شناسم ، بری از هر نقص و عیبی هستی، من نسبت بخود مرتکب ظلم و ناروا شدم، و تو مهربانترین مهربانانی.

. بهنگام عیادت از بیمار:

(أَذْهَبَ الْبَاسَ رَبِّ النَّاسِ أَشْفَى وَأَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا)^۲

بار الها ! تنها تو پروردگار و مالک مردمی، این درد و مشقت را - از این بیمار - برطرف فرما شفا دهنده تنها تویی، او را شفا عطا کن، شفا و بهبودی همان است که تو می دهی، شفائی که، هیچ درد و مرضی را باقی نخواهد گذاشت.

. در تعزیه و تسلیت:

إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ وَلَهُ مَا أُعْطِيَ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ^۳

خداوند این حق را دارد که ببخشد و باز پس گیرد. همه مخلوقات را برای زمان معینی بوجود آورده، پس چه بهتر که شکبیا باشیم و آن را بحساب آخرتمان واگذار نمائیم.

2- . سوره انبیاء آیه 87.

3- . (صحيح البخاري - (17 / 426 عن عائشه

رضی الله عنها)

1- سنن النسائي (6 / 417) باب الأمر

بالاحتساب عن أسامه بن زيد

در نماز جنازه خوانده می شود:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَأَعْفُ عَنْهُ وَعَافِهِ وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ وَوَسِّعْ
مُدْخَلَهُ وَاغْسِلْهُ بِمَاءٍ وَتَلَجَّ وَبَرِّدْ وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يُنْقَى الثُّوبُ
الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ وَأَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ
وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ وَفِيهِ فِتْنَةُ الْقَبْرِ وَعَذَابُ النَّارِ¹

خداوندا، او را ببخشای و با او مهربان باش، بی نیازش کن و از
گناهانش چشم پوشی بفرما مقدمش را گرمی و جایش را بزرگ گردان،
پروردگارا، گناهان او را با آب و برف و ژاله رحمت بشوی، و او را
بسان لباس سفید تازه شسته شده پاک گردان.

خداوندا، به او منزلی بهتر از منزلش، و خانواده ای صالحتر و نیکوتر
از خانواده اش و همسری مهربانتر از همسرش را عطا بفرما.

بار الهی، او را به بهشت - پر از نعمت و لذت - ببر، و او را از، سختی
و گرفتاری قبر و عذاب آتش در پناه خود گیر.

2- صحیح مسلم - (5 / 75) باب الدعاء
للمیت فی الصلاه عن عوف بن مالک الأشجعی

فصل سوم

مسلمان بودن در اخلاق و رفتار.

ویژگیها و صفات اخلاقی، «مسلمان»

- 1- پرهیز از امور «شبهه» و مشکوک.
- 2- چشم پوشی از نامحرمان.
- 3- حفظ زبان.
- 4- شرم و حیاء.
- 5- صبر و شکیبائی.
- 6- صداقت و درستکاری.
- 7- تواضع و فروتنی.
- 8- پرهیز از بدگمانی و غیبت و کشف اسرار مسلمان.
- 9- سخاوت و بخشنده‌گی.

ضرورت پایبندی به اخلاق اسلامی

هدف اساسی دعوت و رسالت اسلام، آراسته شدن اهل ایمان به -
اخلاق خوب و پسندیده می باشد، رسول خدا | در این مورد می
فرماید :

« إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ »^(۱)

«بدین جهت به رسالت برگزیده شدم که اخلاق کریمانه را به
اتمام و اکمال برسانم.»

قرآن کریم در این رابطه می فرماید :

﴿ الَّذِينَ إِنْ مَكَثُوهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ۝٤١﴾^۲

« همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم ، نماز را برپا
می دارند ، و زکات می پردازند ، و مردم را به کارهای پسندیده و
می دارند و از کارهای زشت باز می دارند ؛ و عاقبت همه کارها فقط
در اختیار خداست

هم چنین می فرماید :

(لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ
وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

1 - السنن الكبرى للبيهقي - م م - (10) /
(191) عن أبي هريرة |
2- . سورة حج آیه 41 .

وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ
وَأَتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤَفَّقُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ
فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ^(۱)

«نیکوکاری آن نیست که، گاهی بسوی شرق وزمانی هم بطرف
غرب روی بیاورید. بلکه خیر و خوبی برای کسی است که به خدا و روز
آخرت و ملائکه و کتاب «قرآن» و پیامبران ایمان داشته باشد، و هر چند
مال و سرمایه اش را دوست می دارد، از کمک و مساعدت به نزدیکان
، کودکان بی سرپرست، ، فقراء ، مسافرین و امانده از سفر، ، گدایان
و برای آزاد ساختن انسانهای برده، کوتاهی نکند. و نماز را بر پای دارد
وزکات را پرداخت نماید، و چنانچه تعهدی بکنند به آن وفادار هستند،
و بهنگام سختیها و مشکلات در هنگامه های وحشتناک، شکیبایند، آنها
هستند که، راست و صادق و پاک و پرهیزکارند.»

اخلاق خوب ثمر و نتیجه ایمان بوده و ایمان بدون اخلاق پسندیده
دارای هیچگونه ارزشی نمی باشد. رسول گرامی اسلام ا در یکی از
فرموده هایش مهربانی می کنند :
إِنَّ الْإِيمَانَ لَيْسَ بِالتَّحَلِّي ، وَلَا بِالتَّمَنِّي ، إِنَّمَا الْإِيمَانُ مَا وَقَرَ فِي
الْقَلْبِ وَصَدَقَهُ الْعَمَلُ..^(۲)

1- البقره / 177

2- مصنف ابن أبي شيبة (235) - (13) / 504
امام بیهقی در شعب الایمان و ابن بطه
در الإبانة الكبرى و امام احمد در کتاب
الزهد و امام عبدالله بن مبارک در کتاب

« به امید و آرزو «ایمان» را نمی توان بدست آورد. بلکه «ایمان» چیزی است که در «قلب» قرار گیرد، و احساس مسئولیت و عمل بر آن گواه باشد. »

از رسول خدا | سوال شد که «دین» چیست؟ ایشان در جواب فرمودند، دین یعنی «اخلاق و رفتار خوب و پسندیده». و در مورد، شومی و بدی، از ایشان پرسش نمودند، فرمود، «بد اخلاقی» ^(۱)

در میزان اعمال روز قیامت انسانها، هیچ چیز با ارزشتر و سنگینتر از اخلاق خوب نیست. کسانی که دارای اخلاقی بد و رفتاری نادرست هستند، نسب و فامیل درد آنها را در قیامت نمی تواند درمان کنند.

رسول گرامی و محبوب اسلام، فرموده است:

« مَا شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي مِيزَانِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ خُلُقٍ حَسَنٍ
وَإِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْبُذِيءَ »^۲

« در روز قیامت عملی سنگین تر از اخلاق نیک در میزان مومن نیست . همانا خداود انسان بد زبان یاوه سرا را مورد خشم خود قرار میدهد »

الزهد و الرقائق در جمله اقوال حسن بصری نقل کرده اند . و روایت مرفوع آنرا که ابن النجار از انس | روایت کرده است ، امام البانی موضوعی دانسته است . " السلسلة الضعيفة و الموضوعات " (218/3)

1- به روایت امام احمد

2- سنن الترمذی - (7 / 284) باب ماجاء

فی حسن الخلق عن ابی الدرداء |

هدف اسلام از واجب نمودن عبادات آن است که، ثمر و نتیجه اش، اخلاق خوب باشد، در غیر این صورت، عبادات چیزی جز مراسم و اعمالی تشریفاتی و تو خالی و بی فائده نخواهد بود.

در مورد نماز خداوند حکیم می فرماید:
 (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ)^۱
 «همانان، نماز از ارتکاب کارهای زشت و گناهان جلوگیری می کند.»

رسول خدا | فرموده است :
 «هر که نمازش او را از، پستیها و بدکاری ها باز ندارد، - چنین نمازی - بغیر از دور شدن از خدا نتیجه ای نخواهد داشت .

و راجع به روزه فرموده اند:
 (وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ إِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثُ وَلَا يَصْخَبُ فَإِنْ سَابَهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي امْرُؤٌ صَائِمٌ)^۲

«روزه سپری است _ در مقابل گناهان - چنانچه روزه دار بودید، از بدگویی و بدکرداری پرهیز نمائید. اگر کسی هم، حرف بدی به شما گفت، یا قصد دشمنی و دعوا داشت بگوئید که، من روزه دارم) در مورد حج هم ایشان فرموده اند :

مَنْ حَجَّ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ)^۳

- 1- . سوره عنكبوت آیه 45 .
- 2- صحیح البخاری - (6 / 474) باب هل يقول إني صائم إذا شتم ، عن أبي هريرة |
- 3- . صحیح البخاری - (5 / 400) باب فضل حج مبرور عن أبي هريرة |

«کسی که، تکلیف حج را بدون بد گوئی و تجاوز از حدو شریعت انجام داد، چنان از گناهان پاک می گردد که گوئی نو از مادر تولد شده است.»

در رابطه با حج قرآن می فرماید:
(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) ^۱

«فريضه حج در ماههای مشخصی انجام می گیرد، کسی که، برای انجام دادن آن در آن ماهها آمادگی پیدا نمود، باید از، بدگوئی و کردار بد، و درگیری و اختلاف، دوری کند.»

صفات و ویژگیهای اخلاقی «مسلمان».

مهمترین صفاتی که، لازم است، انسان مسلمان به آنها آراسته شود تا از نظر اخلاق سزاوار نام «مسلمان بودن» را داشته باشد عبارتند از:

دوری از امور «شبهه» و منشکوک .

پرهیز از امور حرام، و احتیاط در مورد مسائل نامعلوم برای هر انسانی

ضروری است. والتزام او را به این فرموده رسول گرامی می رساند که:

الْحَلَالُ بَيْنَ وَبَيْنَهُمَا مُشَبَّهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ اتَّقَى الْمُسَبَّهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ كَرَعَ يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يُوَاقِعَهُ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى أَلَا إِنَّ حِمَى اللَّهِ فِي أَرْضِهِ مَحَارِمُهُ أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا

صَلَحَتْ صَلَاحَ الْجَسَدِ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ إِلَّا وَهْيَ الْقَلْبِ ۱

«هر یک از «حلال و حرام» معلوم و مشخص هستند، اما در این میان چیزهای دیگری وجود دارند که، حکم آنها برای بسیاری از مردم روشن نیست. هر کس، - تا زمان روشن شدن - از آنها دوری کند، دین و آبرو و اعتبار خود را حفظ نموده است. اما چنانچه کسی بی باکانه در دایره آن ها داخل شود، ممکن است مرتکب حرام و ناروایی شود. همچون چوپانی که نزدیک مزارع مردم به چرانیدن می پردازد و بالاخره گوسفندان او داخل آن مزارع خواهند شد. این را فراموش نکنید، که هر حاکمی دارای مقررات و حدودی است، و حدود خدا هم اموری است که حرام قرار داده است، هم چنین آگاه باشید که، در وجود انسان پاره گوشتی است چنانچه اصلاح شود، همه امور اصلاح خواهد گردید، آری آن «قلب» است»

رسول گرامی | در یکی از فرموده هایش به، بلندترین درجه پرهیز از شبهات اشاره می فرمایند:

« لَا يَبْلُغُ الْعَبْدُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَدَعَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حَدَرًا لِمَا بِهِ الْبَأْسُ » (۲)

«انسان به درجات بالای تقوی دست رسی پیدا نمی کند مگر آنکه: اموری را که ظاهرا دارای اشکالی نیستند، بخاطر اینکه مرتکب نافرمانی نشود، ترک کند.»

2- متفق علیه عن النعمان بن بشير أ.

1- سنن الترمذي - (8 / 490) باب ما جاء

فی صفه اوانی الجنه «عن عطیة السعدی أ

پرهیز از نگاه کردن به نامحرم.
چه خوب است مسلمان ، از دیدن آنچه گناه است ونباید ببیند،
خودداری نماید، زیرا نگاه به نامحرم، سبب شورش شهوانی گردیده،
وزمینه گرفتار شدن به گناه وگردنکشی را فراهم می سازد.
بهمین علت است که، قرآن در مورد نگاه های غیر ضروری هشدار

می دهد:

(قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ)^۱

« به مردان مؤمن بگو : چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند
دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند »
ورسول گرامی | فرموده است.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ: إِنَّ النَّظْرَةَ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ، مَنْ تَرَكَهَا مَخَافَتِي
أَبْدَلْتُهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حِلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ.²

«از عبدالله بن مسعود | روایت است که رسول الله | فرمودند : نگاه
به نامحرم تیری است از تیرهای زهر آلود ابلیس است که قلب انسان را
نشانه می گیرد. پس اگر کسی آنرا از ترس من ترک کرد ، او را چنان
ایمانی عطاء میکنم که لذت آنرا در قلب خود احساس نماید »
ومی فرماید.

لَغَضِّ أَبْصَارِكُمْ، وَلِتَحْفَظَنَّ فُرُوجَكُمْ، وَلِتَقِيمَنَّ وُجُوهَكُمْ أَوْ

1- سوره نور ایه 30 .

2- المعجم الكبير للطبراني - (9 / 17)

لَتَكْسَفَنَّ وُجُوهُكُمْ".^(۱)

«باید، از نگاه کردن به نامحرم پرهیز کنید و دامن خویش را به فحشاء آلوده نسازید، در غیر این صورت، خدا رویتان را سیاه می گرداند- احترام و آبرویتان را در دنیا و سعادت و سربلندی تانرا در آخرت از دست خواهید داد-»

حفظ زبان:

زبان را از بیان مسائل زیر باید حفظ کرد.

- گفتار اضافه و غیر ضروری.
- سخنان زشت و ناپسند.
- الفاظ و عبارات رکیک و بی محتوی.
- پشت سر دیگران سخن گفتن (غیبت)
- سخن چینی و فتنه گری (نمیمه)...

در این رابطه، امام نووی (ر) سخنی دارد که: «برای هر انسان رشیدی لازم است، از همه نوع سخن گفتنی خودداری کند، مگر آنکه: کلامی باشد که، خیر و مصلحتی را بیان کند، و چنانچه گفتن و نگفتن سخن در مورد آن مصلحت بی اثر باشد، بهتر آن است که، چیزی گفته نشود. چون بسیار پیش می آید. که بدنبال سخن سنجیده و روا، بحث به جاهای نامطلوب و ناروایی کشانده می شود. و برآستی هیچ چیزی را با «محفوظ» ماندن نمی توان مقایسه کرد.»

فرموده های فراوانی، از رسول گرامی | وجود دارد، که نمونه هایی از گرفتاری و مشکلات بوجود آمده بوسیله زبان را بیان می فرماید.

3- المعجم الكبير للطبراني - (7 / 232)
عن ابی امامه |

برای نمونه:

وَهَلْ يَكْبُ النَّاسُ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ أَوْ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا
حَصَانِدُ السِّنْتِهِمْ(1)

«بجز دست آوردها و ثمرات زبان چه چیز دیگری است که زمینه.
رفتن ناگوار انسان را به جهنم فراهم کرده است؟»
و فرموده است که،

لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَانِ وَلَا اللَّعَانِ وَلَا الْفَاحِشِ وَلَا الْبَذِيءِ(۲)

«تحقیر و لعن و ناسزا و بدگوئی از ویژگیهای اهل ایمان نیست»
مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ سَقَطُهُ ، وَمَنْ كَثُرَ سَقَطُهُ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ ، وَمَنْ
كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ كَانَتْ النَّارُ أَوْلَى بِهِ(۳)

«کسیکه پر حرفی می کند، بیشتر به خطا و اشتباه می افتد . و
کسیکه خطاء و اشتاهش زیاد شد، گناهانش فزون میگردد و کسیکه
گناهانش زیاد شد آتش به او سزاوار ترست.»
حیاء و شرم.

در همه امور زندگی مراعات شرم و حیاء بسیار زیبنده و ارزشمند
است. البته بشرطیکه داشتن شرم سبب بی شهادتی نگردد.
- عدم دخالت در مسائل زندگی و کار دیگران.

-
- 1- سنن ابن ماجه (11 / 469) باب كف اللسان
فی الفتنه عن معاذ بن جبل
1- سنن الترمذي - (7 / 246) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
بن مسعود |
2- المعجم الكبير للطبراني - (11 /
225) عن عبدالله بن عمر |

- سر به زیر بودن و نگاه نکردن به نامحرم.
- پرهیز از نعره کشیدن و داد و فریاد.
- قناعت و عدم خورده گیری از کار و گفتار دیگران.

پیامبر محبوب اسلام | می فرماید :

الإِيمَانُ بَضْعٌ وَسَبْعُونَ أَوْ بَضْعٌ وَسِتُّونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الإِيمَانِ^(۱)

«ایمان» دارای هفتاد و چند و یا شصت و چند بخش است، مهمترین گفتن آنها، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و کمترین آنها، برداشتن اشیاء آزار دهنده از راه مردم است، یکی از بخشهای مهم «ایمان» هم «حیاء» است.

راجع به رسول خدا | نقل می کنند که. «هیچ کس را در حیاء و شرم نمی توان با او مقایسه نمود.»
بعضی از اندیشمندان راجع به «حیاء» گفته اند که:

«روح و حقیقت شرم داشتن آن است که، حالتی را در انسان بوجود آورد که، ترک گناه برایش ساده گردد. و هیچگاه حاضر به قصور و خیانت در حق دیگران نشود.»

صبر و شکیبائی.

خصوصیت و خصلتی که، نسبت به دیگر خصلتها لازم است در مسلمان وجود و نمودش بیشتر باشد، صبر و بردباری است. زیرا کار برای

3- صحیح مسلم (140/1) باب عدد شعب الإیمان
عن ابی هریره |

اسلام همرا با مشکلات و ناگواری ها می باشد. شکنجه و آزار و تهمت و هتک حرمت، تمسخر و... موانعی هستند در مسیر خدمتگذاران اسلام. و وسائلی اند در دست دیگران که در راستای ایجاد تزلزل اراده، و انصراف از تلاش و مجاهدت و به هدف ممانعت از دعوت و حرکت اهل ایمان بسوی خدا صورت می گیرد.

در اینجاست که در می یابیم، مسئولیت مسلمان دارای پیام و رسالت، از مشکلترین و سنگینترین مسئولیتهاست. مسئولیت رساندن پیام دین به همه انسانها با توجه به تضادهای روانی، فکری، و فرهنگی متفاوت، از، دانا و نادان، باسواد و بی سواد، اندیشمند و احساساتی، کندرو و تندرو و انسانهای آرام و عجول و...

همچنین لازم است، با هر انسانی به اندازه، استعداد و توانائیش سخن بگوید. واز همه مهمتر آنکه، هیچ کس را از خیر دعوتش بی بهره نکند. وسیعی نماید راه ورود به دلهایشان را دریابد و به آرامی در آن نفوذ کند.

اقدام و تلاش در این زمینه چندان ساده نیست، و نیازمند نیروی فراوان و صبر و تحملی بسیار است.

بهمین علت است که، در رهنمودهای قرآن و فرموده های رسول گرامی | به صبر و شکیبایی و آرامش بسیار سفارش شده است. به نمونه های زیر توجه فرمائید.

الف - رهنمودهای قرآن :

(وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ)^۱

» و کسی که شکیبایی ورزد و گذشت کند، بی تردید این از

اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است.»
(وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۱)

« و باید عفو کنند و درگذرند ؛ آیا دوست نمی دارید خدا شما را
بیامرزد ؟ [اگر دوست دارید ، پس شما هم دیگران را مورد عفو
و گذشت قرار دهید] ؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است .
(إِنَّمَا يُؤَقِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ)^۲
فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند
کرد »

ب- رهنمودهای، رسول گرامی اسلام |
« إن الرجل ليدرك بالحلم درجة الصائم القائم »^۳
«انسان با شکیبائی، به درجات روزه داران و نماز خوانان خواهد
رسید.»

أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِمَا يَشْرَفُ اللَّهُ بِهِ الْبَنِيَانِ وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ أَنْ تَحْتَمُ
عَنْ مَنْ جَهْلَ عَلَيْكَ ، وَتَعْفُو عَنْ مَنْ ظَلَمَكَ ، وَتُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ ،
وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ.^۴
«می خواهید بدانید که، خداوند توانا چه چیزی را وسیله ساختن کاخ

-
- 2- . سوره نور آیه 22 .
3- . سوره زمر آیه 10 .
3- المعجم الأوسط للطبرانی - (14 / 33)
عن علی |
4- مسند البزار - (1 / 419) عن عباده بن
الصامت | جامع الأحادیث - (6 / 17)

سعادت انسان و پلکان عروج او به درجات ارزش آفرین، قرار می دهد؟
جمعی که در آنجا حضور داشتند، فرمودند، بسیار علاقه مندیم که بدانیم. رسول خدا فرمود. نسبت به بدیهیهای نادانان شکیبائی نمائی. از گناه کسی که ظلمی را نسبت به تو مرتکب گردیده گذشت کنی. با شخصی که، سرناسازگاری و قهر با شما را دارد، تفاهم داشته باشی، واز یاری و بخشش به کسی که، حاضر به هیچگونه همکاری با تو نیست، دریغ نمائی.»

رسول محبوب اهل ایمان، و پیام آور نور و سربلندی و سعادت، در یکی از گفتارهای گهربارش می فرماید:

« إذا جمع الله تعالى الخلائق نادى مناد : أين أهل الفضل ؟ فيقوم ناس هم يسير ، فينطلقون سراعا إلى الجنة فتلقاهم الملائكة ، فيقولون : إنا نراكم سراعا إلى الجنة ، فمن أنتم ؟ فيقولون : نحن أهل الفضل ، فيقولون : ما كان فضلكم ؟ فيقولون : كنا إذا ظلمنا صبرنا ، وإذا أسيء إلينا غفرنا ، وإذا جهل علينا حلمنا ، فيقال لهم : ادخلوا الجنة فنعلم أجر العاملين »¹

«آن موقع که خدا همه مخلوقات را گرد هم می آورد، اعلان میکنند که، بزرگواران اهل فضل بیایند- و خود شانرا بهمه بشناسانند.»
گروهی راه می افتند و پیش می آیند، وبا اشتیاق بسیار بسوی بهشت می شتابند، ملائک خود را به آنها رسانیده و در مورد فضل و بزرگواریشان سوال می نمایند. آنها در جواب می گویند. وقتی - از

1- شعب الإيمان للبيهقي - (17 / 124) عن عبداله بن عمر بن عاص أ و في الحديث ضعف

طرف مسلمانی- مورد ظلم قرار می گرفتیم او را می بخشیدیم، چنانچه، مورد آزار واقع می شدیم صبر می کردیم، ملائک به آنها می گویند، بفرمائید به بهشت تشریف فرما شوید.

خوشا بحال شما اهل عمل، بخاطر آن همه پاداش ونعمتی که در انتظارتان است.»

ج- نمونه هایی از، روش عملی رسول خدا | :

در روز غزوه حنین، فردی از کیفیت تقسیم غنائم اعتراض داشت وگفت: «بخدا قسم، این تقسیم بسیار ناعادلانه بود، وهدف از آن رضایت خدا نبود.»

موضوع اعتراض آن شخص را برای رسول خدا | نقل نمودند، ایشان فرمودند:

رَحِمَ اللَّهُ مُوسَى قَدْ أُؤْذِيَ بِأَكْثَرِ مِنْ هَذَا فَصَبَرَ ١

«رحمت خدا بر حضرت موسی، که خیلی بیشتر از اینها آزارش دادند اما او تحمل کرد.»

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كُنْتُ أَمْشِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ بُرْدٌ نَجْرَانِي غَلِيظُ الْحَاشِيَةِ فَأَدْرَكَهُ أَعْرَابِي فَجَذَبَهُ جَذْبَةً شَدِيدَةً حَتَّى نَظَرْتُ إِلَى صَفْحَةِ عَاتِقِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ أَثَرَتْ بِهِ حَاشِيَةُ الرِّدَاءِ مِنْ شِدَّةِ جَذْبَتِهِ ثُمَّ قَالَ مُرْ لِي مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَكَ فَأَلْتَفَتَ إِلَيْهِ فَضَحِكَ ثُمَّ أَمَرَ لَهُ بِعِطَاءٍ ٢

- 1 - صحيح البخاري - (13 / 230) باب غزوه الطائف في الشوال ، عن عبدالله بن مسعود |
- 2 - صحيح البخاري - (10 / 402) باب التبسم و الضحك

حضرت انس روایت می فرماید که: «روزی همراه با رسول خدا | در حالی که پتوی ضخیم وبافته شده در یمن را بر تن داشت، روان بودم که ناگهان بادیه نشینی از پشت به او نزدیک گردید و گوشه پتوی رسول خدا | را آنچنان کشید، که کناره آن بر گردن حضرت اثر گذاشت، و خطاب به ایشان گفت که، ای محمد، از مالی که خدا به تو داده مقداری را هم به ما بده، رسول خدا | با لبخندی بر لب به ایشان نگریستند و به همراهان فرمودند، ببینید چه می خواهد به او بدهید.»

عن أبي هريرة ، قال : كنا نقعد مع رسول الله صلى الله عليه وسلم بالغدوات في المسجد ، فإذا قام إلى بيته لم نزل قياما حتى يدخل بيته ، فقام يوما ، فلما بلغ وسط المسجد ، أدركه أعرابي فقال : يا محمد ، احملني على بعيرين ، فإني لا تحملي من مالك ولا من مال أبيك وجبذ بردانه حين أدركه ، فاحمرت رقبتة ، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « لا ، وأستغفر الله ، لا أحملك حتى تقيدني » قالها ثلاث مرات ، ثم دعا رجلا فقال له : « احملة على بعيرين : على بعير شعير ، وعلى بعير تمر »¹

حضرت ابوهریره (رض) روایت می فرماید که :بادیه نشینی به رسول خدا | گفت، من از تو بار دو شتر لوازم می خواهم - منتهی هم ندارد- از مال خود وپدرت که نمی دهی ! وچون به نزدیک رسول خدا رسید آن چنان ردای او را کشید، که گردن رسول خدا | از شدت آن قرمز شد، اما ایشان دستور فرمودند که، بار دو شتر یکی جو، و دیگری خرما به او بدهند.

عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ، قَالَ: كَانَتْ امْرَأَةٌ تَرَأْفُ الرِّجَالَ، وَكَانَتْ بِذِينَةٍ، فَمَرَّتْ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَأْكُلُ ثَرِيدًا عَلَى طَرِيَانٍ، قَالَتْ: انْظُرُوا إِلَيْهِ يَجْلِسُ كَمَا يَجْلِسُ الْعَبْدُ، وَيَأْكُلُ كَمَا يَأْكُلُ الْعَبْدُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "وَأَيُّ عَبْدٍ أَعْبَدُ مِنِّي؟"، قَالَتْ: وَيَأْكُلُ وَلَا يُطْعَمُنِي، قَالَ: "فَكُلِّي"، قَالَتْ: نَاولْنِي يَدَكَ، فَنَاولَهَا، قَالَتْ: أَطْعَمَنِي مِمَّا فِي فَيْكِ، فَأَعْطَاهَا، فَأَكَلْتُ، فَغَلَبَهَا الْحَيَاءُ، فَلَمْ تَرَافِتْ أَحَدًا حَتَّى مَاتَتْ.

طبرانی روایت می نماید که: زنی در زمان رسول خدا | عادت شوخی های دور از ادب و نزاکت داشت، او روزی، جایی می رفت و دید رسول خدا | بر زمین نشسته و دارد غذای ساده ای را می خورد، تا او را دید شروع نمود به استهزاء و تمسخر و داد زد، های مردم! بیائید و ببینید که، محمد مثل برده ها بر خاک نشسته و دارد غذا می خورد.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَجُلًا قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي قَرَابَةً أَصْلَهُمْ وَيَقْطَعُونِي وَأُحْسِنُ إِلَيْهِمْ وَيُسَيِّئُونَ إِلَيَّ وَأَحْلُمُ عَنْهُمْ وَيَجْهَلُونَ عَلَيَّ فَقَالَ لَنْ كُنْتُ كَمَا قُلْتَ فَكَأَنَّمَا تُسِفُّهُمْ الْمَلَّ وَلَا يَزَالُ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ ظَهِيرٌ عَلَيْهِمْ مَا دُمْتَ عَلَى ذَلِكَ^۱

ابوهریره باز روایت می نماید که: شخصی به خدمت رسول گرامی اسلام آمد و گفت، من قوم و خویشانی دارم، هر چه با آنها محبت می کنم و سر می زنم، آنها به من اعتنائی ندارند و برایم ارزشی قائل نیستند؛ پیامبر | فرمودند: در صورتیکه این حرف شما درست باشد، -

1- صحیح مسلم - (12 / 412) باب صله الرحم و تحریم

آنها کار بی ارزشی را- مثل فوت کردن برگرد و خاک دارند انجام می دهند تا وقتی که، با آنها این گونه باشی دست یاری و محبت خدا روی سر تو خواهد بود.

یک نفر یهودی که از رسول خدا | از او قرض دار بودند ، خطاب به ایشان گفت، شما طائفه «عبدمناف» به اذیت طلبکاران عادت کرده اید شما «دوپه» هستید.

حضرت عمر (رض) - که در آنجا حضور داشت- بر روی یهودی معترض شمشیر کشید، حضرت محمد | خطاب به حضرت عمر (رض) فرمود:

يَا عُمَرُ ، اَنَا وَهُوَ كُنَّا أَحْوَجَ إِلَى غَيْرِ هَذَا ، اَنْ تَأْمُرَنِي بِحُسْنِ الْأَدَاءِ ، وَتَأْمُرَهُ بِحُسْنِ التَّبَاعَةِ

« بهتر آن است، مرا به پرداخت بموقع قرض، و او را به مطالبه آرام و مطلوب پولش، نصیحت کنی.»

نقل کرده اند که: حضرت عیسی (ع) به همراه حواریون و پیروانش، به روستاها می رفتند و مردم را بدین خدا دعوت می کردند، با آنها رفتاری بسیار خوب و پسندیده داشت، و در مقابل آنها با او بسیار بد و ناروا رفتار می نمودند، حواریون، با تعجب از سرّ این وضع از ایشان سوال نمودند، حضرت عیسی (ع) در جواب فرمودند، «هر کس از چیزی می بخشد که در جیب دارد!؟»²

1- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - 15)

/ 211) باب ذکر اسلام زیدبن سعنه

2- إحياء علوم الدين - (2 / 367) باب

بيان فضيله الحلم

همه مواردی که بیان گردید. بر ضرورت آراسته بودن، خدمتگزاران اسلام، به صبر و گذشت تاکید دارند، بخصوص زمانی که، آزار و ایجاد مشکلات از طرف، اقوام، دوستان و هم مسیران باشد، زیرا، صبر در مقابل آزاری که از طرف آنها ایجاد می گردد، باعث بوجود آمدن، الفت و محبت شده و درد دوری و اختلاف را شفا می بخشد. و بهتر از آن، رضایت خدا را بدنبال خواهد داشت.

صداقت و درستکاری.

سخن راست و صادقانه، و پرهیز از دروغ بسیار ضروری است. مدام حقگو باشید، هر چند گفتن آن به ضرر خود شما تمام شود. و در بیان حق از سرزنش کسی در هراس نباشید و اهمیتی به سخن دیگران ندهید.

«دروغ» از صفات بسیار زشت و ناپسند بوده دروازه ای بسیاری از بدیها و لغزشها را به روی انسان می گشاید.

پرهیز و احتیاط در مورد سخنان نادرست - هر چند کم ارزش هم باشد- روحیه ای را در انسان بوجود خواهد آورد که او را از وسوسه و تحریکات نفس و شیطان مصئون نموده و صفا و پاکی و شخصیت خویش را حفظ خواهد کرد.

گفتن دروغ، شخصیت انسان را بی ارزش کرده و دیوار بلند عزتش را فرو می ریزد. بهمین دلیل است که، اسلام دروغ گفتن را حرام نموده و آن را آفتی از آفات دور کننده انسان از رحمت خدا قلمداد کرده است.

رسول گرامی اسلام | می فرماید:

« عَلَيْنَا بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقًا وَإِيَّائُمُ وَالْكَذِبُ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا^۱ »

« همیشه به راستی پابند باشید، زیرا صداقت انسان را به سوی نیکی رهنمون می شود و نیکی هم او را به جانب بهشت می برد. کسیکه، هر چند بیشتر صادق و راستگو باشد، در نزد خداوند، از جمله صدیقین بحساب خواهد آمد. از دروغ همیشه اجتناب کنید، زیرا دروغ گفتن انسان را به سوی، فساد و تباهی می برد، فساد و تباهی هم، انسان را کشان کشان بجانب جهنم سوق می دهد. و شخص که بسیار دروغ می گوید، نزد خداوند نامش را در لیست دروغگویان ثبت می کنند. »

تواضع و فروتنی

یکی از صفات با ارزش و شایسته، تواضع است، بخصوص، تواضع با برادران ایمانی، وبدون توجه به دارائی و ناداری و کوچک و بزرگ. پیامبر نور و هدایت | از تکبر و گردنکشی بخدا پناه می برد و می فرمود:

« لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ »^(۲)

« کسیکه، حتی یک ذره تکبر و خودخواهی در درونش وجود داشته باشد به بهشت راهش نخواهند داد »
وایشان از خداوند نقل می فرمایند:

¹ - متفق علیه .

¹ - صحیح مسلم - (1 / 249) باب تحریم الکبر و بیانه ، عن عبدالله بن مسعود |

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعَظَمَةُ إِزَارِي فَمَنْ نَزَعَ عَنِّي
وَاحِدًا مِنْهُمَا قَذَفْتُهُ فِي النَّارِ^۱

«الله متعال میفرماید: کبریاء ردای من و عظمت ازار منست، پس
کسیکه درین دو با من نزاع کند او را در جهنم می اندازم.»

دوری از بدگمانی و کنجکاوی در امور مخفی دیگران.
پرهیز از سوء ظن و غیبت و تجسس در مسائل شخصی مردم، در
راستای پای بندی به فرمان فرمانروای راستین، بسیار ضروری است. در
این رابطه خداوند می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّهُ بِبَعْضِ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بََعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾^۲

«ای اهل ایمان! از بسیاری گمان ها [در حق مردم] بپرهیزید؛
زیرا برخی از گمان ها گناه است، و [در اموری که مردم پنهان
ماندندش را خواهند] تفحص و پی جویی نکنید، و از یکدیگر غیبت
ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را
بخورد؟ بی تردید [از این کار] نفرت دارید، و از خدا پروا کنید که
خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است.»

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَّا كُتِبَ لَهُمْ فَقَدْ آخِذُوا
بُهْتَانًا وَإِنَّمَا هُمْ ظَنُّوا﴾^۳

- 1- سنن أبي داود - (11 / 127) باب ما جاء
في الكبر، عن أبي هريرة
- 3- سورة حجرات آیه 12 .
- 1- الاحزاب آیه 58 .

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را [با متهم کردن] به اعمالی که انجام نداده اند ، می آزارند ، بی تردید بهتان و گناه بزرگی بر عهده گرفته اند .»

ودوری از آن گناهان، به منظور پیروی از سفارش رسول خدا | بسیار لازم و ضروری است. ایشان فرموده اند که:

يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بَلِسانِهِ وَلَمْ يَدْخُلْ الْإِيمَانُ قَلْبَهُ لَا تَغْتَابُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ اتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ يَتَّبِعِ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ يَتَّبِعِ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ فِي بَيْتِهِ ¹

«با شما هستیم، ای کسانی که، با زبانتان ایمان آورده اید، اما درونتان خالی از ایمان است. پشت سر مسلمانان بدگوئی نکنید، بدنبال افشاء اسرار آنان نباشید، مطمئن باشید کسیکه در پی کشف اسرار و آبروریزی برادران مسلمان خود می باشد، اگر در درون خانه اش هم باشد ، خدا او را رسوا خواهد کرد.»^(۲)

سخاوت و بخشندگی.

چه زیباست که انسان، اهل بخشش- و سخاوتمندی برای مستمندان- باشد. وجان و مال خویش را دو دستی تقدیم راه خدا نماید.

با محک مصرف پول و مادیات ، بسیاری از نهانیهای درون انسان

2- سنن أبي داود - (13 / 23) باب في الغيبة عن أبي برزة الأسلمي
1- روایت ابوداود .

وحس پول پرستی او، روشن می شود. کم نبودند، اشخاص سر شناسی که از آزمایش مسائل مادی توفیق رفیقشان نگردیده است.

خداوند یکی از صفات مومنین باورمند به غیب را انفاق در راه خدا قلم داد می کند : (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ) ^۱

«آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم ، انفاق می کنند.»

(لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنفُسُكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُّوفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ) ^۲

[ای پیامبر !] هدایت آنان [به سوی اخلاص در انفاق و ترک منّت و آزار] بر عهده تو نیست ، [وظیفه تو ابلاغ پیام و اتمام حجت است] بلکه خداست که هر کس را بخواهد هدایت می کند . [ای اهل ایمان !] و هر مالی را که انفاق کنید به سود خود شماست ، و این در صورتی است که انفاق نکنید جز برای طلب خشنودی خدا . و آنچه از مال [بارزش و بی عیب] انفاق کنید ، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود ، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت .

انسانهای، بخیل و پول پرست لازم است به این فرموده رسول خدا خوب گوش فرا دهند:

« مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا

2- . بقره آیه 3 .

3- . سوره بقره آیه .

اللَّهُمَّ اَعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا وَيَقُولُ الْآخِرُ اللَّهُمَّ اَعْطِ مُمْسِكًا تَلْفًا^۱

«در عمر انسانها، بامدادی را نمی یابی که در آن، دو نفر از ملائک فرو نیایند، و یکی از آنها دعا می کند: پروردگارا، خدایا به سخاتمندان عوض عطا کن و دیگری می گوید: خداوندا، مال و ثروت انسانهای خسیس و پول پرست را تلف کن.»

در نهایت، بسیار مطلوب و کارساز خواهد بود که، - مسلمان هدفمند و دارای رسالت و پیام- در بین مردم الگوی ارزشمندی از ارزشهای اسلامی و آداب و اخلاق آن در خوراک و پوشاک، و سلام و کلام، مسافرت و اقامت در محل سکونت، و بالاخره، تمام حرکات و امورش، باشد.

1- صحیح البخاری - (5 / 270) باب قول الله تعالى و اما من اعطى ...، عن ابی هريره ا

فصل چهارم

- 1- مسئولیتهای دینی، در خانه و خانواده،
 - الف- قبل از ازدواج.
 - ب- بعد از ازدواج.
 - ج- در تربیت فرزندان.



ضرورت پایبندی به مسئولیتهای دینی در خانواده

پذیرش اسلام، در حقیقت مسئولیت بزرگی را بر عهده انسان قرار می دهد طوری که، در همه جوانب زندگی ، احساس هدفمند نموده و خود را دارای پیام ورسالتی بداند. ودر پی آن باشد که، همه امور را مطابق با آن پیام اداره وتنظیم نماید.

همانگونه که مسلمان بودن انسان، لازمه اش داشتن عقائد وعبادات و اخلاق صحیح اسلامی است، تلاش همه جانبه در راستای اسلامی کردن اجتماعی که در آن زندگی می کند. نیز از مسئولیتهای مهم او بحساب می آید.

بدون اهتمام وتوجه به اطرافیان، زندگی سالم و اسلامی برای هیچکس امکان ندارد. یا حداقل کافی وکامل نیست. از جهت دیگر یکی از پیامدهای پذیرش اسلام، ایجاد انگیزه قوی، در ارتباط با دیگران، ومسئولیت و فراخواندنشان به اسلام وخیر خواهی ودفاع از آنهاست.

رسول گرامی ا می فرماید:

من بات ولم یهتم للمسلمین عامة فلیس منهم^۱

«کسیکه، شب را در غفلت وبی توجهی به امور مسلمانان، به روز آورد، از جمع آنها نیست»

از همین جا، مسئولیت تازه ای - مسئولیت، برپائی جامعه اسلامی، و رسانیدن پیام دین به همه مردم - در زندگی اهل ایمان مطرح می

1- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - (18 / 260) باب من أصبح و الدنيا اکبر همه

گردد. گام اول در این مسیر آن است که، خانه و خانواده مسلمان دعوتگر، اسلامی اداره و تربیت شوند، و پیام اسلام را قبل از رسانیدن به جامعه گسترده تر، به جمع کوچک خانواده اش برساند. زن و فرزندان و نزدیکانش را از نور دعوتش بی بهره ننماید.

این روش، درست همان روش رسول خدا ﷺ در اوائل دعوتش به اسلام می باشد. قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ چنین می فرماید:

(فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ ﴿٢١٣﴾
وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَاحْزِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾)^۱

« پس با خدا معبودی دیگر را مپرست ، که از عذاب شدگان خواهی شد . و خویشان نزدیکت را [از عاقبت اعمال زشت] هشدار ده ، و پر و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر)

بهمین خاطر، اولین مسئولیت مسلمان پس از خود، توجه به تربیت خانواده و خویشانودان است.

قرآن در این زمینه می فرماید:

(يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُلُوبًا أَنفُسُهُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ)^۲

«ای مؤمنان ! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است ، حفظ کنید . بر آن فرشتگانی خشن و سخت گیر

1- . سوره شعرا آیات 213 - 215 .

2- . سوره تحریم آیه 6 .

گمارده شده اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده ، سرپیچی نمی کنند ، و آنچه را به آن مأمورند ، همواره انجام می دهند .»

مسئولیت های پیش از ازدواج.

برای پیروزی در زمینه ساختن خانواده ای مسلمان، اسلام رهنمودهای لازم را بیان کرده، واسباب وعواملی را که با بهره گیری از آنها، کار را آسانتر و رسیدن به هدف را تضمین می نماید، معلوم نموده است.

الف: هدف از ازدواج ادای وظیفه دینی وایجاد خانواده ای اسلامی می باشد. خانواده ای که در آن، فرزندان پاک و صالحی تربیت شوند، و با بدوش کشیدن بار مسئولیت وامانت دین وهدایت الهی، وسیله استمرار وادامه آن قرار گیرند.

(إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۳۳﴾ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۴﴾)

«بی تردید خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به خاطر شایستگی های ویژه ای که در آنان بود] بر جهانیان برگزید .فرزندانی [را برگزید] که [از نظر پاکی ، تقوا ، درستی و راستی] برخی از [آنان از نسل] برخی دیگرند ؛ و خدا شنوا و داناست .»

ب- پرهیز از، نگاه کردن به نامحرم، و حفظ پاکدامنی نیز، از جمله اهداف ومقاصد ازدواج می باشد، تا زمینه پرهیزگاری مخلصانه را فراهم نماید.

در این رابطه، رسول گرامی اسلام می فرماید:
ثَلَاثَةٌ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ عَوْنُهُمُ الْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُكَاتَبُ الَّذِي يُرِيدُ الْأَدَاءَ وَالنَّاكِحُ الَّذِي يُرِيدُ الْعَفَافَ ^(۱)

«خداوند، کمک کردن به سه نفر را بر خود لازم گردانیده است، مجاهد در راه اسلام، برده ای که با اربابش، برای آزادی خود قرار دادی را بسته است و کسی که، برای آلوده نشدن به گناه، قصد ازدواج داشته باشد.»

پیامبر بزرگوار | می فرماید:
« من تزوج فقد استكمل نصف الإيمان ، فليتق الله في النصف الباقي » ^(۲)

«کسیکه ازدواج کرده و شریک زندگیش را برگزیده، نیمی از دینش را بیمه نموده، برای حفظ نیم دیگر، راه پرهیز گاری را در پیش گیرد و از خدا شرم کند.»

ج- در انتخاب همسر و شریک زندگی و رفیق همراه لازم است، به مقررات دینی و حسن انتخاب اهمیت و توجه کافی بشود.

در این رابطه، رسول خدا | می فرمایند:
« تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ وَأَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَأَنْكِحُوا إِلَيْهِمْ » ^(۳)

-
- 1- سنن الترمذي - (6 / 214) باب ما جاء في المجاهد و الناكح ... عن أبي هريره |
 - 2- المعجم الأوسط للطبراني - (16 / 438) عن انس بن مالك |
 - 3- السنن الكبرى للبيهقي - م م - (7 / 133) باب اعتبار الأكفاء عن عائشه رضي الله

برای نطفه های خود مکان نیکی انتخاب کنید و با همسران کفو خود ازدواج کنید و دختران خود را به هم کفو شان به نکاح دهید»
د- در انتخاب شریک زندگی، اولویت به کسانی است که، مومن و پایبند به مسئولیتهای دینی می باشند، و مهم نیست که در ثروت و زیبایی به پای دیگران نمی رسند.

حضرت محمد | فرموده اند که:

لَا تَزَوِّجُوا النِّسَاءَ لِحُسْنِهِنَّ فَعَسَى حُسْنُهُنَّ أَنْ يُرْدِيَهُنَّ وَلَا تَزَوِّجُوهُنَّ لِأَمْوَالِهِنَّ فَعَسَى أَمْوَالُهُنَّ أَنْ تُطْغِيَهُنَّ وَلَكِنْ تَزَوِّجُوهُنَّ عَلَى الدِّينِ وَلَأَمَّةٌ خَرَمَاءُ سَوْدَاءُ ذَاتُ دِينٍ أَفْضَلُ^(۱)

«همسر خود را تنها بخاطر زیبایی انتخاب نکنید، هیچ بعید نیست که، همان زیبایی، وسیله ای برای بدبختی و آبروریزی او بشود. و بخاطر ثروت و دارائی کسی را بهمسری نگیرید، این احتمال وجود دارد که، ثروت و دارائیش، باعث سرکشی و طغیان او بشود. ملاک شما برای انتخاب شریک زندگی فقط «ایمان والتزام» به اسلام باشد، یقیناً کنیزک سیاه چهره بینی شکافته و لب کلفت اما صاحب دین بهتر از همه است»

ه- سرپیچی از رهنمودهای خداوند را در این زمینه، نباید ساده وعادی دانست، بلکه، بی مبالائی به آنها، مایه خشم وانتقام خداوند خواهد گردید.

عنها

1 - سنن ابن ماجه - (5 / 457) باب تزویج ذوات الدین ، عن عبدالله بن عمرو |

رسول گرامی اسلام | می فرماید:

« من تزوج امرأة لعزها لم يزد الله إلا ذلاً ، ومن تزوجها لمالها لم يزد الله إلا فقراً ، ومن تزوجها لحسبها لم يزد الله إلا دناءة ، ومن تزوج امرأة لم يتزوجها إلا ليغض بصره أو ليحصن فرجه ، أو يصل رحمه بارك الله له فيها ، وبارك لها فيه »^(۱)

«چنانچه نیت کسی در ازدواج تنها بخاطر، مقام و ثروت او باشد، بجز ذلت خیری از او نخواهد دید. و اگر صرفاً به خاطر مال و ثروتش، تن به ازدواج با او می دهد، بغیر از فقر و ناداری نصیبی نخواهد داشت. و در صورتیکه، نسب و سرشناسی خانواده اش، سبب انتخاب او بشود، دست آوردشان از آن ازدواج، چیزی بجز پستی و بی شخصیتی نمی باشد. اما اگر انتخاب همسر با هدف و قصد، پرهیز از نگاه به نامحرم، و حفظ پاکدامنی و تقویت محبت خانوادگی، باشد، هم مرد برای زن مایه خیر و برکت می گردد. و هم زن زمینه، محبت و آرامش را برای مرد فراهم خواهد آورد.»

مسئولیت پس از، ازدواج.

انتخاب خوب و شایسته همسر، به این معنی نیست، که مسئولیت در ارتباط با او خاتمه پیدا کرده. بلکه، از همان لحظات شروع زندگی مشترک مسئولیت مهمتر آغاز می گردد. و در این موارد بخصوص لازم است احساس مسئولیت شود.

الف: خوش رفتاری، احترام، و برخورد سالم، باعث بوجود آمدن،

1- المعجم الأوسط للطبرانی - (5 / 388)
عن انس بن مالک |

محبت و اطمینان دو طرفه می گردد.

رسول گرامی ا می فرمایند:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي (۱)

«بهترین شما کسی است که با خانواده اش، بهترین رفتار را داشته باشد. و من هم از همه شما با خانواده ام بهتر رفتار می نمایم.»

همچنین ایشان فرموده اند:

إِنَّ مِنْ أَكْمَلِ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَأَلَطْفَهُمْ بِأَهْلِهِ (۲)

«در میان اهل ایمان، کسی از همه ایمانش کاملتر است که، اخلاقش بهتر و با خانواده اش مهربانتر باشد.»

ب : علاقه و دوستی زن و شوهر نباید در روابط زناشویی ولذت بردن از یکدیگر خلاصه شود. بلکه، مهمتر از آن، ضرورت تحقق، همفکری و هماهنگی در اخلاق و خواسته هاست، در مطالعه، وادای عبادتها، و اداره امور خانواده، با هم همکاری و هم فکری داشته باشند. و در شبانه روز فرصتی را هم برای تفرج و شوخی سالم با همدیگر در نظر بگیرند.

در مورد انجام دادن عبادت، قرآن می فرماید:

(وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَنَقَبَةُ لِلتَّقْوَى) ۳

1- سنن ابن ماجه - (6 / 119) باب حسن

معاشره النساء عن ابن عباس ا

2- سنن الترمذي - (9 / 196) باب ما جاء

فی استكمال الإیمان عن عائشه رضی الله عنها .

3- . سوره طه آیه 123 .

« و خانواده ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز ؛ از تو رزقی نمی طلبیم ، ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای پرهیزکاری است . »

(وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا)^۱
« و همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد ، و نزد پروردگارش پسندیده بود »

در مورد ضرورت در نظر گرفتن اوقاتی برای تفریح و سرگرمی با همسر، حضرت عائشه (رض) نقل می نماید که: «با رسول خدا | مسابقه دوش ترتیب می دادیم.»

راجع به، همکاری و همفکری در امور منزل نقل نمودند که: رسول خدا | در بسیاری از کارهای خانه، با همسرانش همکاری می نمود، از جمله، دوختن کفش، ولباس، و جارو کردن و...

د: نهایت تلاش را باید بکار برد که، در مورد همه مواردی که گفته شده یا نشده اند، موازین مراعات شود. علاقه و محبت و همکاری زمانی مطلوب و مفید است که از، حدود شرعی آن خارج نشود.

رسول الله | می فرماید :

(من أطاع إمرأته، كبه الله عز وجل في النار على وجهه)^۲

1- مریم آیه 55.

2- این حدیث را علامه البانی موضوعی خوانده است. سلسلة الأحادیث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة - (14 / 939) آورده السیوطی فی " ذیل الأحادیث الموضوعة " (ص 132 / 623 بترقیمی) من

«کسی که، تسلیم، خواسته های نامشروع همسرش می شود و بخاطر او دست به هر کاری می زند، خداوند او را با سرافکندگی به دوزخ خواهد انداخت.»

وباز فرموده است:

لا یلقى الله سبحانه أحد بذنب أعظم من جهالة أهله^۱

«هیچ کسی با گناه بزرگتر ازین با الله (در روز قیامت) ملاقی نخواهد شد که اهل خود را جاهل بگذارد.»

و فرموده اند:

تعس عبد الزوجة^۲

«بدبخت اند، زن ذلیلان»

مسئولیت مشترک، تربیت اولاد.

واقعیت آن است که، موفقیت ازدواج، در انتخاب همسر خوب

روایة الدیلمی بسنده عن المطلب بن شعیب بن حیان الأزدي

1 این حدیث اصل نداشته و در جمله موضوعات میباشد. احادیث الإحياء التي لا أصل لها - از علامه البانی (6 / 310)

الفوائد المجموعة (137/1) و تذكرة الموضوعات للفتني - (1 / 57)

2 - اصل ندارد. رک: كشف الخفاء - (2 / 3)

أحاديث الإحياء التي لا أصل لها - (6 / 311) الفوائد المجموعة - (1 / 135)

تذكرة الموضوعات للفتني - (1 / 56)

و مناسب و همکاری و همفکری آنان در محدوده مقررات دینی بوده و این زمینه بسیار مساعدی را برای تربیت اسلامی و مطلوب فرزندان فراهم می کند. اما در صورتیکه، در انتخاب همسر دقت لازم صورت نگرفته، و ارزشهای ایمانی مورد توجه نبوده باشد، نتایج کاملاً ناگوار و گرفتاری همه جانبه ای را برای کل اعضای خانواده در پی خواهد داشت.

هر گونه ناسازگاری و ناهماهنگی بین زن و شوهر، تاثیر مستقیم و فوری بر افکار و روحیات و در نتیجه پرورش فرزندان، خواهد نهاد. و اسباب بسیاری از انحرافات و عقده ها را بوجود می آورد... بهمین خاطر، عامل مهم و اساسی در تربیت صحیح فرزندان، ازدواج اسلامی و انتخاب همسر مومن و ملتزم است.

از نظر دین اسلام هدف نهائی، از تربیت خانواده ای مسلمان، فراهم کردن ، زمینه و محیط مناسب برای پرورش فرزندان خوب و نیکوکار می باشد.

قرآن می فرماید :

(وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا)^۱

و آنان که می گویند : پروردگارا ! ما را از سوی همسران و فرزندانمان خوشدلی و خوشحالی بخش ، و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده .

اگر در پرتو رهمود های دین ، محیط مناسبی برای رشد و پرورش کودکان فراهم گردد، آنها خوب بار خواهند آمد، اما در صورتیکه ، پدر و مادر او در بینشان اختلاف وجود داشته باشد، و دارای کجروی باشند،

آنها هم همانگونه پرورش خواهند یافت.

رسول گرامی اسلام | می فرماید:

كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ أَوْ يَنْصَرَانِهِ أَوْ
يُمَجْسَانِهِ^۱

«کودکان با فطرتی پاک قدم به جهان می گذارند، این پدر و مادر هستند که او را یهودی، و مسیحی، یا مجوسی بار می آورند.»
بهمین دلائل در مورد تربیت اولاد، اسلام بسیار اهمیت می دهد.
و سفارش می نماید. که همه زمینه ها و اسباب و فضای مناسب برای
تحقق صحیح تربیت فرزندان باید فراهم گردد.

رسول گرامی | می فرماید:

لَأَنْ يُؤَدَّبَ الرَّجُلُ وَلَدَهُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِصَاعٍ^(۲)

«اینکه مردی فرزندش را ادب دهد برایش بهتر از آنست که یک
صاع چیزی را صدقه نماید»
باز ایشان | می فرمایند:

مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ^(۳)

«هیچ هدیه ای از طرف پدر و مادر برای فرزندانشان ، بهتر و با

2- . صحيح البخاري - (14 / 447) باب لا

تبدیل لخلق الله ، عن ابی هريره |

1- سنن الترمذي - (7 / 205) باب ما جاء

فی ادب الولد ، عن جابر بن سمره . و سنده
ضعیف

2- المعجم الكبير للطبراني - (10 / 458)

عن عبدالله بن عمر |

ارزشتر از تربیت و پرورش صحیح آنان نیست «
در یکی دیگر از سخنانش رسول خدا | فرموده است: «انسان بعد از
مرگ، دستش از انجام دادن «عمل صالح» کوتاه می شود، به استثنای
سه مورد- که پس از مرگ او احسانش ادامه خواهد یافت-... کاری خیر
و پسندیده... علم و دانشی که پس از او، مورد استفاده قرار گیرد....
فرزند خوب و شایسته ای، که از دعای خیر فراموشش نکند.



فصل پنجم تسلط بر خویشتن.

- 1- گروه‌های مختلف مردم
- 2- عوامل پیروزی در جنگ با «نفس»
- 3- بازتابها و نمودهای شکست در میدان مبارزه با «خویشتن» .
- 4- عوامل بازدارنده از نفوذ و تسلط «شیطان».

ضرورت تسلط بر خویشتن.

میان انسان و خواسته های درونیش، کشمکش دامنه داری، تا پیروزی یکی از آن دو بر دیگری، ادامه داشته، و یا اینکه، هیچکدام بر طرف دیگر توفیق نیابد، و تا زمان مرگ انسان این وضع ادامه خواهد داشت.

قرآن در این مورد می فرماید:

(وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا ﴿١٠﴾)

« و به نفس و آنکه آن را درست و نیکو نمود، (7) پس بزه کاری و پرهیزکاری اش را به او الهام کرد. (8) بی تردید کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد، رستگار شد. (9) و کسی که آن را [به آلودگی ها و امور بازدارنده از رشد] آبیالود [از رحمت حق] نومید شد. (10) »

رسول گرامی هم به این مطلب اشاره فرموده که:

تُعْرَضُ الْفِتْنُ عَلَى الْقُلُوبِ كَالْحَصِيرِ عُوْدًا عُوْدًا فَأَيُّ قَلْبٍ أُشْرِبَهَا نُكْتُ فِيهِ نُكْتَةً سَوْدَاءَ وَأَيُّ قَلْبٍ أَنْكَرَهَا نُكْتُ فِيهِ نُكْتَةً بَيَاضًا حَتَّى تَصِيرَ عَلَى قَلْبَيْنِ عَلَى أَبْيَضٍ مِثْلِ الصِّفَا فَلَا تَضُرُّهُ فِتْنَةٌ مَا دَامَتْ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْآخِرُ أَسْوَدُ مُرْبَادًا كَالْكُوزِ مُجَحِّيًا لَا يَعْرِفُ مَعْرُوفًا وَلَا يُنْكِرُ مُنْكَرًا إِلَّا مَا أُشْرِبَ مِنْ هَوَاهُ ٢

« فتنه های مانند بورپای بافته شده یکی پی دیگری بر قلوب پیش

1- . سوره شمس آیات 7- 10

2- صحیح مسلم - (1 / 349) باب بیان أن الاسلام بدأ غریبا ، عن حذیفه]

میشود، پس هر قلبی که با فتنه ها خلط شده و با آن انس گرفت در آن نکته سیاهی پیدا میشود و هر قلبی که آنرا از خود دور کرده و از قبول آن انکار کرد، نکته سفیدی در آن پیدا میشود تا آنکه یکی مانند سنگ سفید و درخشان گردیده و تا آنکه آسمان و زمین است هیچ فتنه ای به آن ضرر نمیرساند و قلب دیگری تیره و تار گردیده و مانند کوزه معکوسی میگردد که نه نیک را میشناسد و نه در برابر بدی احساس انکار میکند و در هر گناهی که مطابق هوایش باشد دست می یازد»

گروه های گوناگون مردم.

در میدان مبارزه با «نفس» انسانها به سه گروه تقسیم می شوند.
الف: گروه اول کسانی هستند که خواسته های نفسانی بر آنها چیره گردیده، زمین گیر شده، ودل به دنیا بسته اند، اینها و کسانی که دنباله روشن هستند، چون خدا را بدست فراموشی سپرده اند و در نتیجه به خود فراموشی و بی هویتی دچار گشته اند آنان کافران و حق ناپذیرانند، خداوند در قرآن این گونه حالتشان را بیان می فرماید:

(أَفَرَأَيْتَ مَنِ اخْتَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ)^۱

پس آیا کسی که معبودش را هوای نفسش قرار داده دیدی ؟ و خدا او را از روی علم و آگاهی خود [بر اینکه شایسته هدایت نیست] گمراه کرد ، و بر گوش و دلش مُهر [تیره بختی] نهاد ، و بر چشم [دلش] پرده ای قرار داده است ، پس چه کسی است که بعد از خدا

او را هدایت کند؟ آیا متذکر [حقایق] نمی شوید؟

ب: جمعی دیگر درگیر جهاد با نفس و خواسته های ناروای آن هستند. گاهی بر او پیروز می شوند و زمانی در مقابله با آن شکست خورده و به زمین می خورند، گاهی دچار نافرمانی می شوند و سپس با پناه بردن به خدا و اظهار ندامت دوباره سر راه می آیند، در مورد اینها قرآن می فرماید:

(وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذُنُوبِهِمْ) (۱)

«و آنان که چون کار زشتی مرتکب شوند یا بر خود ستم ورزند، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد؟ و دانسته و آگاهانه بر آنچه مرتکب شده اند، پافشاری نمی کنند؛»

رسول خدا | در مورد این گروه می فرماید:

كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَّاءٌ وَخَيْرُ الْخَطَّائِينَ التَّوَّابُونَ (۲)

«همه فرزندان آدم امکان افتادن در خطا کاری را دارند، اما بهترین خطا کاران کسانی هستند که راه توبه را در پیش می گیرند.»
در این زمینه، از «وهب بن منبه» مطلبی را نقل می کنند که، گفته است. «روزی شیطان به حضرت یحیی فرزند حضرت زکریا (ع) برخورد نمود حضرت یحیی، در مورد نوع آسانها از دیدگاه او سوال

1- سوره آل عمران آیه 135 .

2- سنن ابن ماجه - (12 / 302) باب ذکر

التوبه ، عن انس بن مالك |

فرمود، شیطان گفت: گروهی همانند شما پیامبران، معصوم هستند و ما توانائی تسلط بر آنها را نداریم، گروهی دیگر، همچون توپی که در دست کودکان قرار دارد و با آن بازی می کنند، در دست ما قرار دارند و هر کاری را که بخواهیم، با آنان انجام می دهیم.

گروه سوم، که ما را بسیار اذیت می کنند واز دستشان بسیار در زحمت هستیم، کسانی اند، که بهر حيله و فریبی که شده، آنها را وادار به گناه و معصیتی می نمائیم، ولی ناگهان به توبه و استغفار پناه برده، و زحمت ما را بی نتیجه می کنند، در این میان ما سرگردان مانده ایم، نه آن است که از آنها ناامید بشویم و نه می توانیم، بر آنها تسلط پیدا نمائیم و در اختیار خودمان قرارشان دهیم.»

عوامل پیروزی در جنگ با «نفس».

1- بیداری قلب.

یکی از عوامل بسیار موثر در مقابله با «نفس»، قلب بیدار، حساس، مقاوم و نورانی است.

حضرت علی (ع) در مورد قلب می فرماید:

«در این جهان خداوند دارای ظرفی است، آن ظرف، «قلوب» انسانها است. محبوبترین آنها در نزد او، نرمترین و حساسترین-درمقابل گناه- و پاک ترین و مستحکمترین آنهاست.»

بعد توضیح می فرماید: قلبی که ، نسبت به برادرانش نرمتر و پاک ترین، در «ایمان و یقین» استوارترین و در پای بندی به «مسئولیتهای دینی» شکیباترین¹

1- إحياء علوم الدين - (2 / 213) باب بيان مجامع اوصاف القلوب

ایشان هم چنین می فرمایند:

«قلب اهل ایمان، همانند طاقچه سفیدی است، که چراغی در آن روشن باشد و قلب کافر، بسان غاری، تاریک و بی خاصیت است.»^(۱)

در توصیف قلوب اهل ایمان، قرآن می فرماید:
(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ)^۲

مؤمنان ، فقط کسانی هستند که چون یاد خدا شود ، دل هایشان ترسان می شود، و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان می افزاید ، و بر پروردگارشان توکل می کنند .

از طرف دیگر، «قلوب» اهل کفر را، این گونه تصویر می نمایند:
(وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَهُمْ أَعْذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ)^۳

و مسلماً بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [زیرا] آنان را دل هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی یابند ، و چشمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه های حق را] نمی بینند ، و گوش هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی شنوند ، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه ترند ؛

- 1- بروایت امام احمد وطبرانی
- 2-سوره انفال آیه 2 .
- 3- سوره اعراف آیه 179 .

اینانند که بی خبر و غافل [از معارف و آیات خدای] اند .»

در جایی دیگر می فرماید:

(أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا)^۱

«آیا در قرآن نمی اندیشند [تاحقایق را بفهمند] یا بر دل هایشان قفل هایی قرار دارد؟»

2- عقل :

عامل اساسی و مهم دیگر، در راستای مبارزه با «نفس» اندیشه و عقلی « است. روشن و تمییزگر، و آراسته به علوم و معرفتی که، بوسیله آنها پی به عظمت و قدرت خداوند ببرد و بیش از پیش به او نزدیکتر شود.

و آیاتی از قرآن هم به این قضیه اشاره می نماید که :

(إِنَّمَا تَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ)^۲

« از بندگان خدا فقط دانشمندان از او می ترسند ؛ یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است »

رسول خدا | در مورد اهمیت نعمت «عقل» می فرماید:

ما خلق الله خلقاً أكرم عليه من العقل^(۳)

«خدا چیزی را محترمتر و با ارزشتر از «عقل» نیافریده است. «

وایشان، خطاب به حضرت علی | فرموده است:

1- سوره محمد آیه 24 .

2- سوره فاطر آیه 28 .

3- إحياء علوم الدين - (2 / 219)

إِذَا تَقَرَّبَ النَّاسُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِأَنْوَاعِ الْبِرِّ فَتَقَرَّبَ أَنْتَ بِعَقْلِكَ^۱

«اگر مردم بوسیله انواع کردارهای نیک در پی تقرب به خدا هستند،

تو هم بوسیله عقل و اندیشه ات سعی کن خود را به او نزدیک نمایی.»

رسول خدا | هم چنین می فرمایند:

« مَا اكْتَسَبَ الْمَرْءُ مِثْلَ عَقْلٍ يَهْدِي صَاحِبَهُ إِلَى هَدًى ، أَوْ يَرُدَّهُ

عَنْ رَدًى »^۲

«هیچیک از نعمت های که برای انسان داده شده است ، به اندازه ای

، عقلی که او را در راه هدایت رهنمون شود واز بدیها بازش دارد.

ارزشمند نیست.»

بهمین دلائل است که، اسلام اهمیت فراوانی به کسب علم و معرفت

و آگاهی از مسوولیت های دینی، می دهد، تا عقل و اندیشه انسان، نیروی

کافی برای تشخیص میان خیر و شر و حق و باطل را بدست آورد.

رسول گرامی اسلام | می فرمایند:

مَنْ يُرِدْ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ^۳

«خداوند اگر نظر رحمت و خیر را بکسی داشته باشد، او را از دین

آگاه می سازد»

و فرموده است:

4- إحياء علوم الدين - (2 / 219)

1- شعب الإيمان للبيهقي - (10 / 183) باب

ما اكتسب المرء مثل عقل ، عن عمر بن الخطاب |

2- صحيح البخاري - (1 / 126) باب من یرد

الله به خیرا ، عن معاوية |

فَضْلُ الْعَالَمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِي عَلَى أَدْنَاكُمْ^(۱)

«برتری عالم اهل عبادت، بر ناآگاهان عبادتگذار، بسان تفاوت من - به عنوان دریافت کننده وحی - با پائینترین یاران و اصحاب است. «
همه تشویق هایی که برای کسب دانش و معرفت صورت گرفته، بخاطر نقش واهمیتی است که، علم در استحکام و آشنا گرداندن انسان به حقائق نظام آفرینش دارد.

اندیشه ایمان داران، اندیشه ای بیدار، وبصیرت به تشخیص میان، خیر و شر، حلال و حرام، و امور بیگانه و ناسازگار با ساختار خلقت او - می باشد، زیرا، او با نور خدا - قران و هدایت او - واز پشت پرده ای نازک به آنها می نگرد.

قرآن کریم می فرماید:

(وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ)^۲

«اگر خدا با نور - هدایت و شریعت - خود، راه کسی را روشن ننموده باشد، نور دیگری برای او وجود نخواهد داشت»
آشکارا گناه و نافرمانی خدا، را انجام دادن، و پشیمان نشدن و توبه نکردن از آنها، تنها چیزهایی هستند که، - همچون طوفانی سهمگین - نور عقل را خاموش می نمایند.

از رسول گرامی نقل کرده اند:

مَنْ قَارَفَ دُنْيَا فَارَقَهُ عَقْلٌ لَا يَعُودُ إِلَيْهِ أَبَدًا³

-
- 3- سنن الترمذی - (9 / 299) باب ما جاء فی فضل الفقه . ، عن ابی امامه الباهلی
1- سوره نور آیه 40 .
2- لم يعرف له اصل . ، أحادیث الإحياء

«کسیکه مرتکب گناهی میشود، به اندازه آن عقل از وی دور شده و هرگز بسویش بر نمیگردد»

ایشان هم چنین فرموده اند:

هَذِهِ الشَّيَاطِينُ يُحُومُونَ عَلَى أَعْيُنِ بَنِي آدَمَ أَنْ لَا يَتَفَكَّرُوا فِي
مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَرَأَوْا الْعَجَائِبَ^(۱)

«این شیاطین در برابر دیدگان فرزندان آدم موانع ایجاد کرده و آنها را مانع تفکر در ملکوت آسمانها و زمین میشوند، اگر این عمل آنها نبود فرزندان آدم عجایب قدر الهی مشاهده میکردند.»
انس ابن مالک | نقل می نماید که:

«روزی برای کاری به خدمت حضرت عثمان بن عفان | می رفتم، در مسیر راهم به زن زیبائی برخوردم، زیباییهای او توجهم را جلب و بیش از حد به او نظر کردم، وقتی، بخدمت حضرت عثمان | رسیدم ایشان فرمودند یکی از شما، در چشمش آثار و مقدمات زنا وجود دارد. مگر نمی دانید، نگاه به نامحرم زنایی است که چشم مرتکب آن می شود؟! اگر توبه نکند مطمئناً تنبیه خواهد شد. خطاب به ایشان گفتم، پس از رسول خدا | مگر قرار بوده است که وحی نازل شود؟! ایشان گفتند، نه وحی نازل نشده اما، بصیرت و علامات و زیرکی خاصی است - که پیشگامان در ایمان و تقوی از آن بهره مندند.»

التي لا أصل لها - (6 / 331) تذكرة
الموضوعات للفتني - (1 / 72)
1- مسند أحمد - (17 / 328) في مسند أبي
هريره |

بازتابها ومظاهر، شکست در میدان مبارزه با «نفس»

چنانچه، قلب انسان را موت وسنگینی فرا گیرد ونور آن به خاموشی گراید. وعقل او، سراسیمه سر در بیابان گمراهی نهد، ودرد میدان مبارزه با کششهای نفسانی وشیطانی، طعم تلخ شکست را بچشد، همه روزنه های به روی هجوم شیاطین گشوده می گردد. و شیطان همچون جریان خون در رگهای بدن، به زوایای وجود انسان، به دوران می افتد.

در صورتیکه، مقاومت انسان در مقابل نفس وشیطان در هم شکست، وعوامل باز دارنده در درونش نابود گشت، شیطان در تصمیماتش مداخله می کند و هم نشین او می شود.

قرآن در این مورد می فرماید :

(كَمْثَل الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ) ^۱

[داستان منافقان که کافران از اهل کتاب را با وعده های دروغ فریفتند] چون داستان شیطان است که به انسان گفت : کافر شو . هنگامی که کافر شد ، گفت : من از تو بیزارم ، من از خدا که پروردگار جهانیان است ، می ترسم »

در جائی دیگر قرآن به این موضوع اشاره دارد که:

(قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَا تَنبَهُ لَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَنِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ) ^۲

1- . سوره حشر آیه 16 .

2- . سوره اعراف آیات 16- 17 .

«گفت : به سبب اینکه مرا به بیراهه و گمراهی انداختی ، یقیناً بر سر راه راست تو [که رهروانش را به سعادت ابدی می رساند] در کمین آنان خواهم نشست . سپس از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و از جانب چپشان بر آنان می تازم و [تا جایی آنان را دچار وسوسه و اغواگری می کنم که] بیشترشان را سپاس گزار نخواهی یافت .»

از جهت دیگر، یکی از خطرناکترین گرفتاریهای، شکست خوردگان در میدان مبارزه با نفس، گرفتاری ضعف اراده و دنباله روی کورکورانه از شیطان است. آن هم در همه امور زندگی، و در نتیجه بازماندن آنها از قرار گرفتن در مسیر صحیح بندگی خدا.

رسول خدا | می فرماید:

إِنَّ الشَّيْطَانَ قَعْدٌ لِابْنِ آدَمَ بِأَطْرُقِهِ فَقَعَدَ لَهُ بِطَرِيقِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ تَسْلِمُ وَتَذَرُ دِينَكَ وَدِينَ آبَائِكَ وَأَبَاءَ أَبِيكَ فَعَصَاهُ فَأَسْلَمَ ثُمَّ قَعَدَ لَهُ بِطَرِيقِ الْهَجْرَةِ فَقَالَ تَهَاجِرُ وَتَدْعُ أَرْضَكَ وَسَمَاءَكَ وَإِنَّمَا مَثَلُ الْمُهَاجِرِ كَمَثَلِ الْفَرَسِ فِي الطَّوْلِ فَعَصَاهُ فَهَاجَرَ ثُمَّ قَعَدَ لَهُ بِطَرِيقِ الْجِهَادِ فَقَالَ تَجَاهِدُ فَهُوَ جَهْدُ النَّفْسِ وَالْمَالِ فَتُقَاتِلُ فَتُقْتَلُ فَتُنْكَحُ الْمَرْأَةُ وَيُقَسَّمُ الْمَالُ فَعَصَاهُ فَجَاهَدَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ وَمَنْ قُتِلَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ عَرِقَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ وَقَصَّتْهُ دَابَّتُهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ^۱

1- سنن النسائي - (10 / 193) باب ما لمن اسلم و هاجر و جاهد ، عن سبره بن ابی

«هیچ راهی از راههای، بندگی خدا خالی از کمین شیطان نیست، نخست بر سر راه مسلمان شدن آنها نشسته و می گوید: چرا دین آباء واجدادت را ترک می کنی و داری مسلمان می شوی؟ اما او، تحت تاثیر وسوسه شیطان قرار نمی گیرد و مسلمان میشود.

بر سر راه هجرت او کمین کرده سعی نمود، او را تحت تاثیر وسوسه هایش قرار دهد. به او گفت، تو داری هجرت می کنی، اما به فکر زمین و زندگی در این سرزمین نیستی؟ اما او تسلیم وسوسه شیطان نشد و تصمیم به مهاجرت گرفت، و همچنین بر راه جهاد و مبارزه او دامش را گسترد، و در دلش وسوسه انداخت که، مگر نمی دانی که با شرکت خود در جهاد جانت را در معرض مرگ قرار می دهی، دیگران ثروت را صاحب می شوند، و با زنت ازدواج خواهند کرد؟

اما مسلمان مجاهد، مقاومت خود را در مقابل او از دست نداده و به جهادش ادامه داد.

پس از آن رسول گرامی اسلام فرمود: «چنانچه، کسی این گونه باشد و عمرش پایان یابد، بر خدا حق دارد که او را به بهشت ببرد.

عوامل، بازدارنده از، «تسلط شیطان».

اسلام، همگام با کمک انسان، در جهت مبارزه با دشمنیهای شیطان و دخالتهای رذیلانه ابلیسهای پیدا و پنهان - او را به بهره گیری از عواملی سرنوشت ساز در جهت پایداری در میدان مقاومت و پیروزی بر بدترین دشمنانش رهنمون شده است.

یکی از مردان صالح بصورت خلاصه آنها را بیان نموده و می فرماید:

«مدت زیادی در این اندیشه بودم، که راههای نفوذ شیطان و تسلط او بر انسان را شناسائی نمایم، بالاخره به این نتیجه رسیدم که، او از ده راه وارد می شود.

1- حرص و سیری ناپذیری. برای مقابله با آن، از اطمینان به تقسیم قبلی روزی وقناعت استفاده نمودم.

2- عشق به زندگی و آرزوهای دور و دراز.

برای رویارویی با آن به تذکر مرگ ناگهانی و پایان پذیری عمر توسل جستیم.

3- علاقه شدید، به خوش گذرانی و رفاه طلبی.
راه مقابله با او را در: اطمینان به پایان پذیری نعمت، و حساب پس دادن در دادگاه قیامت یافتیم.

4- غرور و خودبینی.
راه مقابله اش را در: سپاسگزاری از خدا، و ترس از بدعاقبتی یافتیم.
5- بی ارزش نگاه کردن به مردم و کم احترامی به آنها.
روش جلوگیری از آن را در: رعایت حق و احترام و قدردانی شان دانستیم.

6- «حسادت» و بدخواهی در مورد نعمت های داده شده به دیگران.
راه برخورد با آن را در: قناعت و راضی گشتن به روزی خدا تصور نمودم.

7- ریا و ستایش دیگران.

راه مبارزه با آن را در: خالص گرداندن نیت و عمل یافتیم.
8- «بخل» و عدم بخشش به نیازمندان.

پادزهرش را در: اطمینان به از دست رفتن نعمتهای دنیا، و باقی ماندن

خیر و حسنات دانستم.

9- خود برزگ بینی.

راه علاج را در: تواضع و فروتنی دانستم.

1. «طمع» و چشمداشت به دست دیگران.

برای نجات از آن چاره را در: با ارزش دانستن احسان و نیکی بخاطر خدا و باقی ماندن آن و زخیره گشتنش برای قیامت و بی نیازی نسبت بمال مردم دیدم.

از تعلیماتی که اسلام برای محفوظ ماندن انسان از هدف قرار گرفتن تیرهای ابلیس ارائه می نماید، یاد و ذکر خدا را پیش از هر کاری فراموش نکردن است.

از عبدالله بن مسعود [نقل گردیده است که:

إِنَّ شَيْطَانَ الْمُؤْمِنِ يَلْقَى شَيْطَانَ الْكَافِرِ، فَيَرَى شَيْطَانَ الْمُؤْمِنِ شَاحِبًا أُغْبِرَ مَهْزُولًا، فَيَقُولُ شَيْطَانُ الْكَافِرِ: مَا لَكَ؟ وَيَحْكُ، قَدْ هَلَكْتَ، فَيَقُولُ شَيْطَانُ الْمُؤْمِنِ: لَا وَاللَّهِ مَا أَصِلُ مَعَهُ إِلَى شَيْءٍ، إِذَا طَعِمَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ، وَإِذَا شَرِبَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ، وَإِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ، فَيَقُولُ الْآخَرُ: لَكِنِّي أَكُلُ مِنْ طَعَامِهِ، وَأَشْرَبُ مِنْ شَرَابِهِ، وَأَنَامُ عَلَى فِرَاشِهِ، فَهَذَا سَاحٌ، وَهَذَا مَهْزُولٌ" 1

«شیطانی که مامور کافری بود با شیطانی که مسئولیتش در ارتباط با مسلمانی بود به همدیگر رسیدند، شیطان مامور بر انسان کافر، بسیار چاق، و آراسته و سرحال، اما شیطان مامور شده بر انسان مسلمان، بسیار

لاغر و مردنی و دارای سر و وضعی چرکین و نامرتب بود. شیطان همراه انسان کافر خطاب به شیطان دیگر گفت، چرا اینقدر لاغر شده ای؟ گفت: من رفیقم مسلمان است، وقتی که می خواهد، غذا صرف نماید، نام خدا را می برد، و در نتیجه من گرسنه باقی می مانم، هرگاه می خواهد آب بیاشامد، با یاد خدا مرا تشنه نگاه می دارد. بهنگام پوشیدن لباس ذکر خدا را بر زبان دارد، و در نهایت من، عریان می مانم، شیطان هم نشین مرد کافر گفت، نه، من با کسی رفیقم که این کارها را انجام نمی دهد. و در غذا و نوشیدن و لباس.. من هم مثل او استفاده می برم»

از اسباب حفظ کننده انسان، یکی هم، پرهیز از، شکم چرانی و بسیار خوردن است، هر چند حلال هم باشد.

قرآن در این مورد می فرماید:

(وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) ¹

بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.

رسول خدا | می فرماید:

(إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فَضَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ) ^(۱)

«همچون خون، شیطان در رگهای شما می گردد، راههای گردش او را بوسیله گرسنگی سد نمائید.

1- قال العراقي متفق عليه دون فضيقوا مجاریه بالجوع فإنه مدرج من بعض الصوفية كشف الخفاء - (1 / 221)

یکی از نگاهبانان بیدارگر انسان در مقابله با نفس و شیطان، خواندن قرآن، و یاد خدا و طلب آمرزش از اوست.»

رسول گرامی | می فرماید:

« **إِنَّ الشَّيْطَانَ وَاضِعَ خَطْمَهُ فِي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ ، فَإِنْ ذَكَرَ اللَّهَ خَسِرَ وَإِنْ نَسِيَ اللَّهَ التَّقَمَّ قَلْبَهُ** »^(۱)

«شیطان – همچون زالو- نوکش را بر روی قلب انسان می نهد، اگر او خانه قلبش با یاد خدا روشن باشد، شیطان خود را عقب خواهد کشید. و چنانچه یاد خدا را فراموش نماید، قلب او را خواهد بلعید. »
پرهیز از «عجله» مانع دیگری است در برابر نفوذ و تسلط شیطان .

حضرت محمد | فرموده است:

الْأَثَاءُ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ^۲

«عجله کاری است شیطان پسند، و آرامش عملی است خدا پسندانه »

بیش از این، فرصت، بیان اسباب، عوامل، و توصیه و سفارشهای اسلام برای، جلوگیری از نفوذ و سلطه و نیرنگهای شیطان وجود ندارد.

خداوند خیلی، زیبا و دلچسب می فرماید که:

(**إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَافٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ**)^۳

2- التوبة - لابن ابی الدنيا (1 / 170)

باب إِنَّ الشَّيْطَانَ وَاضِعَ خَطْمَهُ فِي الْقَلْبِ .

1- سنن الترمذي - (7 / 298) باب ما جاء

فِي التَّائِي ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعَدِيِّ

2- . سورة اعراف آیه 201 .

«پرهیزگاران ، هر گاه مورد هجوم گروه‌هایی از شیاطین - جن و انس- قرار می گیرند بیاد خدا افتاده و بیدار و بینا می شوند.»



فصل ششم

اطمینان به اینکه، آینده از آن اسلام خواهد بود.

- 1- روش و نظام زندگی اسلامی، «رنگ خدائی» دارد.
- 2- روش و نظام زندگی اسلامی، «جهانی» است
- 3- روش و نظام زندگی اسلامی، «انعطاف پذیر» است
- 4- روش و نظام زندگی اسلامی، در برگیرنده و «همه جانبه» می باشد.
- 5- شکست و ناتوانی، روشهای غیر اسلامی.

ایمان داشته باشیم که آینده از اسلام است

«ایمان» به حقانیت اسلام، باید به حدی از یقین برسد، که آینده را متعلق به اسلام بداند، اینکه، برنامه اسلام از جانب خداست. پروردگار این توانائی را به آن داده است، که قافله سالار کاروان بشریت گردد، و همه جوانب زندگی را بصورت شایسته ای مرتب و اداره نماید. برنامه اسلام، تنها برنامه ای است که، با فطرت انسان و خواسته های جسمی و روحی او هماهنگی و سازگاری کامل دارد.

قرآن در این رابطه می فرماید :

(أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ)^۱

«مگر- می شود تصور نمود- آن کسی که پدیدآورنده مخلوقات است ناآگاه باشد، -نه، بلکه- او به جزئیات- نظام آفرینش- آگاه است واطلاعات دقیق دارد.»

«خدائی بودن» قوانین اسلامی.

این ویژگی خاص برنامه اسلام، آن را بر همه مکاتب و قوانین دیگر برتری داده، ودر هر گونه شرائط زمانی و مکانی آنرا سرچشمه خیر و سازندگی قرار داده بقاء و ماندن آن را بیمه می کند.

«جهانی بودن» برنامه اسلام.

از این نظر که، نظام زندگی اسلامی، نظامی است کاملاً سازگار با

نوع سرشت بشریت، و دارای ویژگی «تحمل پذیری و گشایش»، و توان تحمل این مسئولیت را هم به همراه خود دارد. که به خوبی بتواند، همه مرزهای، جغرافیائی، نژادی، ملی، قومی و مسلکی را از میان بردارد. و در واقع این ویژگیها، همه به «خدایی بودن» برنامه اسلام برمی گردد.

برنامه ای «انعطاف پذیر»

برخورداری از این خصوصیت، اسلام را قابلیت آن بخشیده که، بر همه جوانب زندگی انسان سایه سعادتبخش خود را گسترش دهد، و برای حل همه مشکلات روزمره زندگی تازه و متنوع، راه حل مطلوب را ارائه نماید.

این ویژگی، زمینه لازم را برای تدوین و تهیه قوانین و مقرراتی که در قرآن و سنت – مورد اشاره قرار نگرفته اند، فراهم می نماید. آنهم از طریق «اجتهاد» و با بهره گیری از اصول و ارزشهایی چون «قیاس» «مصالح مرسله» و «استحسان»^۱ و...

برنامه ای: «همه جانبه»

نقطه تقابل و ویژگی جدا کننده برنامه اسلام از برنامه های حاصل اندیشه محدود انسان، «همه جانبه بودن» آن است. – همه قوانین انسانی، از دردهای غیر قابل علاجی، چون محدودیت اندیشه انسان به زمان و مکان و... و تاثیر پذیری از کششهای، نژادی، منطقی، ملی و گروهی، رنج می برند. اما برنامه اسلام، از جانب خدائی است که

1- این ها اصطلاحات اصولی هستند برای فهم بهتر آن به اصول فقه مراجعه شود.

نقص و محدودیتی در علم و آگاهی او وجود ندارد. آگاهی به، همه امور مردم، نیازها و مصالح آنها و آنچه، سبب ضرر و گرفتاری و اموری که مایه نفع و حل مشکلاتشان می شود و همه آن چیزهایی که، زمینه سعادت آنها را فراهم می نماید و یا آنها را بسوی شقاوت و عذاب سوق می دهد. بهمین دلیل، برای تامین نیازهای انسان از نظر فردی و اجتماعی و تهیه مقررات و احکام، داخلی و خارجی تنها باید دست به دامن، برنامه اسلام گردید. قرآن در این مورد می فرماید :

(صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً وَخُنْ لَهُ عِبَدُونَ)^۱

«دین و قوانین اسلام، روش مورد پسند خداست، کیست که، بهتر و زیباتر از خدا راه مطلوب را به انسان ارائه نماید.»

اطمینان به ناتوانی قوانین و برنامه های غیر خدائی

آگاهی به دامنه ناتوانی و شکست های همه جانبه مکاتب و نظامهای غیر خدائی اعم از، سرمایه داری، و سوسیالیسم، و دموکراسی و مارکسیسم، بخاطر، آنکه تراوش اندیشه محدود انسان عاجز- در برخورد با واقعیتها- بودند. لازم و بسیار مفید خواهد بود.

الف: در زمینه مسائل اجتماعی، مکاتب چپ و راست، نه اینکه از تامین رفاه و آسایش، و امنیت برای انسانها کاملاً ناموفق بودند، بلکه عامل بسیاری از مصیبتها و مشکلات هم گردیدند، اساس خانواده و اجتماع را منهدم نموده، سبب فسادهای اخلاقی شده، ارزشها و فرهنگهای گرمی را نابود ساخته، و آشوب و درگیری را جایگزین آرامش و امنیت، و برج خودپرستی و خودخواهی را بر ویرانه های همکاری از خودگذشتگی و محبت دیگران، بنا نهادند.

ب: و در ارتباط با امور اقتصادی، نظامهای، سرمایه داری و مارکسیستی با شعارهای ایجاد بهشت موعود، و جامعه بی طبقه، به تمام معنی شکست خورده و ناتوان ماندند.

در زیر سایه آنها، پدیده های شوم تر، جنگ طبقاتی، ظلم اجتماعی سرمایه داری حزبی، احتکار، فقر و بیکاری لجام گسیخته، و مشاكل بسیار دیگری رشد روزافزون یافتند!؟

ج: و در ارتباط با شرائط سیاسی، نظامهای، دموکراسی، نظامی، جمهوری و پادشاهی، پارلمانی، مسئول مستقیم، فساد و انحراف در همه

جوانب زندگی سیاسی - جوامع - می باشند.

انحصار طلبی، طائفه گری، رشوه خواری، دیکتاتوری، و در پی آنها، فتنه ها، کشتارها، کودتاهای خونین، تصفیه های انقلابی؟! و ترورهای فراوان به عنوان پدیده های عادی و روزمره جوامع غربی جلوه گر گردیدند.

د: در زمینه مسائل نظامی، همه آن مکاتب وارداتی، مسئول قصور و ناتوانی در دفاع از، مسائل اساسی مردم مسلمان تحت سلطه، همچون قضیه کشمیر، اتیوپی، اریتره، فیلیپین، فلسطین، می باشند.

آنها نه اینکه در فکر دفاع از مسلمانان تحت ستم نبوده و نیستند. - بلکه سالهاست که، آنها را وسیله معامله های سیاسی و بهره برداری قرار داده اند.

همچنین، عدم آمادگی مادی و معنوی ملت های مسلمان برای مقابله و مواجهه با استعمار غاصب اسرائیل ، حاصل کوتاهی و ناتوانی افکار و احزاب وارداتی در جوامع اسلامی است.

بخش دوم

معنی و مسئولیت گرویدن به «حرکت جهانی اسلام»

مقدمه:

- فصل: 1- زندگی را وقف خدمت به اسلام باید کرد.
- فصل: 2- «ایمان» به ضرورت خدمت به اسلام و «عمل اسلامی».
- فصل: 3- اهداف، ویژگیها، وامکانات و وسائل، «حرکت جهانی اسلام».
- فصل: 4- ضرورت آشنائی با روشهای مختلف «عمل اسلامی».
- فصل: 5- آگاهی به دامنه و مسئولیت، گرویدن «بحرکت جهانی اسلام».
- فصل: 6- نیاز ضروری به فهم، محورهای «عمل اسلامی».
- فصل: 7- ضرورت اطلاع از، شرایط همکاری و «بیعت».

مقدمه

معنی گرویدن به، «حرکت جهانی اسلام» که عنوان بخش دوم این کتاب است، در مورد مهمترین ویژگیها و صفات لازم برای گرویده گان به اسلام- تا در نتیجه مسلمان بودن آنها، صحیح و واقعی باشد- صحبت می کند.

اساس، همکاری با حرکت جهانی اسلام، بدین معناست که، در شخص همکار خصوصیات ضروری پذیرش اسلام تحقق یابد. و این قضیه حرکت جهانی اسلام را در مقابل مسئولیت، آماده سازی و پرورش اسلامی در راستای واقعیت پیدا کردن اسلام خواهی قرار می دهد، تا در نتیجه فرد، شایستگی هم مسیری با خدمتگزاران اسلام را در خود بیابد.

از این نظرکه، اساس، پذیرش مسئولیتهای دینی است، گرویدن به «حرکت جهانی اسلام» هم جزئی جدائی ناپذیر از «صداقت در قبول دین اسلام می باشد.

والله الموفق وبه نستعين مولف

فصل اول

زندگی را وقف خدمت به اسلام باید کرد.

الف- گروهی، دنیا ومادیات را هدف زندگی خود نموده اند.

ب- جمعی وامانده در بین دنیا پرستی و آخرت گرائی.

ج- کسانی که، دنیا را کشتزار آخرت می دانند.

د- چگونه، می توان در خدمت اسلام بود؟

ه- صفات خدمتگزاران به اسلام.



زندگی را وقف اسلام باید کرد.

از آنجای که گرویدن به اسلام به معنای برخوردار بودن از، عقیده سالم، عبادت نیکو و اخلاق پسندیده است و باید قوانین خدا پسندانه اسلام، در عرصه فردی و خانوادگی حضورش را حفظ نماید، از جانب دیگر باید هر مسلمان در زندگی - با همه ابعادش - کلیه تواناییها و امکانات را برای، تقویت نفوذ و فراهم کردن زمینه حاکمیت اسلام فراهم کند.

مردم را در این زمینه می توان به سه گروه تقسیم کرد. و چه خوب است هر کس خویشتن را محاسبه کرده و متوجه شود، که به کدامیک از آن گروهها تعلق دارد.

الف: دنیا پرستان.

ماده پرستان اعتقادی، یا کسانی که در عمل هدف زندگی خود را منحصر به مادیات نموده اند. آنانی که، قرآن «دهری» شان نامیده است و راجع به ایشان می فرماید:

(وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ)^۱

و [زمانی که در دنیا بودند] گفتند: جز این زندگی دنیای ما زندگی دیگری نیست و [پس از مرگ] برانگیخته نخواهیم شد. »
(وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَحَيَا وَمَا يُلْكُنَا إِلَّا)

الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ^۱

گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیای ما نیست که [همواره گروهی از ما] می میریم و [گروهی] زندگی می کنیم، و ما را فقط روزگار هلاک می کند. آنان را نسبت به آنچه می گویند یقینی در کار نیست، آنان فقط حدس و گمان می زنند.

در عصر ما کمونیست ها، علمانیها^(۲)، معتقدین به «وحدت وجود» و دنباله روانشان، در واقع نسخه جدیدی از دهریهای قدیم بوده و باورهایشان از یک چشمه سیراب می شود.

در رابطه با سخن یکی از فلاسفه، که گفته بود: «این جهان ساخته دست هیچ خدا و انسانی نیست، از قبل بوده و هم چنان به حیات خود ادامه خواهد داد، شعله فروزانی است، که تحت تاثیر، بعضی قوانین حاکم بر جهان هستی، گاهی خاموش و دوباره روشن می شود.» «لنین» گفته است:

«چقدر زیبا و رسا- ایشان- ارزشهای دیالکتیک را توضیح داده اند؟!»

چنانچه انسان، حیات پس از مرگ را انکار کند، زندگی که در آن

1- . سوره جاثیه آیه 24 .

2- «علمانی». اندیشه جداسازی دین از حکومت و واقعیتهای مهم اجتماعی و اقتصادی و... «وجودی» کسانی که معتقدند، کل جهان هستی حقیقتی واحد است و خالق و مخلوقی در کار نیست و هر چیزی هم خالق است و هم مخلوق.

راجع به اعمال و نوع زندگی او در دنیا مورد بازخواست قرار می گیرد. مهمترین مسئله زندگی خود را دنیا پرستی و مادیات خواهد دانست. و علم و حیات خود را وسیله ای برای دست یابی به آن نموده، نَفَسُ زنان بدنبال کششهای نفسانی حرکت کرده و در گرداب لذتهای زودگذر و پرزرق و برق غرق خواهد گردید.

ب: واماندگان سرگردان:

همه انسانهایی که، به درد فساد و انحراف در عقیده مبتلا گردیده، و با این تصور که بهترین کار را دارند انجام می دهند، همه توان و استعداد خویش را در بدست آوری و بهره گیری از مادیات، بکار گرفته و در حقیقت آنها را در غیر حق خود بکار برده اند، از جمله این گروه بحساب می آیند.

اینان هر چند به خدا و حیات پس از مرگ باور دارند، اما این باورشان، باوری ظاهری و شکلی و به تمام معنی با، واقعیات عملی زندگی بیگانه است.

اینان هر چند بعضی از عبادتهای رسمی و ظاهری را انجام می دهند، اما در واقع دنباله رو ماده پرستان می باشند. در مورد آنها، سخن شاعر بسیار متناسب است که:

برای ساختن و تعمیر دنیا کنند ویرانه کاخ دین و ایمان
نه دین ماند نه دنیای سرانجام فروشند گوهر ایمان به شیطان
امام شهید حسن البناء «رح»، در رساله «مردم را به چه چیز دعوت می کنیم؟»، می فرماید.

«اهداف زندگی، و سرمنزل مردم را قرآن مشخص نموده و بیان می

نماید که، بعضی از مردم هدف مهم شان در زندگی، لذتهای زودگذر و خوراک و کامجویی است.

قرآن می فرماید :

(وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ)^۱

«کافران همواره سرگرم بهره گیری از [کالا و لذت های زودگذر] دنیایند و می خورند، همان گونه که چهارپایان می خورند و جایگاهشان آتش است.»

وهم چنین قرآن بیان می نماید که: بعضی دیگر، شبانه روز در پی بدست آوردن، اشیاء زینتی، وکالاهای گران قیمت هستند، چیزهایی که ماندنی نیستند. می فرماید:

(زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمُنَاقَبِ)^۲

«محبت و عشق به خواستنی ها [که عبارت است] از زنان و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسبان نشاندار و چهارپایان و کشت و زراعت، برای مردم آراسته شده است؛ اینها کالای زندگی [زودگذر] دنیاست؛ و بهترین و زیباترین چیزها نزد خداست.»

راجع به گروهی هم که، هدف اساسی شان در زندگی، آتش افروزی

1- . سوره محمد آیه 12 .

2- . سوره آل عمران آیه 14 .

و کمک به، گسترش شر و فساد است، قرآن می فرماید :
 (وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ
 اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۖ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي
 الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ
 الْفُسَادَ)^۱

«در میان انسانها هستند کسانی که، سخنانشان در مورد دنیا، بسیار
 دلرباست، و برای آنچه در دل دارند خدا را بشهادت می گیرند. اما در عین
 حال، او سرسختترین دشمنان است، اگر قدرت و حاکمیت پیدا کند سعی
 خواهد کرد فساد را گسترش دهد، و زمین های کشاورزی و جان انسانها را
 به تباهی و هلاک بکشاند. قطعاً خداوند، فساد را دوست ندارد.»
 اینها نمونه هایی بودند، از سر منزل و کعبه آمال بعضی از انسانها،
 اما خداوند، مومنین را از آلوده شدن به آن ها محفوظ نموده،
 و مسئولیت مهم و ارزشمندی را جایگزین آنها فرموده است. مسئولیت
 راهنمایی و دستگیری انسانها برای پیروی از حق و خیر و سلامت دنیا
 و سعادت آخرت و روشن کردن تاریکیهای جهل و بی مسئولیتی حاکم بر
 جهان به وسیله نور خورشید اسلام.

ج: کسانی که، دنیا را مزرعه آخرت می دانند.

انسانهایی که، به حقیقت زندگی دنیا پی برده، و در مقایسه با حیات
 جاویدان آخرت آن را بسیار کوتاه و کم ارزش می دانند، و متوجه
 هستند که، زندگانی دنیا زمینی است برای کشت و زرع، - که در روز
 قیامت باید بر سر خرمنش رفت و از ثمرش بهره برداری نمود، همین

ها مومنین واقعی می باشند.

قرآن می فرماید:

﴿وَمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ الدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَنْقُوتُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (۳۳)

«زندگی در دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست، بهترین مکان برای پرهیزکاران خانه آخرت است، چرا عقل تانرا بکار نمی اندازید؟»
زندگی و مظاهر دنیا آنها را مشغول نکرده و فریبشان نمی دهد، و از حرکت در راستای رسیدن به اهدافی که برای تحقق آنها خلق شده اند، بازشان نمی دارد.

خداوند می فرماید:

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) ²

«من جن و انسان را نیافریدم جز به خاطر اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).»

گرویدگان راستین اسلام، دنیا را میدان رقابت و مسابقه، در جهت فرمانبرداری و کسب رضای خداوند می دانند، و همه آن چیزهایی را که در زندگی از آن برخوردارند، اعم از علم، ثروت تجارت، اندیشه، وقت و... در این راستا مورد بهره برداری قرار می دهند. برعکس ماده پرستان و دنیا طلبان، که همه چیزشان را برای رسیدن به کششها و تمایلات نفسانی و شیطانی بخدمت می گیرند.

شاهد بر این مدعا، آن است که، همه دست آوردهای تمدن امروزه، و نتایج تحقیقات دانشمندان و مخترعین، بغیر از فراهم نمودن رفاه

1- . الأنعام : ۳۲ .

2- سوره ذاریات آیه 56

وآسایش مادی و جسمی انسان، هدف دیگری را دنبال نمی کنند. در پدیده های مختلف مولود تمدن امروزی، کمتر به مواردی برخورد می نمائیم، که مستقیماً در خدمت، امنیت- فکری، اخلاقی، اجتماعی- و آرامش- سیاسی و بین المللی- قرار داشته باشند.

اتومبیل، هواپیما، لباسشویی، یخچال، جاروبرقی، آب میوه گیری، پنکه و کولر، لوازم آرایش وزینتی، و دیگر مایحتاج زندگی، که بیش از صدها و هزارها نوع بوده، و بوسیله کشورهای مختلف تولید می شوند، بلا استثنا، در خدمت رفاه و آسایش جسمی انسان قرار دارند و لاغیر!؟

- اما باید بپذیریم که- اسلام به هیچوجه با، تحقیقات علمی، اختراعات و تولید و... مخالفتی نداشته و ندارند. اما نباید این موارد را از نظر دور داشت.

الف: - توجه به صنعت و اختراعات- در محدوده ای باید باشد، که، زیان و تباهی- فکری، اخلاقی- و ویرانی را برای انسان به ارمغان نیاورد. ب: همه پدیده ها و وسائل، در خدمت، تامین، خیر و سعادت، اجتماعی انسان، قرار گیرد.

ج: به جنبه های مختلف و استفاده های گوناگون آن، رنگ شرعی داده شود و موازین دینی در بهره گیری از آنها مراعات گردد.

امام شهید حسن البنا_ رحمه الله تبارک و تعالی_، در رساله، «ما مردم را به چه چیز فرا می خوانیم؟» راجع به این موضوع می فرماید: «شما را بخدا دوستانم، آیا مسلمانان به این حد از معرفت دینی دست یافته اند که، در اثر آن، شخصیت ارزشمند خود را باز یابند، و روح و قلبشان، لطیف و نورانی شود. از بندگی ماده، آزاد گردند و به لذات زودگذر و کوششهای کم ارزش، پشت پا زنند، و امور بی ارزش

واهداف پست، - فریشتان ندهد. - واز بلندای معراج ایمان، در سرایشی ذلت سقوط نمایند؟! به جانب پروردگاری که، پدید آورنده، آسمانها وزمین است، روی آورند ، آیا حق طلبی وبازگشت به خویشتن، وزمین حاکمیت دین خدا را فراهم نمودن، هدف اساسی زندگی خود قلمداد می کنند. ودر تبلیغ دین تلاشگر ودر پاسداری از حرمت آن ایثارگرند، یا اینکه اسیر دست کششهای نفسانی وخواسته های خودخواهانه شده، وهمه تلاش وعمر خود را در بدست آوردن، لقمه ای لذیذ، موثر تیز رفتار و آخرین سیستم ، اشیاء لوکس، آرامش زود گذر، زنی زیباروی، ظاهری فریبنده، ولقبی پوچ، بکار می گیرند؟! رسول گرامی اسلام می فرماید:

«تَعَسَّ عَبْدُ الدِّينَارِ وَالْذَّرْهَمِ وَالْقَطِيفَةِ وَالْخَمِصَةِ»^(۱)

«هلاک باد بندگان دینار و درهم و بندگان قطیفه و خمیصه (نام دو نوع چادر است).»

د: چگونه، می شود در خدمت اسلام بود؟

بخاطر یکه، این امکان را بیابیم تا، همه جوانب زندگی را در مسیر اسلام جهت بدهیم، فهم واحساس مسئولیت راجع به بعضی از امور بسیار ضروری است. از جمله:

1- درک، فلسفه زندگی:

قرآن می فرماید:

1- صحیح البخاری - (20 / 64) باب ما يتقى من فتنه المال ، عن ابی هريره ا

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)¹

«من جن و انسان را نیافریدم جز به خاطر اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)»

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ²

و او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید ، در حالی که تخت فرمانروایی اش بر آب [که زیربنای حیات است] قرار داشت ، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید ؟ و اگر بگویی : [ای مردم !] شما یقیناً پس از مرگ برانگیخته می شوید ، بی تردید کافران می گویند : این سخنان جز جادویی آشکار نیست .»

2 - درک ارزش دنیا، در مقایسه با آخرت:

قرآن می فرماید :

(يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْخُذْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ)³

ای اهل ایمان ! شما را چه عذر و بهانه ای است هنگامی که به شما گویند : برای نبرد در راه خدا باشتاب [از شهر و دیارتان] بیرون

1- سوره زاریات آیات 56 - 57

2- سوره هود آیه 7 .

3- سوره توبه آیه 38 .

روید؛ به سستی و کاهلی می گرایید [و به دنیا و شهواتش میل می کنید؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت دل خوش شده اید؟ کالای زندگی دنیا در برابر آخرت جز کالایی اندک نیست.

هم چنین قرآن می فرماید:
(فَمَا أَوْتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) ^۱

«پس آنچه [از کالا، وسایل و ابزار مادی] به شما داده اند، متاع [اندک و زودگذر] زندگی دنیاست، و آنچه [از بهره و پاداش] نزد خداست، برای کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، بهتر و پایدارتر است.»

نقل می نمایند که: روزی پیامبر، در محلی که، مردم اشیاء اضافی و بدون استفاده خود را در آنجا می ریختند، ایستاد، از گوش بزغاله «گر» مرده ای گرفتند خطاب به همراهانش فرمودند، آیا کسی دوست دارد به یک درهم خریدارش باشد؟! همراهان گفتند کسی به مفت حاضر نیست با این بزغاله مرده و گر چه می توان کرد، اگر زنده هم می بود لایق نگهداشت نبود. پیامبر فرمودند بخدا سوگند دنیا در نزد الله از این هم بی ارزش تر است! ^۲

1- سوره شورا آیه 36 .

2- اَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ
بِالسُّوقِ دَاخِلًا مِنْ بَعْضِ الْعَالِيَةِ وَالنَّاسُ
كَفَفَتْهُ فَمَرَّ بِجَدِي أَسَكَّ مَيِّتٍ فَتَنَاوَلَهُ فَأَخَذَ
بِأُذُنِهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ هَذَا لَهُ بِدَرَاهِمٍ
فَقَالُوا مَا نُحِبُّ أَنَّهُ لَنَا بِشَيْءٍ وَمَا نَصْنَعُ بِهِ

حدیث دیگری حقیقت دنیا را بهتر روشن می کند :
 (عَنْ الْمُسْتَوْرِدِ بْنِ شَدَّادٍ قَالَ كُنْتُ مَعَ الرَّكْبِ الَّذِينَ وَقَفُوا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى السَّخْلَةِ الْمَمِيَّةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَرُونَ هَذِهِ هَانَتْ عَلَى أَهْلِهَا حِينَ أَلْقَوْهَا قَالُوا مِنْ هَوَانِهَا أَلْقَوْهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَالدُّنْيَا هَوْنٌ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ عَلَى أَهْلِهَا

از مستورد فرزند شداد روایت است که گفت من همراه رسول الله | بودم و ایشان از محلی که ، گوسفند مرده ای را در آن رها کرده بودند، عبور می نمود، ایشان ایستاده و خطاب به همراهانشان فرمودند: «می بینید که این گوسفند در نظر صاحبش تا چه حد بی ارزش شده و آن را دور انداخته است. بخدا قسم، دنیا از نظر خداوند بسیار بی ارزشتر از این گوسفند است .

و می فرمایند :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى كَافِرًا مِنْهَا شَرْبَةَ مَاءٍ»²

چنانچه دنیا در نظر خداوند به اندازه بال پشه ای ارزش می داشت،

قَالَ أَتُحِبُّونَ أَنَّهُ لَكُمْ قَالُوا وَاللَّهِ لَوْ كَانَ حَيًّا كَانَ غَيْبًا فِيهِ لِأَنَّهُ أَسْكُ فَكَيْفَ وَهُوَ مَيِّتٌ فَقَالَ فَوَاللَّهِ لِلدُّنْيَا هَوْنٌ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا عَلَيْكُمْ» روایت مسلم

1- . سنن الترمذی - (8 / 300) باب ما جاء

فی هوان الدنيا ...

2- روایت ترمذی .

هیچ کافری را از آشامیدن یک جرعه آب بهره مند نمی کرد...»
ایشان هم چنین فرموده اند: «آخرت دارد فرا می رسد. - اما متأسفانه - حرص وعلاقه مردم به دنیا روز به روز بیشتر می گردد؛ ودوری شان از خدا پیوسته فزونی می گیرد.»
وایشان فرموده اند که:

« الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ »^(۱)

«برای اهل ایمان دنیا همچون زندان، و برای اهل کفر، بسان بهشت می باشد.»^۲

3 - یقین به، حتمی بودن مرگ، وپند پذیری از آن.:
قرآن می فرماید: (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٦٠﴾ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ) ^۳

« هرچه بر زمین است فانی شونده است ؛ و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهدمند »
باز قرآن در این رابطه می فرماید:

3 - روایت از مسلم

1- باید گفت که منظور پیامبر | این نبوده است که مسلمان باید در دنیا به رنج باشد بلکه هدف این است که نعمت های دنیا برای مومن هرچند فراخ باشد به تناسب نعمت های که آخرت برایش در نظ گرفته شده است دنیا برای او به منزله زندان نمایان می شود .

³ . سوره الرحمن آیه 26- 27 .

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۖ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتْنَعُ الْغُرُورِ^۱

هر کسی مرگ را می چشد ؛ و بدون تردید روز قیامت پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می شود . پس هر که را از آتش دور دارند و به بهشت درآورند مسلماً کامیاب شده است ؛ و زندگی این دنیا جز کالای فریبنده نیست .

از رسول گرامی اسلام نقل می نمایند که فرموده است:

أَكْثَرُوا ذِكْرَ هَازِمِ اللَّذَاتِ يَعْنِي الْمَوْتَ^(۲)

«از مرگی که همه خوشیها را از یاد می برد، و جمع ها را متفرق می سازد، بسیار یاد آوری نمائید.»

ابودر غفاری^۱ می فرماید:

« قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَمَا كَانَتْ صَحْفُ مُوسَى ؟ قَالَ : «كَانَتْ عَبْرًا كُلِّهَا : عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ ، ثُمَّ يَفْرَحُ ، عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالنَّارِ ثُمَّ يَضْحَكُ ، عَجِبْتُ لِمَنْ رَأَى الدُّنْيَا وَتَقَلَّبَهَا بِأَهْلِهَا ثُمَّ يَطْمَنُ ، عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ ثُمَّ يَنْصَبُ ، عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالحِسَابِ ، ثُمَّ لَا يَعْمَلُ»^(۳)

روزی از رسول گرامی^۱ پرسیدم که، در صحیفه های حضرت موسی

^۱ . سوره آل عمران آیه ۱۸۵ .

1- سنن الترمذی - (۸ / ۲۷۹) باب ما جاء

فی ذکر الموت عن ابی هريره |

2- صحیح ابن حبان - (۲ / ۷۲) تابع کتاب

البر و الإحسان

«تورات» چه مطالبی موجود بود؟

ایشان در جواب فرمودند: همه اش هدایت و اندرز بود، - مثل این نمونه ها که - «تعجب می نمایم از اظهار، خوشحالی آنهائیکه، مرگ را حتمی می دانند! واز کسانی که، با ایمان به وجود آتش سوزنده جهنم، مدام می خندند واز آن کسی که، به تعیین سرنوشت انسان یقین دارد، اما ناآرامی و ناسپاسی می نماید ودر مقابل مشکلات شکیبائی خود را از دست می دهد. و همچنین تعجب می نمایم از انسانهاییکه، به دادگاه و محاکمه آخرت ایمان دارند، اما، در تلاش و عمل کوتاهی می کنند.»

حضرت ابوهریره | روایت می نماید که:

خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي جَنَازَةٍ، فَجَلَسَ إِلَى قَبْرِ مِنْهَا، فَقَالَ: "مَا يَأْتِي عَلَى هَذَا الْقَبْرِ مِنْ يَوْمٍ، إِلَّا وَهُوَ يُنَادِي بِصَوْتٍ طَلْقَ زَلْقٍ: يَا ابْنَ آدَمَ، كَيْفَ نَسِيتَنِي؟ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنِّي بَيْتُ الْوَحْدَةِ، وَبَيْتُ الْغُرْبَةِ، وَبَيْتُ الْوَحْشَةِ، وَبَيْتُ الدُّودِ، وَبَيْتُ الضِّيقِ، إِلَّا مَنْ وَسَّعَنِي اللَّهُ عَلَيْهِ" (۱)

همراه با رسول خدا | جنازه ای را همراهی می کردیم، -وقتی که به قبرستان رسیدیم- ایشان کنار یکی از قبرها نشسته و فرمودند: «روزی نیست که، این قبر- با زبان حال- وبا صدای رسا و گویا فریاد نکشد که، ای انسانهاییکه، مرا فراموش کرده اید؟ مگر نمی دانید، من کلبه تنهائی و تنگ و تاریک و در من کرم ها کار خود را می کنند، و جای بسیار وحشتناکی هستم؟ - اما نه برای همه کس- زیرا خداوند مرا برای بعضی از بندگان نیکوکارش وسیع می گرداند!؟»

4 - آگاهی یافتن به حقیقت اسلام.

آگاهی پیدا نمودن از روح و ماهیت اسلام، بوسیله کسب دانش و آگاهی فقهی و دینی، و اطلاع از احکام حلال و حرام و... قرآن می فرماید:

(وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا)^۱

«بگو، که، خداوندا، دانشم را فزونی بخش.»

پیامبر محبوب اسلام فرموده اند که:

إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، وَالْفِقْهُ بِالتَّفَقُّهِ، وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفْقِهْهُ فِي الدِّينِ (2)

«فراگیری علم و دانش دینی، موکول به تلاش و کسب آنهاست، و هر کس که مورد لطف و توجه خداوند قرار بگیرد، او را با دین آشنا می سازد. »
و فرموده اند:

(إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِينًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَ بِهِ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافٍ (3).»

«پیامبران بعد از خود، پول و سرمایه ای را بجا ننهاده اند، آنها، علم را از خود به جای گذاشته اند، هر کس که در پی بدست آوردنش باشد، سهم به سزایی را نصیب خود خواهد نمود»

2- . سوره طه آیه 114 .

3 - المعجم الكبير للطبراني - (14 /

324) عن معاوية |

1- سنن أبي داود - (10 / 49) باب الحث

في طلب العلم عن أبي الدرداء |

5 - شناخت ماهیت جاهلیت و زندگی غیر دینی:

با کسب اطلاع از، اندیشه ها و آرمانها، برنامه ریزیها، ولغزشها و عیوب جاهلیت، می توان آن را شناخت، واز خطرات وضررهايش خود وجامعه را حفظ نمود، و برای مقابله با آن امکان بهره گیری از امکانات را بدست آورد.

رسول گرامی اسلام فرموده است:

«کسی که با زبان ملتى – ودر نتیجه با فکر و فرهنگ وروشهای برخورد با آنها- آشنائی پیدا کند این امکان را خواهد یافت که- از شرشان در امان ماند.»

صفات خدمتگزاران به اسلام.

اگر قرار بر این است، که، مسلمانانه زندگی کنیم و حیات مان را وقف خدمت به اسلام بنمائیم، لازم است، در زندگی از علائم وخصوصیاتی برخوردار باشیم که، آن را از زندگی دیگران مشخص کند.- در این راستا اهتمام به موارد زیر بسیار ضروری است.

1- پایبندی عملی به دستورات اسلام:

زیرا، «ایمان» چیزی نیست که به آرزو و امید ، بدست آید، بلکه، ایمان آن است که در دل ریشه داشته باشد و عمل بر آن گواهی دهد. قرآن هر جا از ایمان صحبت می کند، عمل صالح را هم بدنبالش بیان می نماید:

(وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)^۱

«و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، اهل بهشت اند و در آن جاودانه اند.»

همچنین قرآن می فرماید:

(أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ
الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ)^۱

آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را [در ارتباط با نیکی] فراموش می کنید ؟ در حالی که کتاب [تورات را که با شدت به نیکی دعوتتان کرده] می خوانید . آیا [به وضع زیان بار و خطرناک خود] نمی اندیشید ؟»

در این رابطه باز هم قرآن می فرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٦٧﴾ كَبُرَ
مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٦٨﴾

«ای مؤمنان ! چرا چیزی را می گوئید که خود عمل نمی کنید ؟
» در نزد خداوند بسیار بدوناروا و خشم برانگیز است، که چیزهایی را می گوئید اما خود به آنها عمل نمی کنید.»

امام محمد غزالی (رض) می فرماید:

«دو نوع انسان پشتم را شکسته اند، اول، عالمی ناپرهیز کار و بی تعهد، دوم : کسیکه بدون علم و معرفت، خود را اهل عرفان و طریقت می داند، ناآگاهان از دین و قرآن با ادعای خود سبب انحراف و سرگردانی مردم گردیده و عالم بی تعهد با ناپرهیزکاری خود، بهانه جبروی و بدکاری را بدست مردم می دهد؟

2- . سوره بقره آیه 44 .

3- . سوره صف آیه 2-3 .

رسول گرامی اسلام، مسلمانان را مدام سفارش می فرمود که:
«كُونُوا لِلْعِلْمِ رِعَاةً ، وَلَا تَكُونُوا لَهُ رُؤَاةً»¹

«شما پاسداران و کارگزاران علم و دانش باشید، نه اینکه، کارتان بازگو نمودن آن برای دیگران باشد.»

2 - ترجیح مصلحت دین، بر همه امور دیگر:

حضرت محمد | می فرماید:

«دُورُوا مَعَ كِتَابِ اللَّهِ حَيْثُ مَا دَارَ»^(۲)

«از کتاب خدا دنباله روی نمائید، و هر کجا که خواست شما را ببرد

سرپیچی نکنید.»

ایشان باز در این مورد فرموده اند که:

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ لِلْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ»³

«کسیکه، به امور مسلمانان توجهی ندارد و این وضع برای او بصورت

حالتی دائم درآمده، از جمع مسلمانان محسوب نمی شود.»

و فرموده است:

1- قال الالبانی (موضوع) انظر حديث رقم : 4282 في ضعيف الجامع و صحيح وضعيف الجامع الصغير - (20 / 337) و كتاب أدب الدنيا والدين - (1 / 61) آنرا در جمله اقوال ابن مسعود نقل کرده است .

2- المستدرک علی الصحيحین للحاکم - (6 / 260) باب ذکر مناقب عمار بن یاسر
1- المستدرک علی الصحيحین للحاکم - (18 / 260) عن حذیفه |

«شما از سنگری و مرزی از مرزهای اسلام، پاسداری می کنی، - تلاش کن - دشمنان از طرف محدوده پاسداری تو نفوذ ننمایند.»

سعد بن ربیع در غزوه بدر، حدود هفتاد زخم را در اثر، تیر و شمشیر و نیزه، برداشته بود و داشت نفس های آخر را می کشید، در این حال، رو به زید بن ثابت نموده و فرمودند:

«به رسول خدا خبر بده که من دارم بوی بهشت را احساس میکنم، و به طائفه ام - مردم انصار هم - بگو که، اگر حتی یکنفر از شما زنده باشد، و رسول خدا را تنها بگذارد، در پیشگاه خداوند هیچ عذر و بهانه ای از شما پذیرفته نخواهد شد.» و پس از چند لحظه بشهادت رسید.

3 - افتخار به حق خواهی و اطمینان بخدا:

از ویژگیهای بارز اهل ایمان، افتخار نمودن به حق طلبی و اطمینان به قدرت و نصرت خداوند است.

(وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ)^۱

«تنها و تنها عزت و افتخار متعلق به، خدا و فرستاده او و مومنین است مگر منافقین نمیدانند.»

هم چنین می فرماید:

(وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)^۲

«خود را ضعیف ندانید و اندوهگین نشوید، اگر -براستی- مومن باشید، برتری از آن شماست.»

-
- 2- . سوره منافقون آیه 8 .
 - 1- . سوره آل عمران آیه 139 .

نقل می نمایند: مسلمانانی که، برای مصون ماندن، ایمان و دین خود، به کشور حبشه، پناه برده و مهاجرت نموده بودند، وهنگامی که آنها به نزد نجاشی رفتند، - کشیشها و راهبان، از آنها خواستند، در مقابل او سر خم نمایند و سجده ببرند! جعفر بن ابی طالب (که امیر و سخنگوی مسلمانان مهاجر بود فرمود: «ما کسانی هستیم که، برای غیر خدا سر تسلیم و تعظیم فرود نمی آوریم.»

در کتاب درخشان تاریخ اسلام، به صفحات زرینی از، موضعگیری های مردانه و شجاعت های وصف ناپذیری از طرف، یاران و پیروان رسول خدا (امثال، خبیب بن عدی، زید بن دثنه، ربیع بن عامر، مصعب بن عمیر، سعید بن جبیر، سعید بن مسیب و... برخورد می کنیم، - بزرگمردان و مجاهدانی - که، اطلاع از روش و نوع زندگی و حوادث حیات و دنباله روی از آنها، بسیار ضروری و پسندیده است.

4 - همکاری با خدمتگزاران به اسلام:

گرویدن به اسلام، در واقع به معنای، کارگزار و خدمتگزار بودن آنست، آن هم عمل و تلاشی، هماهنگ با، جماعتی، - جهت دار، و بسیار ضروری است که، در زمینه، امر به نیکی و نهی از ناروا، و پرورش فرد، و خانواده و جامعه و ایجاد حکومت اسلامی، با دیگر خدمتگزاران و عاملین اسلام، خود را هماهنگ و هم مسیر نمائیم.

خداوند حکیم می فرماید:

(قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ)^۱

«بوسیله برادرت، بازویت را قویتر خواهیم نمود»

هم چنین می فرماید:

﴿ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۱﴾

«و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید ، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید ؛ و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است .»

رسول گرامی اسلام | می فرماید:

«الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا»^۲

«رابطه مسلمان با مسلمانان دیگر، همچون رابطه آجرهای یک ساختمان است، که هر کدام مایه استحکام دیگری می گردد.»

« فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذَّنْبَ مِنَ الْغَنَمِ الْقَاصِيَةَ »^۳

« گرگ تنها گوسفندی را مورد هجوم قرار خواهد داد که، از گله دور شده باشد.»

در یکی دیگر از فرموده هایش رسول خدا | می فرماید: «بر تو واجب است که با «جماعت اهل ایمان» و رهبر آنان خود را هماهنگ نمایی» و فرموده است: «جماعت مایه خیر و برکت است» «جماعت مایه رحمت است و تفرقه سبب عذاب»

2- . سوره مائده آیه 2.

3- . متفقہ علیہ و اللفظ لمسلم ، (12 /

467) باب تراحم المسلمین و تعاطفهم ، عن النعمان بن بشیر |

4- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - (2 /

270) عن ابی الدرداء

فصل دوم

ایمان به، ضرورت «عمل اسلامی»:

- الف: ضرورت ووجوب آن، از نظر اصولی وبنیادی.
- ب: ضرورت ووجوب آن از نظر فقهی.
- ج: ضرورت ووجوب آن از لحاظ خواست زمان و شرایط
- د: ضرورت ووجوب آن از نظر فردی واجتماعی.
- ه: هر کسی که جهاد وتلاش می نماید، قبل از هر کس دیگری خود سود می برد.

ایمان به وجوب خدمت به اسلام و عمل اسلامی.

در جهت، پرورش شخصیت دینی، بصورتی که، شایستگی نمایندگی، «ایمان و اخلاق اسلامی» را پیدا کند... و ایجاد جامعه ای که، باورها و رهنمودهای اسلام را قبول داشته و جزء برنامه خویش قرار دهد... و به منظور برپائی حکومتی، که، شریعت و راه و رسم و قوانین اسلام، را در عمل پیاده اجرا کند، و خود را حامل دعوت و رسالت هدایتگر، در جهت برپائی و گسترش حق و عدالت در میان بشریت، بداند و فراهم نمودن سربلندی دنیا و سعادت آخرت، کار و عمل اسلامی واجب و تکلیفی شرعی است.

نه تنها عمل اسلامی عملی است واجب و ضروری، بلکه، نیازها و اسباب و شاخه های مختلف آن نیز، تا زمانی که، حکومتی اسلامی مسئولیت آن را بر دوش می گیرد، بر همه کس واجب می باشد.

مادامیکه، چنین حکومتی وجود نداشته باشد. هر گونه کوتاهی و بی توجهی از طرف مسلمانان در میزان شریعت اسلام گناه بحساب می آید و توبه و کفاره آن بغیراز، اقدام و تلاش سریع در ادای مسئولیات دینی و دعوی چیز دیگری نمی تواند باشد.

از مواردی که، بر عمل و کار دینی، تاکید جدی دارد، و آن را به صورت تکلیفی قطعی نگاه می کند، دلائل زیر می باشد:

الف: ضرورت عمل اسلامی، از نظر اصولی و بنیادی :

«کار اسلامی»، واجب بوده و مسئولیتی است که از، جانب خداوند،

برای کل بشریت، و در پیشاپیش آنان، پیامبران، معین گردیده است. و تا زمانی که، انسانی بر سطح کره زمین زیست خواهد کرد، ادامه خواهد داشت.

خداوند در این رابطه می فرماید:

(وَالْعَصْرُ ﴿٦٦﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٦٧﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٦٨﴾)

«به عصر و زمان و تاریخ سوگند، که، بجز، ایمان آوردندگان، و انجام دهندگان عمل صالح، و آنانکه یکدیگر را به «حق و صبر» توصیه و سفارش می نمایند همه انسانها،- در مسیر نابودی و زینباری قرار دارند.»

هم چنین می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ ۚ)^۲

«ای پیامبر، آنچه را از پروردگارت برایت نازل گردیده، برسان، اگر چنین نکنی، پیام او را ابلاغ ننموده ای.»

باز می فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَأَهْدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ)^۳

«کسانی که، روشنگریها و راهنماییهای فروفرستاده شده، از جانب ما را بعد از آنکه، آنها را در قرآن برای مردم بیان نمودیم، کتمان نمایند،

1- .سوره عصر .

2- .سوره مائده آیه 67.

3- .سوره بقره آیه 159.

آنان را خدا ولعت گران نفرین خواهند کرد.»
آثار ارزشمندی، در سنت رسول خدا | راجع به ترغیب ، دعوت به حق، و مبارزه با باطل وجود دارد.

رسول خدا | می فرماید:
« مَنْ رَأَى مُنْكَرًا فَلْيُنْكِرْهُ بِيَدِهِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ »^(۱)

«هر یک از شما که، متوجه شد گناهی انجام می شود. عملاً از آن جلوگیری نماید، اگر امکان این را نداشت، با سخن و موعظه، مانع شود، در صورتیکه، این کار هم برایش میسر نبود، با قلب خویش از آن نفرت داشته باشد. این پایینترین درجه از «ایمان» است، و بغير از این، ایمانی وجود نخواهد داشت.»

وایشان می فرماید:
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ مُرُّوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَدْعُونِي فَلَا أُجِيبُكُمْ وَتَسْأَلُونِي فَلَا أُعْطِيكُمْ وَتَسْتَنْصِرُونِي فَلَا أَنْصُرُكُمْ^(۲)

«ای مردم ، خداوند بشما امر می فرماید، به خوبی و نیکی سفارش نمائید واز بدی و ناروا، مانع شوید، پیش از آنکه، هر چه نزد من درخواست داشته باشید، مورد توجه قرار نگیرد، و هر چه را که

-
- 1- سنن الترمذی - (8 / 79) باب ما جاء فی تغیر المنکر بالید ، عن ابی سعید الخدری |
2- مسند أحمد - (51 / 251) عن عائشه رضی الله عنها

بخواهید، بشما ندهم، واز من، طلب کمک نمائید و بهیچ وجه، شما را یاری نکنم

هم چنین می فرماید:

إِذَا رَأَيْتَ أُمَّتِي لَا يَقُولُونَ لِلظَّالِمِ مِنْهُمْ أَنْتَ ظَالِمٌ فَقَدْ تُودِعَ مِنْهُمْ^(۱)»

«هر زمانی، مسلمانان را دیدی که، از اینکه، به ظالمی بگویند، تو ظالم و ناحق هستی، وحشت دارند، با آنها خداحافظی کن - خیری را از آنها انتظار نداشته باش -

ب: وجوب «عمل اسلامی» از نظر شرعی:

تلاش همه جانبه دینی از نظر فقهی. واجبی است قطعی، زیرا، تعطیل کردن، حاکمیت خدا - قانون هدایت او - در جنبه های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، وقرار داشتن، حکومتها و قوانین، در جامعه های بشری، بدست، مکتبهای، غیر خدائی، زمینه سازی برای برپا داشتن، جامعه اسلامی، و باز گرداندن دوباره، زندگی اسلامی را، بر مسلمانان واجب و ضروری می نماید. جامعه ای که در آن، تنها از خدا اطاعت و فرمانبرداری بشود، واز راه رسم اخلاقی و قوانین او، پیروی بعمل آید.

در این مورد قرآن می فرماید:

(فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ

1- مسند أحمد - (14 / 25) عن عبدالله بن عمرو بن العاص

ثُمَّ لَا تَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا^۱
 «به پروردگارت سوگند، ایمان نمی آورند، در ایمانشان صادق نیستند- مگر آنکه- در حل اختلافهایشان، تو را داور و قاضی قرار دهند، و در مورد قضاوت تو، اظهار دلتنگی و ناراحتی نکنند، و تسلیم آن شوند.»

ومی فرماید:
 (وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكِّمُوهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ)^۲
 «در هر موردی که اختلاف پیدا نمودید، حکم و راه حلش را از خدا بخواهید، او خدای شما و همچنین پروردگار من است، به او توکل نمودم و روی بجانب او می آورم.»

هم چنین قرآن می فرماید:
 (وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ)^۳
 «کسانی که به قانون فرود آمده از جانب خدا حکم نکنند، آنها کافرنند.» در دو آیه دیگر که از عقب این آیه مبارکه می آیند، کسانی که بر اساس حکم خدا فیصله نمی کنند «ظالم» و «فاسق» خوانده شده اند.

بدین خاطر که، پایه ریزی، جامعه اسلامی و حاکمیت بخشیدن به قانون و شریعت خدا، در ذات خود «واجب» است. تلاش در جهت برپایی

- 2- . سوره نساء آیه 65 .
- 1- سوره شورا آیه 10 .
- 2- . سوره مائده آیه 44 .

وایجاد آن هم بنا بر اصل شرعی « فراهم آوردن آنچه که ، واجبى به بوسیله آن تحقق میابد واجب است .^(۱)» تکلیف شرعی می باشد. اگر نگوئیم همه ممالک اسلامی، بلکه در اکثریت ، افکار و مکاتب بشری که آمیخته ای از، قوانین، ایتالیا، یونان، فرانسه... است، تسلط دارند. و «سرمایه داری و سوسیالیسم» است که زمام ، امور اقتصادی را بدست گرفته است، وضعیت غیر قابل قبولی که، جاهلیت جدیدی را حکمفرما نموده و تلاش دامنه دار برای فرو ریختن آنها، و احیاء دوباره زندگی اسلامی را، بر هر مسلمانی فرض عین قرار می دهد، آن هم تا زمانی که، زمام رهبری و تصمیم گیری در دست اسلام قرار گیرد. عملی نمودن و اجرای بسیاری از مسئولیتهای دینی، موکول به، بودن امام یا خلیفه ای در میان مسلمانان است. و این هم در ذات خود، لازمه اش وجود حکومت و نظام اسلامی می باشد.

همه قوانین مربوط به، نظامهای، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مقررات مربوط به، حکومت، مجازاتها، جنگ و صلح، و پیمانها، معاملات اجتماعی و اقتصادی و.... تنها زمانی امکان اجرایشان فراهم می شود

3- «ما لا یتم الواجب الا به فهو واجب. این يك قاعده اصولي است که ما را برای فراهم آوردن همه وسایلیکه میتوان با استفاده از آن واجبات دنی را تحقق می بخشد دستور میدهد طور مثال : جهاد یکی از واجبات دینی است که جز بوسیله سلاح و تجهیزات امکان پذیر نیست بنا براین فراهم آوردن سلاح و امکانات نیز واز واجبات می باشد .

که، حکومت ورهبریتی بر اساس اسلام، وجود داشته باشد.

ج: وجوبی، زائیده ضروریات و نیازها:

برای مقابله با تهاجمات همه جانبه - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی - و توطئه های گوناگون دشمنان اسلام، جلوگیری از، موج مادیگرایی، و ارتجاع و دین ستیزی، که، حیات و وجود اسلامی را از اساس مورد تهدید قرار می دهند، «عمل اسلامی» واجب و ضرورتی حتمی است.

نگاهی کنجکاوانه به، وضع موجود در ممالک اسلامی، نه اینکه بر ضرورت قیامی همه جانبه تاکید می کند، بلکه آن را واجبی شرعی قلمداد می نماید که، عدم اقدام و کوتاهی در مورد آن را به هیچوجه جایز، نمی داند.

بعضی از ممالک اسلامی، در زیر سلطه سیاه، نامسلمانان، رنج می برد و برای مثال می توان به، فلسطین، کشمیر، عراق و... اشاره نمود. بعضی دیگر هم، زیر بار حکومتهای، حزبی، کینه توز که با بهره گیری از آتش و آهن، برگردن مسلمانان سوار شده اند، ناله می کنند. در ممالک دیگری از سرزمینهای اسلامی، احزاب راست و چپ، بر مسند قدرت تکیه زده، و در مناطقی دیگر، نزاعهای خونین و هولناک، میان چپ و راست، بر سر قدرت، سایه شومش را بر سر مردم گسترش داده است.

اضافه بر همه آنچه گفته شد، بر کلیه ممالک اسلامی، شرائط ناهنجار و هلاک کننده و ناآرامی، از نظر، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حکمفرما گردیده، بخصوص در زمینه پایبندی به اخلاق و ارزشها،

وباورها، در وضع بسیار ناهنجاری قرار گرفته است. اینها وموار دیگر مجموعاً بر روی یک مسئله حساس که «ضرورت کار وتلاش دینی است، انگشت می گذارد، تلاش ومجاهدتی در راستای، مقابله با هجوم همه جانبه ای که اسلام را مورد هدف قرار داده است. هجومی از طرف قدرتهای استعماری، از خارج ویا از جانب مزدوران ونوکران وهم مسیران داخلی آنها.

قرآن می فرماید:
(وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهُوَ فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ)^۱

و با آنان بجنگید تا فتنه ای [چون شرک ، بت پرستی و حاکمیت کفار] بر جای نماند و دین (حاکمیت) فقط ویژه خدا باشد . پس اگر بایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس]تجاوزى جز بر ضد ستمکاران جایز نیست .»

د: ضرورت تلاش، فردی وگروهی :

مسئولیت تلاش دینی، از این نظر که تکلیفی است شرعی، مسئولیتی فردی هم قلمداد می شود. وهمچون همه واجبات ومسئولیات شرعی دیگر، که التزام به آنها، اجر وپاداش را در پی خواهد داشت وپشت نمودن به آنها، مجازات را سبب خواهد شد. اجر وپاداش برای خدمتگزاران خواهد بود.
قرآن در این مورد می فرماید :

(كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ) ^۱

«هر انسانی در گرو اعمال و کردار خویش قرار دارد.»

(وَكُلُّهُمْ ءَاتِيهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَرْدًا) ^۲

«همه انسانها جداگانه، به-دادگاه و محضر خداوند خواهند آمد.»

(إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا) ^۳

«اگر نیکوکاری نموده اید، خود سود برده اید، و چنانچه مرتکب

بدی گردیده اید، زیانش بخود شما برمی گردد.»

(وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) ^۴

«بارگناه هیچ کسی را بر دوش دیگری نخواهند انداخت.»

«کسی که در راه خدا زحمت می کشد و تلاش می نماید، سود آن

تنها بخودش برمی گردد.» العنکبوت: 6

اسلام بدین خاطر که، در عملیات ساختن و بازسازی، کاخ زندگی بر پایه های «حق و خیر» همه انسانها را مشارکت دهد. آنها را در حدود توانائی و امکانات، مکلف به کار و تلاش نموده است. چیزی که، جامعه را جامعه ای پویا و متحرک بار آورده، و هر فرد از افراد آن، در راستای سازندگی و بذل آنچه را که در اختیار دارد کوتاهی نکرده و با هم در این مشارکت به رقابت می پردازند.

از اینجاست که، درمی یابیم، «عمل اسلامی» مثل بسیاری از واجبات دیگر، برای افراد مسئولیت و تکلیفی شرعی است.

2- . المدثر آیه 38 .

3- . سوره مریم آیه 95 .

4- . سوره اسراء آیه 7 .

1- سوره انعام آیه 164 .

وبدین خاطر که، مشارکت در کار اسلامی، مسئولیت هر فرد مسلمانی است، در ارتباط با، کار عملی و اجرایی مسئولیتی است گروهی و جمعی، جریانات و مسائل غیر قابل مناقشه ای، بر این نظریه، تاکید دارند، برای مثال:

1- اقدام به «عمل اسلامی» دامنه دارتر و سنگینتر از آن است که افراد از عهده آن برآیند، زیرا هدف اساسی، عمل و دعوت اسلامی فرو ریختن کوخ جاهلیت، و ساختن کاخ اسلام بر فراز ویرانه های آن است. و تحقق چنین هدفی محتاج تامین امکانات و ادای مسئولیات و تلاشهای دامنه داری است که، از توان فرد خارج است. و برای رسیدن به آن هدف، تنها از طریق حرکتی متشکل و سازمان یافته و در حد بسیار بالائی از، درک واقعیات و توانائی و تشکل و آمادگی برای هر گونه تلاش و تحمل همه گونه مشکلات، ممکن و میسر خواهد بود.

2- «سنت عملی» رسول خدا | در مقابله با جاهلیت و پایه گذاری جامعه اسلامی، و به واقعیت در آوردن نوع زندگی دینی، دلیل شرعی غیر قابل مناقشه ای، برای اثبات واجب بودن «کار جمعی» در «دعوت اسلامی» می باشد.

رسول خدا | هیچگاه در ادای مسئولیتهای عملی، روش فردی را پیش نمی گرفتند، و از ابتدای دعوت خود در جهت رسیدن به تغییر واقعیت های موجود جاهلی، در تشکل جماعتی، که افرادش را با دقت فراوان، خود برمی گزیدند، بسیار اهتمام می نمودند. جریانه ها، و رویدادهای زندگی رسول خدا | در همه مراحل و در همه زمینه ها، بیانگر این حقیقت و شاهد صادقی بر آن می باشد.

3- راهی را که کاروان «عمل و دعوت اسلامی» از آن می گذرد راهی

است پوشیده از خارها و دست اندازها، و از طرف دشمنان، همه انواع موانع و کمینها قرار داده شده است، دشمنانی که، تعدادشان چندان کم نیست... این مشکلات و واقعیتها، پدیده هایی هستند که، وجود حرکتی منظم و گسترده و فراگیر در کیفیت و کمیت، را برای مقابله با شرایط و احتمالات آینده، توجیه می نمایند.

در لابلای آیات قرآن، و فرموده ها و روش عملی رسول خدا | اشارات و نشانه های روشنی در این زمینه وجود دارد که، بر هماهنگ بودن «عمل و حرکت اسلامی»، تاکید دارند.

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^۱

« و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید ، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید ؛ و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است .»

پنجم : من جاهد فانما يجاهد لنفسه

مهمترین مطلبی را که، خدمتگزاران و دعوتگران دین لازم است متوجه باشند، این است که، آنها محتاج به اسلام هستند... و همه کارها و تلاشها و تحمل سختیها بخاطر رشد شخصیت، و پاکی و پاکدامنی خود، و ادای بعضی از مسئولیتهای خدائی، است، برای آن است که، همه آن زحمات و مسئولیتهای را برای روزی که، چشمها اشتباه می بینند و جان به لب می رسد پس انداز کنند.

چنانچه به میدان آمدند، و تن به مسئولیتهای در دادند، پیروز و در

صورتیکه از میدان «عمل اسلامی» فرار کردند، ضرر آن تنها متوجه خودشان می شود.

قرآن می فرماید :

(إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ)^۱

«تردیدى وجود ندارد که، خدا از همه جهانیان بی نیاز است»

ومى فرماید:

(هَآأَنْتُمْ هَآؤَآءِ تَدْعُونَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ)^۲

(آگاه باشید ! شما همان مردمی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می شوید ، پس برخی از شما بخل می ورزند ، و هر که بخل پیشه کند ، فقط نسبت به [سعادت و خوشبختی] خود بخیل است ، و خدا [از انفاق و صدقات شما] بی نیاز است ، و شما باید که نیازمند هستید ؛ و اگر [از فرمان های او] روی بگردانید به جای شما گروه دیگری را می آورد که مانند شما [روی گردان ، سست عقیده و بخیل] نخواهند بود .)

هم چنین لازم است عمیقاً درک کنند که، ارزش و اعتبار شان به اسلام بستگی دارد وبدون آن از هیچ ارزش و قیمتی برخوردار نیستند.
در این صورت آنان «همچون چهارپایان وحتی گمراه تر از آنان»

2.- سوره عنكبوت آیه 6.

1.- سوره محمد آیه 38 .

خواهند بود. و تنها در پرتو نور اسلام وهم مسیری با آن است که، کرامت و سربلندی واقعی، تحقق پیدا خواهد کرد، مشارکت وهم مسیری، ادامه دار- نه تک روی و کار فردی- زیرا- کسی که تند و تنها می رود^۱، در آتش گرفتاریهای دنیا و آخرت هم تنها خواهد بود.- و هر که را توفیق همراهی با کاروان رفیق گردید. به گرامی ترین و مبارکترین، ارتباط وهم مسیری، دست یافته و سعادت همراهی قافله هدایتگران و سعادت یافته گان را یافته است، کسانی که قرآن در موردشان می فرماید:

(وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا)^۲

«و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند.» لازم است، کارگزاران اسلام این مطلب را مورد توجه قرار دهند که، همراهی با کاروان دعوت. شرط استقامت و پایداری خواهد بود. رسول گرامی اسلام می فرماید:

«تنها گوسفندی طعمه گرگ خواهد گردید که، از گله دور شده باشد.» در جامعه ای که، فساد و فتنه، همچون شبهای تاریک و وحشتناک

2- . ره رو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود
 ره رو آن است که آهسته و پیوسته رود

1- سوره نساء آیه 69 .

سایه شومش را گسترانده است، کسانی که با «ذکر قرآن» در ارتباط نیستند، خواسته و یا ناخواسته، در زندگی خود تحت تاثیر ناپاکیها و ناهنجاریهای موجود قرار خواهند گرفت.

قرآن می فرماید (وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ)^۱

«- قرآن و دستورات دین را به آنها- یاد آوری کن، زیرا این یاد آوری برای مومنان مفید خواهد بود.»

وهم چنین. کسانی هم که، در ارتباط با هم نبوده و یکدیگر را به پیروی از حق و شکیبائی -در تحمل مشکلات مسیر- ترغیب نمی کنند، در معرض مبتلا گشتن به دردهای جاهلی و تسلیم به واقعتهای موجود، قرار خواهند گرفت.

قرآن در این باره می فرماید:

(وَالْعَصْرُ ﴿٦﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿٧﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ)^۲

«سوگند به تاریخ و عصر، بغیر از ایمان آورده های، نیکوکار، و آنانکه یکدیگر را به- پیروی از حق و صبر- در مقابل مصائب تشویق می کنند، بقیه انسانها در معرض ضرر و تباهی قرار دارند.»

حقیقت آن است که، بغیر از زندگی در سایه درخت پر بار ایمان چاره دیگری وجود ندارد. و پیوستن به راهیان راه خداوند و زندگی و همراهی همیشگی با آنان بسیار ضروری است. خداوند می فرماید :

2 - . سوره ذاریات آیه 55 .

1 - . سوره عصر آیه 1-3 .

(وَأَصْبِرْ نَفْسِكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا)^۱

«تلاش کن خود را عادت دهی، با کسانی باشی، که به هنگام صبح و شب،- و در آسایش و گرفتاری- بخدا پناه می برند، و هدفشان تنها جلب رضایت اوست از آنان- بخاطر آرایش های زندگی دنیا، روی گردان مشو، و کسی را که قلبش از ذکر و یاد ما غافل مانده، فرمانبرداری مکن، کسیکه، از خواسته های ناروایش دنباله روی می کند و همه امور زندگی -مادی و معنویش- دست خوش نابسامانی گردیده است.»

هم چنین لازم است، کارگزاران و عاملین در دعوت اسلامی، به این واقعیت آگاه باشند که، آنها صرفا برای خدا دارند زحمت می کشند و در تلاش می باشند، و این راه راهی طولانی و پر از مشکلات است.

«برگرد بهشت حصار و دیواری از مشکلات کشیده شده، اما بر اطراف جهنم، لذتهای زودگذر و فریبنده، خودنمایی می کنند.»

کسانی که؛ ورزش آرام نسیم، گونه های نازکشان را اذیت می کند و حریر نرم و نازک، انگشتانشان را زخمی می نماید، مرد این میدان و ره رو این مسیر نیستند!

آنانکه، ترس از قطع لقمه ای نان در اعماق وجودشان، بسان سرطان ریشه دوانیده، جرئت و توان حرکت در این راه را ندارند.

این راهی است که، بیماران مزاجی و بردگان خواهشهای حیوانی،

افراد کم تحمل و کم توان، کسانی که، قدرت تحمل حتی یک کلمه را هم ندارند - تا چه برسد به سرزنش و توبیخی - آنهائیکه، آن چنان به حرف خود اهمیت می دهند که فراموش کرده اند، که، ناآگاهانه و از در ناآگاهی درآمده اند، و همچنین کسانی که، تسلیم شدن به «رای جمع» و صرف نظر از نظر شخصی برایشان بسیار سنگین و غیر قابل تحمل است، لیاقت و قدرت پیمودنش را ندارند.

این مسیر، مسیر پاکی و پاکدامنی، راه رحمت و برکت، و طریق صبر و ارتباط دسته جمعی، و دست و پا باز کردن از زنجیرهای مادی، و بلند پروازی، و راه راست و اخلاص، است. طبیعی است که، حرکت در چنین راهی، بغیر از ایمان آورده گانی که، کبوتر قلبشان مدام در آسمان محبت محبوب در پرواز است، برای دیگران میسر نخواهد بود!

قرآن می فرماید:

(وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ^ج إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ ^ج قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا) ^۱

«کسیکه، همه امور خود را بخدا بسپارد خدا برای او کافی است، خداوند فرمان خود را عملی خواهد کرد، و هر چیزی را اندازه و حدودی بخشیده است.»

(إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ ^ج وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) ^۲

1- . سوره طلاق آیه 3 .

2- . سوره فتح آیه 10 .

«به یقین کسانی که با تو بیعت می کنند ، جز این نیست که با خدا بیعت می کنند ؛ قدرت خدا بالاتر از همه قدرتهاست . پس کسی که پیمان می شکند فقط به زیان خود می شکند ، و کسی که به پیمانی که با خدا بسته است وفا کند ، خدا به زودی پاداشی بزرگ به او می دهد .»



فصل سوم اهداف، ویژگیها، وامکانات

«حرکت جهانی اسلامی»

الف: اهداف «حرکت جهانی اسلام».

ب: ویژگیهای، اساسی «حرکت جهانی اسلام».

ج: ویژگیهای عملی وحرکی «حرکت جهانی اسلام»

د: وسائل وامکانات «حرکت جهانی اسلام»



اهداف حرکت جهانی اسلام

هدف نهائی دعوت اسلامی، این است که فرد و جامعه را در مسیر فرمانبرداری خداوند قرار دهد تا اساس اجتماعی، که احکام و قوانینش را از کتاب خدا و سنت رسول او | اخذ نماید، گذاشته شود.

حرکت اسلامی، جماعتی منظم و جهانی است و دامنه آن، تا وقتی که، همه دعوتگران و خدمتگزاران اسلام را در بر گیرد ادامه خواهد یافت، و برای رسیدن به این هدف، بر دعوت و تبلیغ اسلامی خالص، و بدور از هر گونه دست کاری، سازگار با شرایط و خواسته های زمان، اعتماد و تکیه دارد، و مردم را دعوت به پیوستن به آن نموده، آنها را همآهنگ ساخته، و برای ایمان و اعتماد و تلاش همه جانبه آنها را آماده می نماید.

از لوازم این تلاش و فعالیت، مبارزه همه جانبه با، تفاله های، افکار و فلسفه بی ماهیت استعماری شرق و غرب است، آنهم تا زمانی که، «امت اسلامی» هویت اصیل خود را باز یابد.

از ابتدای تاسیس، حرکت اسلامی، پاک نمودن چهره اسلام از، غبار و تیرگیهای بدعت و خرافات، و ارائه آن، در صورت پاک و نورانی و سازگار با عظمت و بلندی آن را، جزء برنامه های اساسی خود قرار داده است.

«حرکت جهانی اسلامی» بر این باور است که، احکام و رهنمودهای اسلام همه امور و زمینه های مختلف زندگی انسان را در بر می گیرد. و معتقد است که، در طول تاریخ بشریت، اساس کاخ دین بر پایه «لا اله الا الله» و نفی فرمانروائی و فریادرسی از غیر خدا و قانون و هدایت او، استوار بوده است، اعتقاد و رسالتی که، باوری است در درون، و عبادتی است از عبادات، و مقرراتی است برای، تنظیم واقعیات زندگی فرد و اجتماع.

«حرکت جهانی اسلام» بر این باور است که، برای بیداری و قیام مسلمین و نجات بشریت و آزاد نمودن محرومین از چنگال طاغوتها و ظالمین، و ریشه کن نمودن فتنه و جاهلیت از جامعه و حاکمیت قانون خدا بر همه جوانب زندگی، تنها «اسلام» نیروی فعال و حقیقی خواهد بود.

در مورد، پذیرش، نظام های «سرمایه داری و سوسیالیسم»، و... نظر حرکت اسلامی بر این است که، چنین باور و پذیرشی، کفر و انکار قانون پروردگار بزرگ و پدید آورنده مخلوقات بوده، و حرکتی است کورکورانه، توجیه ناپذیر، و جز به تحلیل رفت توانائیها، و بهدر دادن زمان، چیزی دیگری را بدنبال نخواهد داشت.

قرآن در این مورد می فرماید:

(وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ)^۱

«هر کسی غیر از اسلام، دین دیگری را انتخاب کند، از او پذیرفته نشده و در حیات آخرت، او در جمع زیانکاران قرار خواهد داشت»
اما شهید حسن البنا اهداف حرکت اسلامی را بصورت خلاصه، بیان فرموده است:

«بصورت کوتاه، اهداف و مسئولیتهای «حرکت جهانی اسلام» عبارتند از: مقابله با موج در هم کوبنده تمدن مادی، و هدف قرار گرفتن دنیا و پیروی کورکورانه از کششهای انحرافی است، چیزی که، اساس و ماهیت و ارزشهای مردم مسلمان را هدف قرار داده، از رهبریت جامعه های بشری کنار زده و از هدایت قرآن محروم نموده است، و همچنین

جهان را از «نور» پرفروغ تعالیم ورهنمودهای همه جانبه اسلام بی بهره ساخته، و پیروزی را صدها سال به تاخیر انداخته است.

باید گفت که تا رخت بر بستن همه جانبه استعمار از سرزمینهای اسلامی، ورهائی ملت‌های مسلمان از سرطان مرگبار آن، این مبارزه ادامه خواهد داشت، قطعا بعد از دست یابی به این اهداف، باز هم دست روی دست نخواهیم گذاشت، و استعمار ظالم را در سرزمین خود، مورد تهاجم همه جانبه قرار خواهیم داد. و این مبارزه تا زمانی که، شعار توحید ونفی فرمانروائی وسلطه غیر خدائی، در سرتاسر کره زمین تحقق پیدا کند، وبشریت به حقانیت مکتب اسلام اعتراف نماید ودرخت با برکت اسلام، سایه اش را بر تمامی جهان بگستراند با قاطعیت هر چه تمامتر ادامه خواهد داشت.

تنها در این صورت است که، آرزوهای مسلمانان، برآورده می گردد.
(وَقَتِّلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ)^۱

«و با آنان بجنگید تا فتنه ای [چون شرک، بت پرستی و حاکمیت کفار] بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر بازایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس] تجاوزی جز بر ضد ستمکاران جایز نیست.»

الْمَغْلَبَتِ الرُّومُ ﴿۱﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ
عَلَيْهِمْ سَيَغْلِبُونَ ﴿۲﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ
وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۳﴾ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ

مَنْ يَشَاءُ^ط وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٥١﴾

الم (1) رومیان مغلوب شدند، (2) در نزدیک ترین سرزمین [خود به حجاز که نواحی شام است]، و آنان پس از مغلوب شدنشان به زودی پیروز خواهند شد، (3) [البته] در ظرف چند سال. عاقبت و نتیجه کار پیش [از مغلوب شدن رومیان] و پس [از پیروزی رومیان] فقط در سیطره اراده و فرمان خداست، و آن روز [که رومیان پیروز شوند] مؤمنان شادمان و خوشحال خواهند شد، (4) به سبب نصرت و یاری خدا، [آری او] هرکس را بخواهد یاری می دهد، و تنها او توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (5)

بطور خلاصه. اینها اهداف ما بودند، اما در تفصیل بیشتر موضوع باید بگوئیم که، تحقق موارد زیر نیز از جمله اهداف ما هستند.

1- نظام حکومتی در رابطه با مسائل داخلی، امری بسیار مهم و حساس است، و باید در میان مسلمانان واقعیت پیدا کند.

قرآن می فرماید:

وَأَنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ
وَأَحْذَرَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا
فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ
النَّاسِ لَفَاسِقُونَ^٢

«و میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است داوری کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن، و از آنان برحذر باش که مبدا تو را از بخشی از آنچه خدا به سویت نازل کرده است، منحرف کنند. پس

1- سوره روم آیه 1-5.

2- سوره مائده آیه 49.

اگر [ازداوری حکیمانه ات] روی گردانند، بدان که خدا می خواهد آنان را به سبب پاره ای از گناهانشان مجازات کند ؛ و مسلماً بسیاری از مردم فاسق اند .»

2- نظام روابط بین المللی، در راستای تحقق، فرمان خداوند که :
وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيَكُونَ الرُّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا^۱

« بهمین خاطر، شما را ملتی میانه قرار دادیم تا اسوه هایی برای مردم شوید و رسول خدا هم گواه بالای شما باشد.»

3- نظام قضائی، که از این قرآن سرچشمه گرفته باشد:
فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا^۲

«ای پیامبر به پروردگار تو سوگند، ایمان نمی آورند مگر آنکه، در حل اختلافات میان خود، تو را حکم و قاضی قرار دهند، و در قبول نتایج آن، دلخور نگردیده و با رغبت آن را بپذیرا شوند.»

4- برنامه و سازماندهی دفاع نظامی، که، به مقصود این آیه قرآن،
جامه عمل بپوشاند که :

(أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)^۳

«در هر صورت ممکن، - پیاده و سواره، زن و مرد، پیر و جوان- در راه خدا قیام و اقدام کنید، و بوسیله مال و جان خود در راه خدا جهاد

1- بقره آیه 143 .

2- سوره نساء آیه 65 .

3- سوره توبه آیه 41 .

وتلاش نمائید.»

5- نظام اقتصادی، مستقل و خودکفا، برای بهره گیری هر چه بهتر از دارائیه‌ها، توسط حکومت و افراد. و بر اساس این فرموده خداوند:
(وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا)^۱
«اموالی را که خدا وسیله، پایداری - وادامه زندگیتان - قرار داده، در اختیار نادانان - و کسانی که در زمینه امر اقتصادی تخصص و تجربه ای ندارند - مگذارید.»

6- نظام فرهنگی و تعلیمی، که، بر دیو جهالت و تاریکی چیره شود و عظمت اولین آیه نازل شده از قرآن را، در عمل پیاده نماید.
(أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ)^۲

«بخوان به نام پروردگارت که [همه آفریده ها را] آفریده»
7- مقررات و برنامه اداره منزل و خانواده، تا زمینه، تربیت فرزندان صالح، و پدر و مادر مسئولیت پذیر را فراهم نماید.

قرآن می فرماید:
(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا)^۳
«ای گروه ایمان آورده، خود و خانواده تانرا، از آتش جهنمی که، آتشگیره آن را انسانها و سنگ تشکیل می دهند، دور گردانید.»

8- دستور العمل و برنامه زندگی فردی، در جهت فهم و عمل به مسئولیت و تحقق رستگاری مورد نظر خداوند در آیه:
(قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا)^۱

1- سوره نساء آیه 5.

2- سوره علق آیه 1.

3- سوره تحریم آیه 6.

«بدرستی کسیکه خود را در جهت رشد و تعالی قرار داد رستگار گردیده است»

9- بوجود آوردن حالت و روحیه بخصوص نوع دوستی در جامعه بر مبنای قرآن :

(وَأَتَّبِعْ فِي مِمَّا ءَاتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ۖ وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ)^۲

«آنچه را که خدا به تو داده وسیله دست یابی - به سعادت - آخرت قرار بده. و سهم خود را از - نعمت‌های - دنیا نیز فراموش مکن، و به همانصورت که خدا با تو نیکی فرموده، با دیگران بدرستی رفتار کن، و هیچگاه در پی فساد انگیزی در اجتماع مباش. مسلماً خداوند فساد کاران را دوست نمی دارد.»

10- هدف ما در دعوت و تبلیغ، پرورش و فراهم آوردن، فرد مسلمان، خانواده اسلامی، ملت اسلامخواه، حکومت عامل به شریعت اسلامی، و نظامی که، همه ممالک اسلامی را رهبری نموده و تفرقه‌ها را تبدیل به وحدت و شوکت گذشته را دوباره زنده کند، و سرزمینهای از دست رفته را به آنها باز گرداند، و بدنبال آن، پرچم جهاد و دعوت بسوی خدا را بر دوش گیرد، و تا تحقق سعادت بشریت بوسیله تعالیم اسلام، از پای ننشیند.^(۳)

- 1- . سوره شمس آیه 9 .
- 2- . سوره قصص آیه 77 .
- 3- به نقل از: رساله «زیر پرچم قرآن» امام شهید حسن البنا .

ویژگیهای بنیادی حرکت جهانی اسلام

مهمترین ویژگیهای، حرکت جهانی اسلام، عبارتند از:

الف: خدائی بودن حرکت.

بدین معنی که، جهان بینی، قوانین و اخلاق، و فرهنگ، و اندیشه ها را، از دین خدا و رسالت جاویدان رسول او برگرفته است. در واقع دعوتی است از طرف خدا و بسوی او، و به خدمتگزاران و دعوتگران وابستگی ندارد.

قرآن می فرماید:

(قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)^۱

«اعلام بدار، نماز و فرمانبرداری و زندگی و مرگم همه متعلق به خدای پرورش دهنده جهانیان و مخلوقات است.»

حرکت اسلامی، همچون، احزاب و گروههای موجود در این عصر، تشکیلاتی حزبی نبوده و همچنین، ابزاری در دست رهبران، برای دست یابی، به اهداف و آرزوهای شخصی، نمی باشد. زیرا در دعوت اسلامی اصل بر این است که، بزرگ پیش از کوچک، و رهبر قبل از افراد عادی، مجری و ملتزم به حدود و شرع خداوند باشند.

ب: خود جوش و خود کفا.

برخلاف، گروهها و تشکیلات و هیئتهای مختلف، حرکت اسلامی،

1- . سوره انعام آیه 162 .

حرکتی است که، ریشه در اعماق جامعه اسلامی دارد، و «وارادتی» و «الهام» شده از طرف شرق و غرب نمی باشد...

کار ما در دعوت اسلامی، فراخوانی مردم به، التزام و پیروی از دین است، زیرا دینداری از بارزترین خصوصیات «امت اسلامی» بوده، و از هم جدائی ناپذیرند و این ریشه در گذشته ای بس طولانی دارد. ومطمئنا آخر این امت جز به آنچه، سبب اصلاح مسلمانان صدر اسلام شد، اصلاح نخواهد شد.

ج : انقلابی و پیشتاز:

در مفهوم عقیدتی، وقانونگذاری، ودر جهان بینیش راجع به، جهان، انسان وزندگی، از همه مکاتب حاصل اندیشه انسان، در حل مشکلات حیاة بشری، جلوتر وتواناتر است.

اما انقلابی بودن اسلام، بدان صورت نیست که، بعضی بر اساس تهمت و کج اندیشی تصور می نمایند که، اسلام انسان را در دریای تخیلات اخلاقی، وآداب خوب و... غرق مینماید... بلکه، در رشد وبالندگی، فهم وفرهنگ واندیشه واخلاق مردم نقش اساسی را داشته، و در زمینه های مختلف، علوم هدفدار وگشودن افقهای نورانی جهان بر روی انسان، او را به پیش می برد، آن هم نه فقط به خاطر، آنکه نامش در لیست، مکتبهایی که، در جنبه های مختلف علوم وفنون پیشتاز بوده اند، در صدر اول قرار گیرد، بلکه، علوم وتکنولوژی را برای معرفت هر چه بیشتر خدا، وآشنائی با قدرت وعظمت او- ووسائلی برای امنیت وسعادت انسان- مورد توجه قرار می دهد.

پیشتازی وسازگار بودن اسلام با گذر زمان، لازمه اش بهره گیری از همه دست آوردهای علمی وفنی دانشمندان، در جهت خیر وبهروزی

بشریت است.

رسول گرامی اسلام می فرمایند:

«علم و دانش را از هر کس و هر کجا که باشد فرا گیرید.»

«الْكَلِمَةُ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ حَيْثُمَا وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا»^۱

«علم و دانش، گمشده مومن است، هر کجا که پیدایش نمود د- در

فرا گیری آن - از دیگران شایسته تر است.»

د: فرا گیر و همه جانبه.

شمولیت و فراگیری اسلام، بدین معنا که، بصورتی نیست، بخشی از امور زندگی انسان را مورد توجه قرار دهد، و مسائل دیگر آن را بدست فراموشی بسپارد در واقع اسلامی بودن «حرکت جهانی اسلام» بمعنی عمومیت و شمولیت آن است.

بدین علت که، مسلمانان را به بازگشت به اسلام و سرچشمه های پاک قرآن و سنت رسول خدا دعوت می کند، دعوتی است، اصلاحی و اصول گرا.

وبخاطر تلاش در راستای احیاء روش و نوع زندگی رسول خدا در رابطه با فرد و اجتماع، دعوت اسلامی دعوتی است، تابع سنت پیامبر گرامی اسلام.

از این جهت که، اساس خیر را در رشد و طهارت شخصیت انسان و پاکی درون و ارتباط درستش با خدا می داند، دعوتی است «خدائی»
وبه خاطر اینکه، به وضع مسلمانان در کل جهان، اهمیت می دهد،

1- سنن ابن ماجه - (12 / 205) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

-و در اندیشه آزادیشان از اسارت دشمنان دین و مزدوران داخلی‌شان می‌باشد- «حرکت اسلامی» حرکتی است «سیاسی».

ه: درگیر نشدن با مسائل اختلافی،

«دعوت اسلامی» بر این باور است که، چون اختلاف در مسائل فقهی و فرعی امری اجتناب ناپذیر است، مسلمانان را به گرد آمدن و هماهنگی بر حول محور، اصول و ارزشهای اساسی اسلام فرا می‌خواند. اما شهید (رض) راجع به این موضوع بصورت کوتاه می‌فرماید:

«هر چند، سیاست سرچشمه گرفته از اصول اسلام، جزء اصول اندیشه ماست اما ما حزبی سیاسی نیستیم.

اگر چه اهتمام به امور خیریه و یاری مستمندان و اصلاح در بین مسلمانان، جزء برنامه های مهم ماست، اما ما «جمعیتی خیریه» نمی‌باشیم.

ما ورزش و پرورش جسم و روح را از وسائل مهم در کار خود می‌دانیم، اما، واقعیت نشان می‌دهد که ما، گروهی ورزشی و تیمی ورزشکار نیستیم.

ما هیچ یک از این جمعیتها و گروهها نیستیم زیرا، اهداف مقطعی، محدود و علاقمندی به تشکیل سازمان و هیئتی خاص در راستای تامین، اهداف شخصی و گروهی، و دست یافتن به مقام و عناوین، زمینه پیدایش بیشتر آنها را فراهم نموده است.

خوب، می‌خواهید بدانید، پس ما چه اهدافی را دنبال می‌کنیم- ما دارای اندیشه و باور، و هماهنگی بر اساس برنامه ای می‌باشیم که، زمان و مکان رنگ و نژاد و قبیله، و عوامل جغرافیائی، آنها را به هیچوجه،

نمی تواند، محدود و مقید نماید. و تا زمانی که، دنیا و مخلوقات، عمرشان خاتمه پیدا کند، هیچ عاملی توان جلوگیری از پیشرفت و حرکت آن را ندارد، چون، دین و برنامه ای است متعلق به خدا و برگرفته شده از سنت رسول الله |

ای انسانها، خوب گوش فرا دهید، ما ابلاغ می نمائیم، و در این ابلاغ خود بر کسی منت نمی گذاریم که، اتباع و پیروان رسول گرامی خدا | بر دوش گیرندگان پرچم رسالت، و بالا برندگان و گسترش دهندگان دعوت و پیام او و پاسداران قرآن، و مایه جلب خیر و دفع شر- همچون مسلمانان صدر اسلام- برای کل بشریت می باشیم.

«طولی نخواهد کشید که، خبرش را خواهید شنید.» حسن البناء

ویژگیهای عملی وحرکی

دوری از تسلط یافتن حکام و سیاستمداران :

هر چند که، در بین افراد «حرکت جهانی اسلام» طبیعی است، حکام و سیاستمدارانی وجود داشته باشند، -اما، هیچگاه نفوذ و تسلط، حکام و سیاست پیشه گان را بر کار و تصمیمات خود نخواهد پذیرفت- این ویژگی در واقع، حرکت اسلامی را از بخدمت درآمدن دیگران، ووسیله قرار گرفتن در بازیهای سیاسی، محفوظ نگاه داشته، وآن را به صفات، صدق و اخلاص و تنها برای خدا بودن آراسته خواهد نمود.

مرحله بندی، و برداشتن گامها بصورت آرام و حساب شده.:

حرکت و دعوت اسلامی، به، سخت و طولانی بودن مسیر، و گستردگی و عظمت اهداف خود، بخوبی آگاهی دارد. و مرحله بندی اعمال و اهداف و گامها را حساب شده برداشتن، جماعت را در دست یابی به آرزوها و اهدافش، بیمه خواهد نمود.

امام شهید حسن البنا رحمه الله تعالى علیه، «دعوت اسلامی» را به سه مرحله تقسیم بندی فرموده است،

اول- آگاهی دادن. دوم- شکل. سوم: عمل و اجراء و در «رساله التعالیم» ایشان در توضیح این مراحل می فرمایند:

مرحله اول: آگاهی و شناساندن دعوت «تعریف» :

در این مرحله، فکر و تصورات عمومی اسلام را، با بهره گیری از وسائل همچون، وعظ و ارشاد، کتاب- نشریات، نوار و...- و سازماندهی،

برنامه های مختلف - فرهنگی، هنری، اقتصادی و... در میان مردم باید گسترش داد.

مرحله دوم: سازماندهی:

برای بر دوش کشیدن بار مسئولیت، در زمینه های مختلف «دعوت اسلامی» افراد شایسته و توانا را باید برگزید، و آنها را با هم هماهنگ نمود.

دستوالعمل ها و ویژگیهای این مرحله عبارتند از:
در زمینه مسائل معنوی، کاملاً عارفانه. و در مورد مسائل عملی و آمادگی های جسمی، کاملاً نظامی می باشد.
تنها کسانی به این مرحله از دعوت اسلامی، قدم خواهند نهاد که، برای تحمل و اجرای، مسئولیتهای جهادی دراز مدت، و پراز مشکلات، آمادگی و استعداد کامل را داشته باشند. و اولین نشانه آن آمادگی، «التزام» همه جانبه است.

مرحله سوم: عمل و اجرا:

این مرحله، مرحله عمل و تلاش است دامنہ دار و خستگی ناپذیر در راستای دست یابی به اهداف مورد نظر، و آزمایش و امتحانی است که بغیر از، صادقین، دیگران را توفیق ادامه مسیر رفیق نخواهد بود. در این مرحله، هیچ پدیده ای به اندازه، «التزام و تسلیم» همه جانبه پیروزی را تضمین نمی نماید.

کار و تلاش را، بر ادعا و تبلیغات برتری دادن:

اموری هستند که، «حرکت جهانی اسلام» بر اساس آنها، معتقد

است که، کار را بر حرف وادعا باید ترجیح داد. از جمله:
... رهنمودهای اسلام، در این زمینه بخصوص، وبه منظور جلوگیری از، لکه دار شدن اعمال ومسئولیات، بوسیله ریا وظاهر سازی، وسخنان فریبنده، چیزی که در واقع ارزشی را برای اعمال باقی نخواهد گذاشت وفساد وتباهی را بدنبال خواهد داشت.
نفرتی که طبیعت اسلام از، اعتماد به ادعاهای تو خالی وتحریک احساسات مردم، بوسیله سخنان آتشین که، مسئولیت وعملی را به دنبال نداشته باشد.
جلوگیری از بهدر رفتن تلاشها واستعدادها ووقت ، در مسائل کم اهمیت وبی حاصل.
...دوری از سخنان پراکنده واطلاعیه های بی مورد، امنیت وسلامت «دعوت اسلامی» ودعوتگران را حفظ خواهد کرد.
پیامبر بزرگوار اسلام می فرماید:
«در جهت رسیدن به اهداف خویش، از کتمان وراز نگه داری بهره گیری نمائید.^(۱)»

طولانی بودن راه « سیاست نفس عمیق » :

حجم گسترده مسئولیتها وسنگینی تکالیف دعوتگران، در میدان «عمل اسلامی»، بر این واقعیت تاکید دارد که، راه بسیار طولانی، وکار همراه با سختی، و تلاش تلخ وطاقت فرسایی در پیش است وبسیار ضرورت دارد که، رهروان بر این راه، برای رویارویی با همه مشکلات

1- به رساله « المؤتمر الخامس » امام شهید مراجعه شود.

ومشقات، و برای هر گونه از خودگذشتگی و فداکاری، خود را آماده سازند.

قرآن می فرماید:

الْمَ ۝ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ۝ ۱ الم (1)

آیا مردم گمان کرده اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می شوند و آنان [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟ (2) در حالی که یقیناً کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمایش کرده ایم [پس اینان هم بی تردید آزمایش می شوند]، و بی تردید خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته اند می شناسد، و قطعاً دروغگویان را نیز می شناسد. (3)

لازم است که، گرویدن به، «حرکت جهانی اسلام» از سیاست، «نفس طولانی» بخاطر آنکه، دعوت بسوی بندگی خدا، بر اساس معرفت باشد و در جهت وضایت او، پیروی نمایند،

و در مسیر راه به بیراهه نروند، و قبل از رسیدن میوه آن را از درخت نکنند.

همه اینها زمانی مورد توجه قرار خواهند گرفت که، بدانیم، پایه گذاری نظام اسلامی، خود وسیله ای برای دست یابی به هدف بزرگتر و بارزتر است، اگر آنان به این پیروزی دست یافتند، خدا را سپاسگزاری نمایند، و چنانچه موفق به آن نگردیدند، دچار ناامیدی،

ودلسردی و ترس نباید بشوند. و بدین صورت است که، مسئولیت امانت داری از دین و دعوت اسلامی را، انجام داده اند.

قرآن می فرماید:

(وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ) ^۱

«پیروزی تنها از جانب خدا ممکن خواهد بود.»

ممکن است، این سوال برای کسی پیش آید که، چه عواملی باعث می شود، احزاب مزدور و بی محتوی، در بسیاری از ممالک، و در مدتی کوتاه و بصورتی بسیار ساده، زمام حکومت و قدرت را در دست بگیرند؟! در جواب این سوال باید گفت که، مسئله به تفاوت، راه و اهداف میان «حرکت جهانی اسلام» و مکاتب و احزاب غیر خدائی، ارتباط دارد؛ حرکت اسلامی، تنها از طریق خاص خود و بشیوه پاک از هر آلاینش، رسیدن به حکومت را مطلوب می داند، و چنانچه، به نوکری و مزدوری، این و آن، قدرت و دولت استعمارگر، تن بدهد. همچون دیگران بسادگی بحکومت خواهد رسید.

قرآن می فرماید:

(فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاَسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ) ^۲

«بهمین خاطر، تو دین را تبلیغ و مردم را به پیروی از آن دعوت کن و در این راه استقامت داشته باش، به همان شیوه ای که، بتو گفته شده و از خواسته های ناروای آنها پیروی مکن.»

1- سوره آل عمران .

2- سوره شورا آیه 15 .

آشکار بودن «دعوت» و مخفی ماندن «تنظیم»:

برای دعوتگران به اسلام و مبلغین دینی، این امکان وجود ندارد، که در زیر زمینها و مکانهای مخفی، اسلام را تبلیغ نمایند. واز ترس اینکه، مورد اذیت و آزار قرار گیرند، خود را پنهان نمایند. و برای این کار هم فلسفه بافی کنند و به توجیه پردازند که، «حکمت و مصلحت» چنین ایجاب می کند؟!

بانگ اسلام و حرف حق را آشکارا باید اظهار کرد، و «زبانی که از بیان حق خودداری می کند، زبان شیطان لال و گنگی بیش نیست.»

رسول گرامی خداوند می فرماید:

« مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ »^۱

«هر یک از شما که ناروایی را دید، از آن جلوگیری نماید، اگر قدرت آن را نداشت طرف را نصیحت کند، در صورتیکه چنین چیزی هم میسر نبود، در دل از آن کار ناراضی باشد، پاینتین درجه ایمان این خواهد بود.»

دعوتگر و خدمتگزار اسلام، در محدوده مسئولیت و در محیط اجتماعی، بوسیله بیان و گفتار و یا مقاله و نوشتار، باید زبان گویا و رسای حق باشد، البته با اساس قرار داد، «سخن و عمل بجا و به موقع» «حکمت» و موعظه شیرین و دلچسب.

البته نباید فراموش نمود که، آشکار بودن تبلیغ اسلامی، نباید به افشاء همه، برنامه ریزیها و امور هماهنگ شده «جماعت و دعوت اسلامی» منجر

1- صحیح مسلم - (1 / 167) عن ابی سعید الخدری

شود.

چنین کاری نه اینکه کاملاً با مصالح، «حرکت جهانی اسلام» ناسازگاری دارد بلکه نشانه، ناآگاهی از روح و طبیعت اسلام است و نتیجه آن، در معرض خطر نابودی و ضربه خوردن و آزار و خیانت به افراد و جماعت از جانب دشمنان دین خواهد بود. اصل و قاعده ای معتبر که بسیار ضروری است در این مورد رعایت بشود این است که «دعوت و تبلیغ علنی، و تشکل و تنظیم سری است». آن هم در راستای عمل و التزام به فرموده رسول خدا | که:

«اسْتَعِينُوا عَلَىٰ إِجْاحِ الْخَوَانِجِ بِالْكَثْمَانِ»^۱

«برای دست یابی به اهداف خود، از امانت و راز نگه داری بهره گیری

نمائید.»

هم چنین فرموده است.

«الْحَرْبُ خَدْعَةٌ»^۲

«اساس جنگ و مقابله بر غافل گیری طرف مقابل است.»

عزالت قلبی و حضور جسمی.:

استاد شهید سید قطب، در بعضی از کتابهایش، مسلمانان بخصوص دعوتگران را به نوعی عزالت در بینش و اندیشه دعوت کرده بود و سخنان او مایه بحثهای زیادی شده است. ایشان می فرمایند:

1- المعجم الكبير للطبراني - (15 / 3)

عن معاذ بن جبل |

2- صحيح البخاري - (10 / 228) عن ابي

هريره |

«ما نیازمند پیشقراولانی، هستیم، که با اراده ای آهنین، در این راه قدم بگذارند، و در دریای پرتلاطم «جاهلیت» جاهلیتی که سایه شومش را بر همه جا گسترانده است. پیش بروند. و همراه با پیش روی خود نوعی از گوشه گیری را از یکطرف، و گونه ای از ارتباط را از جانب دیگر با جاهلیت موجود در اطراف خود رعایت کنند.»

عزت و کناره گیری که مورد نظر شهید اسلام سید قطب (رض) می باشد، عبارت است از، فاصله گرفتن از جاهلیتها، بخاطر آلوده نشدن اندیشه و شعور، و حفظ شخصیت ایمانی، در گیرودار پیش روی و در جهت افشای پوچی ارزشهای جاهلی، و مبارزه با باطل و تلاشی برای محو و نابودی آن بدون باک از سرزنش و ملامت ملامت گران.

منظور از فاصله گرفتن در اینجا، جدا گشتن و مشخص شدن، جمع اهل ایمان، از گروه کافران است، جدا شدن، از نظر اندیشه و جهان بینی، اخلاق و نوع زندگی، باورها و نوع فهم و نگرش، می باشد. این همان چیزی است که، اسلام اهل ایمان را به آن دعوت می نماید، و رسول گرامی | از بسیاری از فرموده هایش آن را این گونه بیان می فرماید:

«كُونُوا كَأَنَّكُمْ شَامَةٌ فِي النَّاسِ»¹

«در میان مردم، همچون خال در بدن باشید.»

همچنین می فرماید:

لَا تَكُونُوا إِمْعَةً تَقُولُونَ إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَحْسَنًا وَإِنْ ظَلَمُوا ظَلَمْنَا
وَلَكِنْ وَطِنُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَنْ تُحْسِنُوا وَإِنْ أَسَاءُوا فَلَا

1- سنن أبي داود - (11 / 125) باب ما جاء في أسبال الإزار عن ابن الحنظلية أ

تَظَلُّمُوا

«بی اراده و دنباله رو دیگران نباشید، که اگر مردم هر چه را از خوب و بد دوست داشتند انجام دهید، سعی نمائید، قوی وبا شخصیت باشید، اگر مردم خوبی کردند، تائید نموده و عمل کنید وچنانچه مرتکب ناروا ویدی گردیدند، از بدی و خلاف آنها دوری نموده و فاصله بگیرند.»

در «عمل اسلامی» ودعوت وتبلیغ، جایی برای، کناره گیری وتک روی وجود ندارد. در غیر این صورت، کار به تعطیلی حرکت ودعوت اسلامی کشیده خواهد شد.

دعوتگران وخدمتگزاران اسلام در مسیر کار خود با سه نوع انسان سروکار دارند. وبرخورد وموضعگیری با آنها هم یکسان نمی باشد.

در میان مردم، جمعی مسلمان وملتزم به، مسئولیتهای فردی می باشند، اما در ارتباط با تکالیف دعوت به اسلام، ومشارکت در حرکت بیدار سازی امت اسلامی، احساس مسئولیت نمی کنند، طبعاً چنین کسی را نمی شود در ردیف دیگران بحساب آورد.

...گروهی دیگر از مردم، مسلمانند وبه مسلمان بودن خود هم افتخار می کنند، اما، آگاهی والتزامی مطلوب به دستورات دین ندارند، امروزه بیشتر مسلمانان این گونه هستند، وبهیچوجه نباید آنها را در ردیف کفار بحساب بیاوریم.

بعضی دیگر از انسانها، با خدا وپیامبر او واسلام واهل ایمان سردشمنی وناسازگاری دارند، کار آنها در مواردی، حالت فردی دارد ودر جهات دیگر،

2- سنن الترمذی - (7 / 290) باب ما جاء فی الإحسان و العفو ، عن حذیفه

بصورت منظم و حزبی عمل می کنند و بعضی دیگر، هم در موقعیت حاکم و رهبر، به دشمنی با اسلام و مسلمانان می پردازند.

موضعگیری دعوتگران با آنها، بستگی به میزان، دوری و نزدیکی، علاقه و بی توجهی و ارتباط و دوستی یا مقابله و دشمنیشان دارد.

با بعضی لازم است از در، احساس مسئولیت و ارشاد و توجیه وارد شویم و برای بعضی دیگر ضرورت دارد، افقهای علم و دانش و معرفت را برویشان بگشائیم، و با گروهی دیگر تنها با زبان زور و اسلحه باید سخن گفت. می گویند که، «اگر برای معالجه مرضی، دارو موثر واقع نشد، نوبت به چاقوی تیز جراحی هم می رسد.»

پس لازم است که، گرویدگان به «دعوت اسلامی» و خدمتگزاران در دین با مردم و اجتماع در ارتباط دائم باشند، زیرا زمینه و میدان عمل اسلامی و مبارزه، اجتماع است، اما ارتباطی حساب شده و جداگانه، در حد، تاثیر - گذاری نه تاثیر پذیری، و پاکسازی نه آلوده شدن، رسول گرامی | می فرماید:

فَإِنَّ مَقَامَ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةِ سِتِّينَ عَامًا^۱

« یکساعت ایستادن شما در میدان جهاد، بر عبادت شصت سالتان برتری دارد.»

هدف وسیله را توجیه نمی کند:

اوج فساد و انحراف مکاتب و احزاب غیر اسلامی، در مصلحت اندیشی، افسار گسیخته آنهاست، بصورتی که، در بیشتر اوقات، از محدوده مبانی

1- مسند أحمد - (21 / 411) عن أبي هريرة

فکری، و تئوریهایی که، همیشه خود را مبلغ و منادی آن دانسته اند، فراتر می روند.

کم نیستند، مکاتب فکری، که پس از دست یابی به حکومت و مشارکت در پارلمان، و اولین تجربه عملی و برخورد با واقعیات، از دایره افکار و عقائد خود پا را فراتر گذاشته اند. و از آن فاصله گرفته اند.

از تصرفات و موضعگیریهای رهبران عقیدتی و سیاسی مکاتب و احزاب غیر خدائی، این واقعیت روشن می شود که، آنها خود و پیروانشانرا، آن اندازه که، افکار و اصول خویش را وسیله و ابزاری، در میدان رقابت های سیاسی و فکری، می سازند، پای بند آن ها نبوده و در اندیشه حفظ آنها از، هجوم انحرافها و وظاهرفریبی نمی باشند.

بسیار طبیعی و ساده است که، مصلحت مردم، به مصلحت حزب تبدیل شود. و مصلحت حزب در پیشگاه رهبر آن قربانی شود، و مسائل اساسی مردم، بصورت اوراق بها دار و سودآوری در، بازار و بورس، سرمایه گذاری، و معاملات درآید... خیلی ساده است، دشمنان دیروزی، دوستان صمیمی امروز شوند، و دوستان گذشته دشمنان سرسخت کنونی، و این وضع تا جائیکه، اصول و افکار آنان بسان، اسماء غیر واقعی، و شعارهای پوچ و فریبنده درآینده ادامه خواهد یافت.

آنچه گفته شد گوشه ای از، واقعیات موجود در درون احزاب و افکار غیر خدائی بود. و اسرار بقدرت رسیدن سریع آنان و گسترش دامنه دارشان را برملا می سازد.

هم چنانکه گفته شد، آنها خویشتن را در عمل پای بندی، هیچگونه، عقائد و اخلاقی- بمعنی درست آن - نمی دانند، دارای موضعگیریهایی روشن و استوارا هم نیستند... چیزی را که، از آن بیشتر استفاده می کنند، برنامه ریزیهایی متعدد و غالباً متضادی است در راستای، استفاده از هر نوع

فرصت پیش آمده و در اختیار گرفتن آن برای عرضه در بازار تجارت سیاسی، فرق نمی کند، که، مسئله مورد معامله چی باشد، و چه بهائی در مقابل آن پرداخت شود، و در بیشتر موارد، اصل قضیه حتی مردم را با بهای بسیاری کم بفروش می رسانند.

اما در میدان «عمل اسلامی» آنچه مورد توجه است و روی می دهد، ویا حرکت در راستای آن مورد نظر است. با جریانات و برنامه های - احزاب غیر دینی، کاملاً متفاوت است.

«حرکت جهانی اسلام» در ارتباط با سازگار بودن، «وسیله و هدف»، با جهان بینی، اخلاق و شریعت، میان آنها تفاوتی نمی گذارد. و دعوتگران و خدمتگزاران اسلام، در پی دست یابی به خواسته های شخصی، نبوده و در محدوده، تصورات، اخلاق، و تعهدات دینی، عمل می نمایند و اجازه خروج و دستکاری آنها را به هیچ وجه ندارند.

الف: برای رسیدن به اهداف راستین و حق طلبانه دین، بهره گیری از «باطل» مشروع نیست، هر چند در حد یک شعار و کلمه باشد.

قرآن می فرماید:

﴿ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ ۚ ﴾

«ابلاغ کن که، حق و راستی، - آن چیزی است - که از جانب خدا فرستاده شده، هر که می خواهد بپذیرد و هر کس هم مایل نیست می تواند انکار نماید.»

ب: حق و راستی، مجموعه ای است جدائی ناپذیر. کوتاه آمدن در

مورد بخشی از حق، بحساب کل آن تمام می شود. زیرا اگر حقی در کار نباشد، باطل جایگزین آن می شود. و چنانچه «هدایت» رخت بر بندد گمراهی جا خوش خواهد کرد.

طائفه قریش، سخاوتمندانه ترین پیشنهادها را به رسول الله | عرضه می کردند، و در مقابل از ایشان انتظار داشتند، تا در مورد پاره ای از عقائد و ارزشهای خود کوتاه بیاید. در مقابل رسول خدا | این توجیه خدائی را بیان می فرمود که:

(قُلْ يٰٓأَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عٰبِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عٰبِدُ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عٰبِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ)^۱

«ای اهل کفر، آنچه را که شما عبادت می نمائید، من عبادتش نخواهم کرد، و شما هم فرمانبردار آنکه من پرستش می کنم نیستید، و من هم فرمانبردار آنچه شما برایش، عبادت کرده اید نیستم، و شما هم فرمانبردار آنکه من او را فرمانبرداری می نمایم نیستید. دین شما از آن خودتان و من هم از دین خود پیروی می کنم.»

ج: با قدرت هر چه تمامتر وبا فدای همه چیز، وبدون هیچگونه، معامله و ترس و طمع، در راه حق باید تلاش و فداکاری نمود.

پس از آنکه برای ساحران دربار فرعون، حق روشن شد، هیچگونه توجهی به تهدیدات ننموده وبا ایمان خود، هر گونه ملاحظه ای را کنار گذاشتند. و خطاب به فرعون گفتند که:

(فَأَقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿٧٦﴾)

﴿إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَبِيرٌ وَابْقٍ﴾^۱

«هر کاری که از دست برمی آید، دریغ مکن، تو تنها در این دنیا توان تصمیم گیری را داری، برای آنکه گناهانمان و آنچه را که در ارتباط با سحر، تو مجبورمان می نمودی، بخشوده شود به پروردگارمان ایمان آوردیم. - بندگی و کار برای خدا بهتر و ماندنی تر است.»

روزیکه، فرمانروائی، و مقام، و ثروت در مقابل نرمش نشان دادن در مورد دعوتش، به رسول خدا پیشنهاد می شد، با حرارت تمام در مقابل پیشنهاد کنندگان می فرمود.

«بخدا قسم اگر، بتوانید خورشید را در کف راست و ماه را در کف چپم، قرار دهید، بخاطر آنکه، مسئولیتم را انجام ندهم، کوتاه نخواهم آمد، تا وقتی که، خداوند آن را بر همه جهان حاکم گرداند، یا اینکه در پای آن قربانی شوم.»

د: لازم است، پیروان حق، بسیار هشیار بوده وبا چشم باز مسائل را نگریسته، و راه خدا را در پیش گرفته و پایبند هدایت خداوند باشند. مسائل مقطعی و موضعگیریهایی، روزمره از مسیر، منحرفشان ننماید، و یا خدای نخواستہ، راه حل‌های ناسازگار با، تصورات و اخلاقشان، به آنها تحمیل بشود.

قرآن می فرماید:

﴿وَأَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنْ كَثِيرًا مِّنْ

الْأَناسِ لَفَسِقُونَ) ۱

«بر اساس - قانون - نازل شده از طرف خدا میان آنها داوری و قضاوت کن و از کششهای انحرافی آنها پیروی مکن، وهشیار باش که، راجع به بعضی از آیات خدا، تو را دچار فتنه و مشکلات نمایند، اگر - به تو ورسالتت - پشت کردند، تو هم بدان که، خدا می خواهد، بخاطر بعضی از گناهانشان آنان را گرفتار نماید - و تردیدی نیست که - بسیاری از مردم از مسیر خدا منحرف می باشند.»

در سیره رسول خدا | می خوانیم که: برای حضور در غزوه «تبوک» سه نفر از اصحاب رسول خدا | نافرمانی نمودند و شرکت نکردند، یکی از آنان «کعب بن مالک» بود، وقتی که، پادشاه «غسان» به قصد فریبش، مخفیانه برای او نامه ای را ارسال نمود، و در آن نوشته بود.

«شنیده ام، دوستت - پیامبر اسلام - با تو بی وفائی نموده، - رسول خدا | سخن گفتن با آن سه نفر از طرف همه مسلمانان تحریم فرموده بود - سزاوار نیست تو در مملکتی باشی که، مورد توهین و سرزنش قرار گیری، من از تو می خواهم که به ما ملحق شوی.»

وقتی «کعب بن مالک» | نامه او را خواند گفت: «این هم مصیبتی اضافه بر مصیبتهای دیگر، این بازتاب و ثمره تخلف و عدم حضورم در جنگ است. که، مشرکی در مورد من به طمع می افتد.» سپس به سوی تنور رفت و کاغذ را در آتش انداخت.!

ه: در خاتمه باید این مطلب بدرستی فهمیده شود که، «حق» آن چیزی است که شرع آن را تأیید کند، هر چند با کششها و نظرات و برداشتهای کل مردم هماهنگ نباشد، اسلام، راضی نگاه داشتن آنها را بشرطی می پذیرد که، با شریعت و دستورات دین هیچگونه مخالفتی

نداشته باشد.

زیرا، چنان روشی در بینش اسلام نفاق و خروج از حدود خدا بحساب می آید.

مَنْ التَّمَسَّ رِضَاَ اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَّاهُ اللَّهُ مُؤَنَّةَ النَّاسِ وَمَنْ التَّمَسَّ رِضَاَ النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ¹

«کسیکه رضایت خلق را به بهای قهر خداوند خریداری کند، بجز، ذلت و سرشکستگی نصیبی نخواهد داشت. و هر کس رضایت خدا را به قیمت قهر مردم بدست آورد، بغیر از عزت و سربلندی بهره ای نخواهد برد.»

رسول گرامی! چه زیبا می فرمایند:

لَا تَكُونُوا إِمْعَةً تَقُولُونَ إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَحْسَنًا وَإِنْ ظَلَمُوا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ وَطِنُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَنْ تُحْسِنُوا وَإِنْ أَسَاءُوا فَلَا تَظْلِمُوا²

«بی شخصیت و بی اراده نباشید، که هر چه را مردم انجام دادند شما هم دنباله روی کنید، اگر خوبی کردند شما هم انجام دهید و چنانچه مرتکب بدی گردیدند شما هم تابعشان شوید. بلکه لازم است، متین و با اراده باشید، اگر مردم نیکی انجام دادند شما هم انجام دهید و در صورتیکه مرتکب بدی شدند، خود را از آن دور کنید.»

1- سنن الترمذی - (8 / 438)

1- سنن الترمذی - (7 / 290) باب ما جاء في الإحسان و العفو ، عن حذيفة

وسایل وامکانات حرکت جهانی اسلام

امام شهید حسن البنا، در مورد، وسائل وامکانات، حرکت اسلامی می فرمایند:

«وسائلی که، گذشتگان ما از آن برخوردار بوده اند، ما هم همانها را داریم. سلاحی که، رهبر واسوه اهل ایمان، حضرت محمد | و یارانش بوسیله آن جهان را فتح نمودند، هر چند تعدادشان اندک وامکاناتشان ناچیز بود، چراغی که، آنرا ما بار دیگر در دست گرفته، و جهان را از نور هدایت آن بهره مند خواهیم نمود.

1- آنان بهره مند، از ایمانی عمیق واستوار ومقدس وماندنی بخدا و یاری وتائید او بودند:

(إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ)^۱

«اگر خدا یاریتان دهد، کسی بر شما پیروز نخواهد گردید.»

2- به برتری وتوانائی، برنامه دین، ایمان استوار داشتند:

(قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)^۲

«بی تردید از سوی خدا برای شما نور و کتابی روشنگر آمده است. خدا به وسیله آن [نور و کتاب] کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راه های سلامت راهنمایی می کند، و آنان را به توفیق

1- سوره آل عمران آیه 160 .

2- سوره مائده آیات 15- 16 .

خود از تاریکی ها [ی جهل ، کفر ، شرک و نفاق] به سوی روشنایی [معرفت ، ایمان و عمل صالح] بیرون می آورد ، و به جانب راه راست هدایت می کند »

3- به مسئولیتها اخوت و ارزش «برادری»، احترام می نهادند:
(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)^۱

جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند ؛ بنابراین [در همه نزاع ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید ، و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید .»

4- به روز رستاخیز ، وپاداشهای با ارزش وفراوان، باور ویقین داشتند:

(مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْيَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجَرَ الْمُحْسِنِينَ)^۲

« شایسته نیست که اهل مدینه و بادیه نشینانی که پیرامون آنانند ، از رسول خدا تخلف کنند ؛ و آنان را نسزد که به سبب پرداختن به خویش از حفظ جان او [در شدايد و سختی ها] دریغ ورزند ؛ زیرا هیچ تشنگی و رنج

1- . سوره حجرات آیه 10 .

2- . سوره توبه آیه 120 .

و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی رسد ، و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می آورد ، قدم نمی گذارند ، و از هیچ دشمنی انتقام نمی گیرند [و با نبرد با او به کام دل نمی رسند] مگر آنکه به پاداش هر یک از آنان عمل شایسته ای در پرونده آنان ثبت می شود ؛ چرا که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند .»

5- اعتماد به نفس کامل داشتند، به اینکه، در برنامه ریزی و تقدیر خداوند، برگزیده شده برای نجات بشریت از سیاه چالهای جاهلیت ، و این شرف تنها نصیب ایشان گردیده، و برترین بندگان خدا در تاریخ بشریت بوده اند و ندای نداگر «ایمان» را شنیده و ایمان آوردند، ما هم امیدواریم که خداوند چنین ایمانی را در دلهایمان آراسته نماید، هم چنانکه. از پیش برای آنها دوستش داشت و در قلوبشان آراسته اش نمود، اولین اسلحه ما در واقع اسلحه «ایمان» است.

ویکی دیگر از ابزارهای ما «جهاد» می باشد.

پاک ترین و عمیق ترین آگاهی را داشتند به اینکه، بجز با «جهاد و فداکاری و بخشیدن جان و مال،» دعوت رسالتشان به پیروزی نخواهد رسید. در نتیجه، جان و مال خود را در راه خدا بکار گرفته، و شایسته ترین تلاشها را انجام دادند. و سروش بیدارگر فرشته غیب را به گوش جان شنیدند که :

(قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسْكَنٌ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الْفَسِيقِينَ^۱

«بگو: اگر پدرانان و فرزندانان و برادرانان و همسرانان و خویشانان و اموالی که فراهم آورده اید و تجارتی که از بی رونقی و کسادیش می ترسید و خانه هایی که به آنها دل خوش کرده اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند.»

به هشدار دهنده گوش فرا دادند، وبا رضایت خاطر وآرامش درون، ودلگرمی به پیمانی که با خدا بسته بودند، از همه چیز خود صرفنظر کردند.

عاشقانه شاهد مرگ را در آغوش می کشیدند و می گفتند که.
«دوان دوان بسوی خدا، وبی نیاز از توشه.» دارائی خود را تقدیم راه خدا نموده و می گفتند،

«تنها خدا وفرستاده اش را، برای خانواده ام باقی گذاشته ام.»
وبهنگامی که لبه تیز شمشیر بعد از لحظاتی گردنش را قطع می کرد. می گفت:

گر شوم کشته در محراب مسلمانی چه باک،
گر باشد تفنگی یا، ریسمانی

آنان این گونه بودند، مجاهدینی راستین، فداکارانی بزرگوار،
بخشندگانی ایثارگر، بیاری خدا، ما هم در تلاشیم که، آن گونه باشیم.
(حسن البنا.)

فصل چهارم

ضرورت آشنائی با، روشهای مختلف «عمل اسلامی».

الف: در بعد، روحی و معنوی.

ب: در بعد، فرهنگی.

ج: در بعد، امور خیریه.

د: در بعد، سیاسی،

ه: بالندگی و تکامل طلبی در، «حرکت اسلامی»



ضرورت شناخت روشهای عمل اسلامی

و چرا حرکت اسلامی؟

ارتباط و گرویدن بحرکت جهانی اسلام، باید بر اساس شناخت و آگاهی باشد، و به این سوال بتوان پاسخ روشن داد، که چرا، هماهنگی با آن را برگزیده، و با دیگر مکاتب و افکار، همراه نگردیده است؟ آیا انتخابی تصادفی بوده — که در میزان شریعت اسلام، پسندیده نیست. — یا گزینشی بر اساس، بررسی و آگاهی، و امتحان؟

یکی از ضروریات مهم و قابل توجه، آگاهی از روشهای مختلف خدمت به اسلام از جانب جمعیات دیگر است، تا در نتیجه، همراهی با «حرکت جهانی اسلام» آگاهانه و اندیشمندانه باشد، نه اینکه، تصادفی و بی پایه.

شناخت کافی از «روش عمل» در جمعیهتهای مختلف اسلامی، امری بسیار ضروری بوده و آنهم در حدی که، شخص هماهنگ با «حرکت اسلامی» بخوبی دریابد که، هیچیک از آنها، نماینده خط اسلامی اصیل نبوده و به روش رسول خدا | بصورت همه جانبه پایبند نیستند، هر چند در میزان پایبندی، و محدوده برنامه خود در ارتباط با کل اسلام، با هم تفاوتهای بسیاری دارند.

با نگاهی هر چند گذرا به ممالک اسلامی، به بسیاری از دیدگاهها و هیئت های مختلف برخورد می نمائیم.

الف: در بعد «روحی و معنوی»

هستند جمعیت‌هایی که محور و برنامه کار آنها، مسائل روحی است، بدین معنی که، در مورد بسیاری از جنبه‌ها و مسئولیت‌های، فکری، سیاسی، جهادی، هماهنگی، وتشکل، و برنامه ریزی، کاملاً بی‌اعتنا بوده و صرفاً به، پرورش معنوی خود سرگرم می‌باشند. بصورتی که، آنها را با واقعیت‌های زندگی بیگانه و در ارتباط با کلیه حوادث و جریانات موجود در محیط اجتماعی خود، بی‌خبر نموده است، و در نتیجه از درک و شناخت شرائط زندگی خود نه‌اینکه ناتوان مانده‌اند، بلکه، به‌هیچوجه قدرت تاثیر گذاری در آن را نمی‌توانند داشته باشند.

ب: در بعد «فرهنگی»

هیئت‌هایی فرهنگی در عالم اسلامی، همچون «جمعیت جوانان مسلمان» و... در واقع زائیده عکس العمل در مقابل، جمعیت‌های «تبشیری و تبلیغی» مسیحی و یهودی، پایه گذاری شده و رشد یافتند. بصورتیکه، آنکه همچون گذشته پایبند خط ترسیم شده قبلی خود، که بر اساس آن تشکیل شده بودند، باقی نمانده، و بسان حالتی دگم و غیر قابل انعطاف در آنها، رسوخ نموده است.

اما متأسفانه، بعضی از این هیئتها بخاطر همگامیشان با، احزاب و اندیشه‌های شناخته شده در دشمنی با اسلام و اهل ایمان، چهره پاک «دعوت اسلامی» را تا حدی لکه دار نموده‌اند، چیزی که، طبیعت و شریعت اسلام بکلی آن را رد می‌کند.

ج: در بعد، «امور خیریه»

در شرائط حساس و غیر طبیعی در راستای یاری رسانی به

مستمندان و تهیه وسائل معالجه برای آنها، - وآوارگان ورانده شدگان - جمعیت‌های خیریه متعددی امثال، «جمعیت مکارم الاخلاق» «اسعاف المحتاجین» «دور الایتام» و... تشکیل شدند، آنها هر چند اقداماتشان بسیار مطلوب و پسندیده است، و در محدوده خود مسئولیتی است دینی، اما، به همان اهداف ووظائفی که برای عمل نمودنش تاسیس شده اند، محدود بوده، و نمی توان آنها را حرکتی بنیادی و دگرگون ساز و انقلابی، با هدف برپایی جامعه اسلامی، و احیاء حیا طیبه ایمانی، بحساب آورد.

د: در بعد «سیاسی».

در ممالک اسلامی و... احزاب و گروههایی با شعار و نام «اسلامی» و با کار صرفا سیاسی و حرکت در خطی مشخص و غیر قابل تغییر، وجود دارند. در واقع باید گفت که، توسل به نام و شعار اسلامی بدون پایبندی به اصول و ارزشهای ایمانی، و مسئولیتهای فردی و اجتماعی اسلام، تنها تاکتیکی است - در راستای دست یابی به اهداف، و مقاصد نامشروع شخصی و گروهی، - و هرگاه مصلحت ایجاب نماید، به نام «سازش و درهای باز - فکری و سیاسی - و به اسم، رعایت مصالح مسلمانان، اصول ارزشهای اسلامی و موازین معتبر دینی را انکار کرده وزیر پا می گذارند. برای مثال: با احزاب و افکار حاکم و ضد دین، دست دوستی و همکاری می دهند، و در بعضی موارد، با مطرح کردن مسائل پشت پا افتاده و غیر ضروری، استعدادهای و امکانات و زمان را در پای آن قربانی نموده، و خود را از قضایای اساسی اسلام غافل کرده و بدست فراموشی می سپارند. بسیاری از احزاب و جمعیت‌های اسلامی، در خط همه جانبه واصلی

«عمل اسلامی» حرکت نمی کنند... عمل و تلاشی که زمینه، انتقال از، وضع و زندگی در سایه شوم «جاهلیت» را به شرائط مطلوب حیات در پرتوی نور هدایت اسلام فراهم سازد... حرکتی که، عالم اسلامی را از زیر سلطه و نفوذ، تمدن آلوده غرب و حاکمیت کفار و سرکشان، رهائی بخشد... دعوتی که، در راستای پرورش، فرد، خانواده، و جامعه، و حکومت بر اساس فرمان الله، پیش برود.

بهمین خاطر، تلاشها و موضعگیریهای این گروهها، مقطعی، در هم ریخته، و بی عاقبت بوده و حتی در غالب اوقات، اعمال آنها در جهت، تصویر صورتی ناموزون و غیر واقعی از اسلام، و بنام آن قرار دارد. محدودیت فکری و کاری آنها، این ذهنیت را بوجود می آورد که، رسالت اسلام، منحصر به آن اعمال و وظائف می باشد. اما در واقع دامن اسلام از چنان تهمت های ناروایی پاک است.

و هیچ بعید نیست که، نوع عمل و همکاریهای آنها، باعث شود که، خطر جدی نظامهای غیر خدائی کمتر احساس شود. و از خروش و شور مسلمانان علیه آنها کاسته شود و زمینه را برای بیشتر ماندنشان فراهم سازند.

ه: بالندگی و تکامل بخشی، «حرکت اسلامی».

مبنای حرکت و دعوت اسلامی، بر اصل «تغییر» و دگرگون سازی واقعیتهای ناپذیرفتنی، و حرکت در جهت فراهم آوردن هر چه بهتر و بیشتر امکانات لازم در این مسیر می باشد.

حرکت و دعوتی که، به همه تصورات و ارزشهای اخلاقی و مسئولیتهای فردی و اجتماعی اسلام پایبند فکری و عملی باشد. - هر چند در بعضی از مراحل کاری، موفقیت لازم را بدست نیاورد- دعوت و حرکتی است سالم

وصحیح ودر خط اسلام اصیل واسم وعنوان ظاهری هم هیچ اهمیتی را ندارد. زیرا، همه آن دعوات با اسماء متفاوت وبا بهره مندی از «بینش، وروش، راه وهدف» مشترک وواحد، در نهایت بهم رسیده - وصف واحد وبنیان مرصوصی در مقابل دشمنان خواهند بود- ودوری دیار وسرزمین مانع بازدارنده ای نخواهد بود.

امام شهید حسن البنا ۱ در مورد ویژگیهای، خدمتگزاران و دعوتگران اسلام، با رساترین بیان می فرمایند.

«برادرانم، جمعیت شما جمعیتی خیریه، حزبی سیاسی، وگروهی مقطعی ومصلحتی برای دست یابی به اهداف کم اهمیت نیست، بلکه شما روح وحیات نوی در قلب امت اسلامی هستید، که بوسیله پیام قرآن، حیات دوباره ای را برای آنها به ارمغان خواهید آورد... چراغ پرنوری می باشید که با پرتو خود، تاریکیهای ماده پرستی را با نور پرفروغ معرفت خدا به روشنائی مبدل خواهید کرد... وپیام وسروشی هستید، که با رسانیدن پیام دعوت رسول خدا (آواز آن، همه سرزمین حیات را در بر خواهد گرفت»^(۱)

1- مجموعه رسائل امام شهید حسن البنا
رحمة الله تعالى علیه.

فصل پنجم

ضرورت شناخت ابعاد گرویدن به «حرکت جهانی اسلام»

الف: ارتباط «عقیدتی».

ب: هماهنگی مستحکم و مداوم.



ضرورت آگاهی به ابعاد گرویدن به حرکت جهانی اسلام

تنها بوسیله درخواست عضویت و نام نویسی، و رفت و آمد به، مراکز و کنفرانسها واجتماعات، بودن و گرویدن به حرکت اسلامی واقعیت پیدا نخواهد کرد. بلکه، گرایش به آن لازم است، از مرزهای، قالبی و ظاهری تجاوز نموده، وبر اساس، ایمان عمیق وارتباط مستحکم فکری و تنظیمی استوار باشد.

الف: ارتباط فکری و عقیدتی.

مهمترین جهت مورد نظر که آگاهی و فهم آن بسیار لازم است، جنبه «عقیدتی»، بودن با حرکت اسلامی می باشد. زیرا در بینش اسلامی، ارتباط و گرویدن به آن صورتی که، در اختلافهای حزبی و تقسیم قدرت مرسوم است، که حاصلی بجز تباهی و متلاشی شدن را به دنبال نخواهد داشت، به هیچوجه مورد قبول نیست.

قبل از هر چیز باید بدانیم که، پذیرش بودن با «حرکت اسلامی»، چیزی بجز، التزام و پیروی از دین نمی باشد. و به دنبال آن، همان، احساس مسئولیت در اجرای فرامین خداوند، وانتظار رحمت و رضایت اوست... و این تصور در واقع حرکت اسلامی را از تحت تاثیر قرار گرفتن، در رابطه با مرگ، برکناری اشخاص وعدم حضورشان در میدان دعوت، بهر دلیل که باشد، محفوظ نگاه می دارد. زیرا ارتباط عقیدتی با «دعوت اسلامی» بمعنی ارتباط انسان با خدا، و هماهنگی دعوتگران بر

حول محور خداپرستی بوده و سر جاودانگی، و دوام و ادامه مسیر آن در همین واقعیت نهفته است.

حضرت ابوبکر صدیق (رض) پس از وفات رسول خدا | و در ارتباط با سخنان حضرت عمر (رض) که شیدای از مرگ رسول خدا متأثر گردیده، و مرگ او برایش غیر قابل تحمل شده بود، فرمود:

«هر کسی برای محمد | عبادت می کرد، بداند که ایشان بدار آخرت منتقل شدند، و کسیکه، برای خدا عبادت می نمود، خدا زنده است و هیچگاه نخواهد مرد!؟»

قرآن هم در این مورد می فرماید :

(إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا)^۱

«آنانکه با تو بیعت نموده اند، قطعاً با خدا پیمان بسته اند، دست خدا بالای دست آنهاست، هر که، پیمان شکنی نماید خود ضرر کرده، و هر کس بوعد و پیمان خود عمل کند، خداوند پاداش فراوانی را نصیب او خواهد نمود.»

هم چنین، ارتباط پیدا کردن افراد با حرکت اسلامی، بصورت تصادفی و یا احساسات و عاطفه مورد قبول و پذیرش اسلام نمی باشد. زیرا اسلام، برنامه ای است برای زندگی بر اساس، بینشهایی مشخص در رابطه با، جهان هستی، انسان، و زندگی، و هدف اساسی، دعوت و تبلیغ اسلامی، تحقق آن منهج و روش در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی است.

وگرویدن به آن لازم است که، آگاهانه، عمیق و حساب شده باشد. بهمین خاطر شناخت فکری و عقیدتی و حرکتی و التزام عملی، از جنبه های اساسی، ارتباط با دعوت اسلامی است. بیشتر از این بخاطر استقامت در راه دعوت، وادای مسئولیت، ودر خط خود کفائی قرار دادن همه جانبه، «فهم و معرفت» صحیح و مطلوب، لازمه آن گرویدن می باشد. وبیشتر کسانی که در طول مسیر، از ادامه هم مسیری باز می مانند، یا اینکه، از ادامه دادن راه خود داری می نمایند، آنهایی هستند، که به صورت، تصادفی یا بر اساس احساسات، و تحت فشار شرائطی بخصوص که از درک آن ناتوان مانده اند- گام در این مسیر نهاده اند. حرکت اسلامی بشدت با کسانی که، بخاطر مصالح و دست یابی به اهداف شخصی، وکسب مقام وطمع مادیات، گرویدن بحرکت اسلامی را دست آویز خود قرار می دهند، مخالفت می نماید .

درواقع همگامی «با حرکت اسلامی عالمی» بمعنی، آن است که، همه توانمندیهای افراد در خدمت «جماعت» قرار گیرد، وبخاط مصالح عمومی واسلامی فرد از مصالح شخصی ونفسی خود چشم پوشی نماید. واین تنها چیزی است که، ارتباط مستحکمی را میان نیت وعمل برقرار می نماید. وگرویدن هر انسانی هم به «دعوت اسلامی» بمعنی کار وعمل در محدوده معین شده است. وبسیار ضروری است که، ویژگیهای برارنده ای چون، خلوص وپاکی، آرایش دهنده چهره عمل باشند.

رسول گرامی اسلام می فرماید:

(إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ

إِلَيْهِ^۱

«بدون» نیت» هیچ کاری معتبر نمی باشد، هر انسانی دست آوردش بر اساس نیتش رنگ می گیرد. هر کس، بخاطر خدا و رسول او مشکلات مهاجرت را متحمل گردیده، سیر او در جهت خدا و رسول اوست. و کسی هم که، بخاطر مادیات یا ازدواج با زنی زیباروئی زحمت مهاجرت را قبول نموده باشد، هجرت او بسوی همانهایی است که مورد نظر داشته - وپاداش اخروی برای او مطرح نمی باشد.»

ب: هماهنگی بر دوام مستحکم.

جهت دوم که، درزمینه ارتباط با «حرکت جهانی اسلام» لازم است مورد توجه واهتمام قرار گیرد، «هم مسیری مدام تا رسیدن به مقصد نهایی است.»

بدین معنی که، بودن و هماهنگی، آن چنان مستحکم و تنگاتنگ باشد که، سرنوشت فرد درهر شرائطی با سرنوشت «جماعت» یکی بشود.

هماهنگی او با «دعوت اسلامی» در ارتباط با شرائط زمانی بخصوص ویا به عبارت دیگر مقطعی نباشد، که چنانچه، وضع دگرگونی پیدا کرد، ارتباط خود را خاتمه یافته تصور نماید.

هم مسیری او در مرحله جوانی، آن چنان ناپخته و ناآگاهانه نباشد، که، با قدم نهادن به مراحل ازدواج سرگردانیهای زندگی، مسئولیتهای دینی و دعوتی خود را بدست فراموشی بسپارد.

اگر گرویدن کسی به «دعوت اسلامی» تحت شرائط خاص اقتصادی و سختی و احتیاجش صورت گرفته باشد، طبعاً اگر دستش به جایی بند

شود و مال و ثروتی را بهم زند و مشکلاتش مرتفع گردد، به جماعت پشت کرده و خود را بی نیاز از هماهنگی با دعوتگران خواهد دانست. و هم چنین نباید در حالت رفاه و خوشی، همگام و همکار باشد و در صورتیکه مشکلات و گرفتاریهایی برایش بوجود آمد، همه چیز را فراموش کند.

بلکه، بسیار ضروری است که، ارتباط و تعاون بدون هر گونه، فرار از مسئولیت و پیمان شکنی، تا آخر عمر و حضور در محضر خداوند، ادامه پیدا کند.

این راه را گذشتگان پرهیزکار و صالح هم در پیش گرفته، و بسیاری از آیات روشنگر قرآن، آن را مورد تاکید قرار می دهند.

قرآن می فرماید:

(وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللّٰهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ كَعَذَابِ اللّٰهِ وَلَٰئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللّٰهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعٰلَمِينَ^۱)

«در بین مردم هستند کسانی که، خود را مومن می دانند، اما وقتی در راه خدا دچار آزار واذیت می شوند،- از خود ضعف نشان داده- و آزار انسانها را همچون عذاب خدا تصور می کنند؟! و در صورتیکه خداوند شما را پیروز نماید. می گویند، ما هم با شما هم راه بودیم. مگر نمی دانند که- خدا به آنچه در دل انسانها می گذرد آگاهتر از همه است..»

در آیه دیگر می فرماید :

(وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللّٰهَ عَلَىٰ حَرْفٍ ^ط فَإِنِ أَصَابَهُ خَيْرٌ

أَطْمَأَنَّ بِهِ ۖ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ أُنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ ۚ خَسِرَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةَ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ^۱

«بعضی از مردم خود را در حاشیه میدان بندگی خدا قرار می دهند، اگر خیری دستگیرشان شود دو دستی آن را می چسبند، و چنانچه مشکلی بر ایشان بوجود آید، از- دین و بندگی خدا- روی گردان می شوند- این گونه افراد- هم در دنیا وهم در آخرت دچار ضرر روشن و غیر قابل انکاری شده اند.»

هم چنین می فرماید :

وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا ۚ وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَكَانَهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَّ ثَوَابَ الْآخِرَةِ ۚ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾^۲

«چقدر پیامبرانی که، خدا گریان وهم مسیران شان، همگام با آنها، به جنگ و مبارزه دست زدند، مشکلات و سختیهای پیش آمده در راه خدا سستشان نموده، واز خود ضعف نشان ندادند، و تسلیم- زورگویان- نگردیدند.- و مطمئنا- خدا اهل صبر را دوست می دارد. و-شعار- و گفتار آن ها چیزی جز این نبود که، پروردگارا بر گناهانمان قلم عفو بکش و ظلم و زیاده روی در امورمان را بر ما ببخشای، ما را ثابت قدم فرما و یاریمان ده تا بر حق ناباوران چیره شویم. خداوند خیر و ثواب دنیا و بهترین پاداش آخرت را به آنها عطا فرموده، و نیکمردان و نیکوکاران را

2- . سوره حج آیه 11 .

1- . آل عمران: ۱۴۶ - ۱۴۸

خداوند دوست می دارد.»

دعوت حق و پیام راستین، دعوت به ایمان و عمل، و تلاش و تعاون و شکیبائی هماهنگ شده و دعوت به، فداکاری و بخشش - جان و مال - است. و طبیعت «دعوت حق» چنان است که، در مقابل پیروانش، اهل باطل از هیچگونه، توطئه و تجاوز و فریب و خیانتی کوتاهی نمی نمایند.

قرآن می فرماید:

(وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ أَخْبَارًا)^۱

«تا وقتی که، صف مجاهدین و صابرين مشخص گردد، شما را امتحان خواهیم کرد. و اخبار - نتایج مجاهدات شما را - برای همه روشن خواهیم نمود.»

گرویدگان به «حرکت جهانی اسلام» در اخلاق، و فهم و بینش، باید نوع بخصوص و ویژه ای در میان دیگران باشند. در هر نوع شرائط زمانی و مکانی، لازم است، با ارزشها و برای ارزشهای خویش زندگی می کنند. و در راستای مصلحت دعوت و پیام اسلام، از خود خواهیها و خودمحوریهای خویش دست بردارند. و بخوبی لازم است بدانیم که، تنها بدنبال، تربیت و پاکسازی و شستشوی دراز مدت بوسیله، حمام گرم مشکلات و آزارهای اهل کفر است که، شخصیت ساخته شده و خدمتگزار صادق اسلام را، به آن ویژگیها آراسته می گرداند و چراغ پر فروغی را در مسیر راهشان روشن خواهد کرد.

قرآن می فرماید:

(فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً ۖ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ۚ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ)^۱

«کف روی آب، رفتنی و آنچه برای مردم مفید خواهد بود ماندنی می باشد ؛ این چنین خدا مثال می زند .»

چنانچه از این زوایه، به امور و واقعیات زندگی خدمتگزاران به اسلام بنگریم زحمات و مشکلات، نعمات، رحمت خداوند هستند که، بوسیله آنها، بدان را از نیکان معلوم و مشخصی ساخته، و برای بر دوش کشاندن بار مسئولیت و امانتی که، آسمانها وزمین و کوها از قبول آن عذر خواهی کرده و معترف به ناتوانی خود گردیدند، جمعی را که، لیاقت تحمل آن مسئولیت را داشته باشند، بوسیله آن زحمات و گرفتاریها خالص و پاک کرده و انتخاب نماید.

قرآن در این مورد می فرماید :

(إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ ۚ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ)^۲

«اگر برای شما زخمی و مصیبتی روی داده، آنها هم بی نصیب نمانده اند، و این زمان و روزها را در میان انسانها دست بدست می گردانیم، تا خداوند اهل ایمان را بشناساند و در بین شما اسوه ها و شهدائی را برگزیند، و او اهل ظلم را بهیچوجه دوست نمی دارد و بدین خاطر که، اهل ایمان را پاک و خالص گرداند، و اهل کفر را ذلیل

2- . سوره رعد آیه 17 .

1- . سوره آل عمران آیه 140 .

وسرافکنده سازد.»

آزار واذیتی که ممکن است در مسیر ادای مسئولیات دینی پیش بیاید اساساً بر دو نوعند و صورتهای دیگر شاخه ها و بخشهایی از آنها می باشند.
اول: دعوتگران دین، در معرض انواع و رنگهای مختلف، فریب و نیرنگ بوسیله مادیات، مقام و قدرت، قرار می گیرند، آنهم صرفاً بخاطر صرف نظر کردن از ارزشها و تصورات اساسی دین.

قرآن راجع به این قضیه می فرماید:

(زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَآئِثِ ۚ قُلْ أَوْفَيْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ)^۱

«علاقمندی و کششهای مختلف نسبت به، زنان، فرزندان، کیسه های پر شده از طلا و نقره، واسبهای تربیت شده و چالاک، و چهارپایان وزمین و کشاورزی، برای مردم آراسته شده است... این همه بهره ها و کالاهای زندگی دنیا هستند، و بهترین بازگشت ها عبارت است از بسوی خدا رفتن، به آنها بگو آیا، علاقه مند هستید که، شما را از بهتر از اینها آگاه سازم، برای متقین و پرهیزکاران، باغهایی که از زیر درختان آن جویهایی روان است، و بر دوام و برای همیشه در آنجا ماندنی هستند، و همسرانی پاک و مهمتر و بارزتر از همه، رضایت خدا، و او مدام بندگان

خود را زیر نظر دارد.»

دوم: خدمتگزاران و دعوتگران، در معرض انواع، ترور، ترس و سرکوبی و شکنجه و زد و بند، کشته شدن، و ایجاد مشکلات در روزی و امور اقتصادی قرار می گیرند. و برای مقابله با همه آنها، از اسلحه توانای «صبر و استقامت» بر دوام و تا آنگاه که خداوند با فرمان خویش قضیه را حل نماید، لازم است بهره گیری جدی و فعال صورت پذیرد»

قرآن می فرماید:

(الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَرَادَهُمْ إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾ فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ)١

«کسانی که، به آنها گفته می شود، همه مردم بر علیه شما دست بیکی کرده اند، و مواظب خود باشید، -این موضوع در واقع وسیله ای می شود برای تقویت بیشتر ایمان آنها و می گویند ما خدا را داریم و به او پشتگرم هستیم، و او برای ما کافی است. و در جهت نعمتی از طرف خدا قرار می گیرند و بزرگواری آن چنانی را بدست می آورند که گزندى به آنها نخواهد رسید. و در مسیر جلب رضایت خدا به پیش خواهند رفت. و خداوند از بزرگواری غیر قابل وصفی برخوردار است.»

هم چنانکه گفته شد، در حیاة دعوتگران، آزارها، وسیله ای، برای آمادگی و پاکسازی و گزینش و رشد بحساب می آیند، و همچون کوره آهنگری است که، مواد اضافی آهن را از آن جدا نموده و خالصش می

گرداند. قرآن می فرماید :
(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ)

«هر زنده جانی، مرگ را چشیدنی است، شما را بوسیله، خیر و شر آزمایش می نمائیم، و بسوی ما باز خواهید گشت.»
امام شهید حسن البناء، در رساله «بین امروز و فردا» زیر عنوان مسیر، می فرماید:

«می خواهیم با شما بی پرده سخن بگویم، که، دعوت و پیام شما، هنوز برای بسیاری ناشناخته باقی مانده، زمانی که، بخوبی آن را بشناسند، وبه اهداف آن آگاهی یابند، دشمنی همه جانبه ای را با شما شروع خواهند کرد، وبا مشکلات و مشقات و موانع بسیاری برخورد خواهید نمود، ودر ان شرائط است که، در راه داعیان واقعی دعوت حق گام برمی دارید. اما در این شرائط هنوز ناشناخته باقی مانده اید، و مشغول فراهم نمودن زمینه دعوت و جهاد همه جانبه و مبارزه ای که از لوازمات دعوت است می باشید... و یکی از موانع در مسیر ناآگاهی بسیاری از مردم به حقیقت اسلام، خواهد بود.

علماء رسمی و درباری و کسانی که خود را مدافع دین می دانند، در مورد، عقائد و نوع فهمتان راجع به اسلام، نظر مساعدی نخواهند داشت و آن را تازه وبی ارتباط با اسلام خواهند دانست، وبا جهاد شما در راه خدا مخالفت خواهند نمود... و روسا، رهبران، و سلطه گران، کینه شما را در دل خواهند گرفت، ... و همه حکومت های غیر خدائی در مقابل شما بلا استثنا خواهند ایستاد و هر کدام، برای محدود نمودن فعالیت های شما، موانعی را بر سر راهتان قرار خواهند داد.

اشغالگران، با بهره گیری از کلیه وسائل و همه راهها مختلف، در فکر خاموش کردن نور چراغ دعوت شما خواهند بود، و در این راستا، آنها از حکومتهای ناتوان، وانسانهای ضعیف و بی اراده، و دستهایی که به سویشان دراز شده آن دستهایی که شما را آزار می دهند، استفاده می نمایند.

برگرد دعوت شما، خیلی ها گرد و خاک، شک و تردید و تاریکی تهمت را بوجود خواهند آورد. و برای چسباندن هر عیبی به آن از هیچ تلاشی کوتاهی نخواهند نمود. و با بهره گیری از، قدرت وامکانات، و نفوذ خود سعی خواهند کرد که در بدترین شکل و صورت آن را به مردم نشان دهند.

(يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)^۱

«با -هوای- دهان خود می خواهند نور خدا را خاموش کنند، هر چند کافران را ناخوشایند آید، اما خدا نور خود را کامل خواهد نمود.»
بعد از آن بدون شک به مرحله تجربه و امتحان قدم خواهید گذاشت بازداشت و زندانی و تبعید و آواره خواهید شد، ثروت و سرمایه شما را مصادره و کارتان را تعطیل و خانه هایتان را بازرسی می کنند، و احتمال دارد این وضع مدت زیادی هم بدرازا بکشد.

قرآن در این مورد می فرماید:

(أَحْسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ)^۲

«مگر مردم برای خود اینطور حساب می کنند که، اگر گفتند ما

اهل ایمان هستیم، بدون امتحان، از آنها پذیرفته می شود؟»

1- سوره توبه آیه 32.

2- سوره عنکبوت آیه 2 .

اما پس از همه اینها، خداوند به مجاهدین وعده یاری داده و به اهل خیر و نیکی اجر و پاداش عطا خواهد فرمود.

قرآن در این مورد می فرماید:
(يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذْلُكُمْ عَلَىٰ حِرَّةٍ يُنَجِّكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ)^۱

«ای گروه ایماندار، می خواهید، به انجام دادن معامله ای که از عذاب دردناک آتش شما را نجات دهد راهنمایی نمایم؟»

(فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ)^۲
«آنانی را که ایمان آورده اند، بر دشمنانشان پیروز نمودیم، و خود را موفق و غالب دیدند» الصف: 14

آیا شما هم، اشتیاق دارید که از، خدمتگزاران به دین خدا باشید؟
حسن البنا.

1- . سوره صف آیه 10 .

2- . سوره صف آیه 14 .

فصل ششم

نیاز ضروری به فهم محورهای «عمل اسلامی»

الف: روشن بودن «هدف»

ب: روشن بودن «راه»

ج: ماهیت «انقلابی»

د: ماهیت «عمومیت»

و: راه و سنت رسول صلی الله علیه وسلم

ز: جایگاه، تواناییها در استراتیژی «حرکت».



ضرورت آگاهی از محورهای «عمل اسلامی»

برای دست یابی به پیروزی در راستای «عمل اسلامی» سه «محور» اساسی وجود دارد که، لازم است، خدمتگزاران به اسلام از آنها اطلاع داشته باشند.

روشن بودن «هدف».

روشن بودن «راه».

اجرای دقیق والتزام به آنها.

الف: روشن بودن «هدف»

معلوم بودن مقصد وهدف نهائی در «عمل اسلامی»، خدمتگزاران ودعوتگران را به تلاش وکار بیشتر وادار نموده، واز هدر رفتن توان آنها در مسائل جانبی، ودرگیریهایی که در کوتاه ودراز مدت، ارتباطی به اهداف اساسی عمل اسلامی ندارد، جلوگیری می نماید. اهدافی که، لازم است همه، نیروها وامکانات در راستای رسیدن به آنها بکار گرفته شود.

در خلال بررسی «نظام وروش اسلامی» واندیشه در آیات کتاب خدا وسنت ونوع زندگی حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - وضمن تحقیقات عملی، وواقع بینانه در مراحل گوناگون «تاریخ اسلام» به این حقیقت پی می بریم که، سبب وعامل اساسی آمدن «پیام اسلام» وهدف نهائی مورد نظر دین خدا در خط ومسیر بندگی خدا قرار گرفتن، «افراد واجتماع» است. عبودیتی که، هم چنانکه در مسجد وبوسیله نماز انجام می شود، در معاملات وبازار هم مراعات گردد،

وبهمانصورت که، در، «روزه» او را فرمانبرداری باید نمود، در نظام حکومتی هم فرمانش را باید پذیرا شد، عبودیتی که هم «دعا» وهم «قضاء» را شامل می شود.

قرآن می فرماید:

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)¹

«من جن وانسان را نیافریدم جز به خاطر اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند) .»

اگر بخواهیم در این زمینه با صراحت و روشنی بیشتری صحبت کنیم باید بگوئیم که عبودیت و بندگی خدا، بمعنی، پذیرش حاکمیت و سرپرستی خداوند، در همه امور و شئون زندگی است، نه فقط در امور دین، بلکه در امور مربوط به «دین و دنیا». زیرا از دیدگاه اسلام، تفاوتی میان، شئون دین و دنیا وجود ندارد، و این نظر اسلام است که، تئوری، جدائی دین از دولت را بکلی رد نموده و بر باور، «فرمانروا کار خودش را انجام دهد و خدا هم به امور خویش مشغول شود، و دین محدوده تصرفات خداست و وطن هم زمینه تصمیم گیری و متعلق به همه مردم،» مهر باطل می نهد.

در بینش اسلامی، بندگی خدا، بمعنی دور انداختن و پشت نمودن بهمه، مکاتب وافکار واحزابی است که در اندیشه، به بندگی و بردگی کشاندن انسانها هستند. و در تلاشند که، زیر سلطه، طغیانگری و دیکتاتوری مردم را ذلیل نمایند.

مردود دانستن آنها به این دلائل که، اولاً: عمل و حرکت آنها، تلاشی

است در جهت تجاوز آشکار به حریم فرمانروائی مطلق خدا و مسئولیت بندگی خالصانه انسانها برای او. «حکومت و قضاوت تنها متعلق به خداوند است.»

و دلیل دوم: در ذات و ماهیت خود از امکانات کافی و لازم برای تحقق بخشیدن به انسانیت انسان و پیروز گردانیدنش، در میدان جنگ با عوامل باز دارنده و مخرب، برای بازگشت به خویشتن، برخوردار نیستند.

قرآن می فرماید:

(أَفَمَنْ تَخْلُقُ كَمَنْ لَا تَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ)^۱

«- مگر می شود تصور کرد- آنکسی که، آفریننده است، با کسی که، توان آفریدن را ندارد همچون هم هستند؟ چرا هوشیار و متذکر نمیشوید؟»

ب: روشن بودن «راه»

به این موضوع باید آگاهی داشته باشیم که، خدمت به اسلام، یعنی، تلاشی در زمینه اجرا و تطبیق شریعت و قانون خدا در همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی و برداشتن همه، افکار و قوانین طاغوتی و گذاشتن اندیشه و موازین اسلامی بر جای آنها،...دستورالعمل و برنامه زندگی اسلامی، از آن چنان، شایستگی و توانائی برخوردار است که، به هیچ چیز دیگری احتیاج ندارد و از عقیده ای ارزشمند و اخلاقی آراسته و شریعتی گسترده و عمیق و سازگار، بهره مند است.

بهمین خاطر، تنها در محدوده نیاز و ضرورت تلاشها و برنامه های انقلابی، و فراهم نمودن زمینه، ویران کردن پایه های جاهلیت، زندگی با آن از نظر

زمان و مقدار، صحیح و ممکن است، بدین سبب که، هدف اساسی، تحقق حالت انتقال از جاهلیت به اسلام بوده، و هر عملی که، در جهت تحقق، ورشد و دست یابی به آن نباشد. مشغول شدن به کاری کم اهمیت و بدست فراموشی سپردن مهمترین و اساسی ترین تکلیف می باشد.

(فَلِذَاكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ تَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ)^۱

پس آنان را [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن ، و همان گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن ، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن و بگو : به هر کتابی که خدا نازل کرده ، ایمان آوردم ، و مأمورم که در میان شما به عدالت رفتار کنم ؛ خدا پروردگار ما و شماس ؛ اعمال ما برای خود ما و اعمال شما برای خود شماس ؛ دیگر میان ما و شما [پس از روشن شدن حقایق] هیچ حجت و برهانی نیست ؛ خدا ما و شما را [در عرصه قیامت] جمع می کند ، و بازگشت [همه] به سوی اوست .

اما در ارتباط با، طریقه و روش عمل برای اسلام، که محور اختلاف آراء میان دعوتگران است. آن را می توان در سایه، اهداف مورد نظر اسلام، و از خلال روش و مسلک رسول خدا [برای واقعیت بخشیدن به آن اهداف، معین و معلوم نمود.

هدفی را که برنامه اسلام مورد نظر دارد و آن را دنبال می نماید،

طبیعت راه و ابعاد آن را مشخص می کند، و بدنبالش، خصوصیات و علامات اساسی دستورالعمل را که، برای حرکت اسلامی در هر زمان و مکانی لازم الاجراست ترسیم می نماید.

در نتیجه باید پذیرفت که، روش دعوت و عمل اسلامی، لازم است، تسلیم. قواعد و اصول ثابتی باشد، که «هدف نهائی» از عمل اسلامی، آنها را دیکته می نماید. و تطبیق عملی سیره و سنت رسول خدا | آن ها را مورد تاکید قرار می دهد.

بسیار روشن است که، اگر روش و رسالتی دارای اهدافی «عملی» می باشد، راه دست یابی به آن اهداف هم لازم است عملی و فرهنگی بوده و با آنها کاملاً سازگار باشد. در ارتباط با اهداف تربیتی، اقتصادی، نظامی، ورزشی، و امور خیریه، هم وضع بهمان صورت باید باشد، و روش کار با هدف باید هماهنگی و هم خوانی داشته باشد.

چنانکه معلوم است، هدف اساسی، دین خدا و برنامه اسلام، فرمانبرداری انسان در انتخاب نوع زندگی، معاشرت با دیگران، نظامها و قوانین و در کل جوانب زندگی است. و این بدان معناست که، نظام و مقررات اسلام را جایگزین، نظامهای غیر خدائی باید کرد. و وضعی را تبدیل به وضع دیگر نمود و با تیشه اندیشه و قوانین و اصول و تمدن اسلامی، ریشه اصول و ارزشها و قوانین و تمدن جاهلی را از اساس برکند.

الف : طبیعت «انقلابی»

آنچه پیشتر بیان گردید، این حقیقت را آشکارتر می سازد که، طبیعت عمل و دعوت اسلامی، طبیعتی «انقلابی» و دگرگون ساز باید باشد. نه بصورتیکه، تنها به بخشی و جزئی از مشکلات زندگی انسان

اهمیت دهد و در صدد اصلاح و ترمیم آن برآید. بدین معنا که، طبیعت دگرگون ساز برنامه اسلام، هیچگاه راه حل‌های جزئی، و پینه زدن بر پیراهن پاره جاهلیت را نمی پذیرد. و هماهنگی با روشها و نظامهای جاهلی را رد نموده و با همه، مکاتب و اندیشه های پوچ و غیر خدائی، حاضر به کنار آمدن و همکاری نمی باشد.

ب: طبیعت، در برگیرندگی.

ماهیت «عمل اسلامی» باید ماهیتی «کلی و شمولی» باشد با تمام ابعاد و مفاهیمی که این دو کلمه می توانند، بیانگرشان باشند همه نیازها و امکانات مقابله - با جاهلیت - و احتیاجات و وسائل، دست یابی به «هدف بزرگ و نهائی» را شامل شود.

معرفت فکری و بینش سیاسی و تربیت معنوی و حرکی، و تنظیم و برنامه ریزی و آمادگی انسانی و تهیه امکانات مادی در همه زمینه ها، امور و عناصری هستند، که بصورت هماهنگ باید مورد اهتمام جدی قرارشان داد.

مسائلی که، برای واقعیت بخشیدن به «کلیت» اسلامی، و رسیدن به هدف مورد نظر، بی نیاز از همدیگر نیستند. - آنهم تا زمانیکه :
(وَقَتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ)¹
«و با آنها (کفار) بجگید تا فتنه و فسادى باقى نماند و دین و مقررات آن بر همه جوانب زندگى حاکم شود.»

¹ . سوره انفال آیه 39 .

ج : طبیعت جهانی :

مسئله دیگری که لازم است برای همه مردم روشن باشد، آن است که، در «آگاهی و برنامه ریزی، و هماهنگی و تنظیمی»، حرکت اسلامی باید در سطح جهانی عمل نماید، و پسندیده نیست که، دعوت اسلامی، در محدوده ای تنگ و در گوشه و کنار صدایی را بلند کرده و پس از مدتی، ضعیف و ضعیفتر شود.

اسلام در محتوای فکری، و عقیدتی، نظامی است جهانی، و مرزهای منطقه ای، ملی، نژادی و زبان و فرهنگ، مانع گسترش آن نمی تواند باشد. و در جهت، زیر نظر داشتن و حل مشکلات همه جانبه و در هر شرائطی دارای اصول قانونگذاری، سازگار و قدرتمندی است. و در واقع آن را از میان مکاتب و افکار دیگر متمایز می سازد.

از خلال گسترش دامنه دار اندیشه اسلامی در اجتماع، بصورتی که، بیش از نیمی از کره زمین را در بر می گرفت. و با رهبری واحد، نشانه «جهانی بودن» دعوت اسلامی است.

اضافه بر اینکه، عالمی بودن «عمل اسلامی» واجب و ارزشی اساسی است. ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی هم چنین ایجاب می کند. زیرا ما در زمانی زندگی می کنیم که، مشکلات، نیروها و افکار، و مذاهب و مکاتب در سطح جهانی مطرح می باشند امور اجتماعی و سیاسی، و حکومتی و منطقه ای کاملاً با هم ارتباط داشته و بهم پیوسته اند آن هم بصورتی که، بدون در نظر گرفتن، جوانب مختلف و شرائط خاص آنها، نیروهای پیدا و ناپیدا، آینده نگری و نگاهی به گذشته، محلی و بین المللی، عمل و تحرک، کاری بس مشکل و در مواردی غیر ممکن است. بررسی مسئله یا مشکلی داخلی و محلی، و تصمیم گیری در مورد

آن، هر چند بسیار کم اهمیت هم باشد. بدنبال خود زمینه رویدادهای واثراتی را در خارج فراهم کرده، وبهمانصورت برای حل بعضی از مشاكل محلی، به فعاليتها وتصميمات بين المللی، نیاز پیدا می شود.

در نتیجه، بر خدمتگزاران اسلام ودعوتگران دین که- طلایه داران «حرکت جهانی اسلام» اصیل می باشند- واجب است که از دائره افکار وبرنامه ریزی وهماهنگی محلی ومنطقه ای، خارج شوند، تا در نتیجه، استعداد ونیروهای اسلامی را از گردباد، درگیریهای خونین بر سر مادیات ومقام ومسائل کم اهمیت نجات دهند، تا به هدف نهائی وفلسفه وجودی خود دسترسی پیدا کند. وآنها را در قضایای بزرگتر ومهمتر بخدمت گیرند:

(وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)^۱

«تا- قانون وشریعت- «کلمه خدا برتر وغالب باشد وبرنامه ومقررات کفار، پست تروبی ارزشتر گردد.»

یکی از اهداف محوری «حرکت جهانی اسلام»، تهیه همه توانائیها وامکانات لازم برای به زیر کشاندن فرمانروایان سرکش وناحق می باشد. وجستجوی راه حل، برای حل مشکلات نظامهای جاهلی که حاکم به شریعت خدا نیستند بخشی از مسئولیتها واهداف حرکت ودعوت اسلامی بحساب می آید.

ادامه راه حل برای مشکلات، بوجود آمده در اثر افکار وقوانین جاهلی در زمینه های، آموزش وپرورش، وسائل ارتباط جمعی وتبلیغی،

وما یحتاج عمومی، و سیاسی و اقتصادی، و.... جزء اهداف دعوت اسلامی - در سایه نظام جاهلی- نمی باشد، و چنانچه برخورد با آن مشکلات در کوتاه و دراز مدت قرار باشد صورت گیرد، لازم است در محدوده محکومیت، نظام جاهلی و در حد افشاء مضرات و بطلان آنها صورت پذیرد، و نباید دخالت در آنها و بر رویشان کار کردن، زمینه را برای، استمرار تسلط و حاکمیت نظام جاهلی، فراهم نماید و آن را بصورت فزاینده ماندگار کند.

برای مثال چنانچه برای حل مسئله «گرانی» نظر خواهی و چاره اندیشی در خواست شود، «حرکت اسلامی» مکلف است، علت اساسی آن را که حاکمیت نظام «سرمایه داری» است بازگو نماید و برای همه روشن کند، که «گرانی» ثمره طبیعی، تسلط عده ای بر سرمایه و دارائی و ثروتهای عمومی است و آنها هستند که در زیر سایه «سرمایه داری» با بهره گیری از پدیده های شوم «احتکار» و غریزه سیری ناپذیر طمع و زیاده طلبی خود، گرفتاری «گرانی» را برای مردم بوجود آورده اند.

اسلام تنها، مکتب و برنامه مقدسی است که، قدرت، دارد. جامعه ای پاک را که در آن «عدالت» چهره واقعی خود را بتواند نشان دهد، و حقوق و حرمت و کرامت انسان محفوظ گردد، پایه ریزی نماید.

و در صورتیکه، راجع به قضیه فلسطین، مباحثی مطرح گردد، «دعوت اسلامی» مسئولیت شرعی دارد که در خلال آن، بر روی شکست سخت نظامهای حاکم، در مورد، آماده سازی مادی و معنوی امت اسلامی برای جهاد در راه خدا و بازگرداندن، سرزمینهای اشغالی بسیار تاکید کند، و بیشتر از آن، حرکت آن نظامها را بر حول محور،

قدرتهای استعماری شرقی و غربی، بیش از پیش برای همه روشن کند. و مکلف است با تمام توان و اطمینان در گفتار و رفتار نشان دهد که برای آماده ساختن مسلمانان، و فراهم آوردن امکانات مقابله با همه دشمنیها و بدست آوردن پیروزی در همه زمینه ها، اسلام تنها راه و آخرین چاره می باشد.

میدانهای عملی و ارکان و ارزشها و پایگاههای فکری نظامهای جاهلی حاکم، لازم است بدون وقفه مورد هجوم همه جانبه، حرکت جهانی اسلام قرار گیرد و آنها را با اسلحه های کاری و دقیق خود هدف قرار دهد.

واز هر کاری که، زمینه ادامه حیاتش را فراهم می آورد جدا باید خودداری شود و هر عملی در رابطه با آن، لازم است همچون میخی تن پاره اش را پاره تر نماید و هر گامی که برداشته می شود باید در راستای زوال آن انجام شود و بهانه ای برای بقائش نباشد.

راه و سنت رسول خدا - صلی الله علیه وسلم -

برای شناخت بیشتر و روشن شدن میزان سازگاری اهداف و طبیعت روش اسلامی با سنت و نوع عمل رسول خدا، لازم است، نگاهی عمیق و محققانه به آن بیندازیم.

حقیقت آن است که، روش رسول خدا و نوع عمل ایشان، با همه ویژگیها و جزئیاتش، اساسی است که، در هر زمان و مکانی، سیر حرکت دعوات و خدمتگزاران به اسلام باید بر مبنای آن تنظیم و اداره شود.

سنت رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در «عمل و دعوت اسلامی» سالمترین روش را ارائه می کند، و فن و شیوه صحیح برخورد با مردم را معلوم نموده و همچنین، چگونگی مقابله با جامعه های جاهلی

وبرچیده کردن آنها را مشخص کرده است.
ویژگیها و علائم بر جسته طریقه و روش رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - را در ضمن، جملاتی مختصر می توان مشخص کرد.
اولاً: قبل از هر چیز، فرمانبرداری تنها از خدا بدون هر گونه ظاهر سازی و پرده پوشی اعلان بشود تا هدف معین باشد. تا هم چنانکه در ذهن دعوتگران روشن است، برای دیگران هم معلوم گردد.

(لَيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ)^۱

«تا خدا ناپاک را از پاک از هم جدا سازد.»

به شکلهای گوناگونی، در وحی فرود آمده برای رسول خدا ﷺ این اعلان وجود دارد. و همه آنها بر روی یک معنی خاص تاکید دارند، و آن فرمانبرداری مردم در همه امور زندگی برای خداوند است و عبودیت او در فرمانروائی و فریادرسی «الوهیت» و در پذیرش حقانیت «ربوبیت» او واقعیت پیدا کند.

رسول خدا | و یاران وفادارش، بدترین انواع شکنجه ها و آزارها را بدون آنکه، کمترین عقب نشینی را بپذیرند، و یا در تحمل بار عقیده و دعوت مردم به پذیرش آن، کم ارزشترین امتیازی را بدهند. متحمل شدند.

قرآن می فرماید :

(قُلْ يَتَّيِّبُهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عِبِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عِبِدُونَ مَّا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ)^۲

1- سوره انفال آیه 37 .

2- سوره کافرون .

«به کفار بگو که آنچه را شما پرستش می کنید، من پرستش نخواهم کرد. و شما هم اطاعت گذار آنکه من عبادتش را انجام می دهم نیستید. من هم عبادتگر آنچه شما پرستیده اید نیستم، و همچنین شما هم طاعت گذار آنکه من عبادتش را انجام می دهم نیستید. دینتان برای خودتان و دین من همنه برای خودم»

بنابراین «حق» شایسته ترین چیزی است که، از آن پیروی شود، هر چند در مقابل آن بهای زیادی هم پرداخته شود.

(وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ)^۱

«بگو آنچه از طرف پروردگارتان آمده حق است، هر که می خواهد باور کند و هر کس هم که می خواهد انکار کند، مختار است.»

دوم: ایجاد هماهنگی و تشکل در بین جمعی از انسان های تلاشگر و فعال که بوسیله عقائد و ایمان دارای ارتباطی مستحکم با خدا بوده و در تنظیم و تشکل، از رهبریتی آگاه پیروی، و در مسیر هدایت و نور پیش بروند..

جمعی فعال که، بدون بررسی قدم در راهی نگذارند، و جریانات حاشیه ای و کم ارزش، از حرکت و تلاش آنها در راستای رسیدن به اهداف مهم اسلامی، جلوگیری نکند.

جمعی تلاشگر، که، سرنوشت خود را به سرنوشت اسلام پیوند داده و از همه، توجهات و تعلقات شخصی و مادی و مقطعی، فراتر روند.

جمعی که، خانه، (ارقم بن ارقم) شاهد ولادت آن بود، و ایمان در اعماق درون آنها ریشه دوانیده، و میدان های مبارزه در «بدر» وقادسیه

ویرموک، مجاهدات وفداکاریهای آنان را گزارش می کنند. صفحات تاریخ، از قهرمانیهای آنان حکایتها دارد، جمعی که، تربیت شده مدرسه رسول خدا بوده وبوسیله آنها، درهای دنیای آن روز را خداوند، در زیر پای سعادت آفرین دعوت اسلامی گشود. «اینها گذشتگان من هستند، مگر می توانی همانند آنها را بیاوری؟»

سوم: مقابله همه جانبه وگسترده وآگانه با، جاهلیت : رسول خدا | بخوبی می دانست که، بدون تحولی اساسی در زندگی مردم، در افکار وباورها، نوع زندگی و فرهنگ، ونظام های مختلف سیاسی، اقتصادی و... وقوانین، هیچگاه اسلام به اهداف خود دست نخواهد یافت.

وآماده سازی مادی ومعنوی، پیشگامانی مومن ومتعهد، ومتناسب وهمهانگ، با سنگینی بار مسئولیت وسختی مبارزه وبزرگی اهداف، شرط اصلی پیروزی در آن میدان وسیع مقابله است.

وشرط اساسی آن آماده سازی هم این است که، کلی وهمه جانبه بوده وکلیه جوانب، تربیت،عبادت، اندیشه، فرهنگ، تشکیلات، برنامه ریزی را در برگیرد وهم چنین بوسائل مختلف، وتمرین، آمادگی وجسمی وروحي خود را حفظ نماید. همه آن جوانب هم بحسب اولویت واهمیت آن ودر زمان ومكان مناسب از نظر، چگونگی و مقدار، در مراحل عمل مورد توجه قرار گیرند.

جایگاه «توانائی» در استراتژی حرکت.

در اینجا لازم است به، نقش «قوت» وامكانات در استراتژی عمل اسلامی اشاره ای بشود، تا ناآگاهی وسردرگمی باعث نشود که، کسانی آن را همه چیز به حساب آورند وبعضی دیگر، هیچ ارزشی را برای آن قائل نشوند.

امام شهید حسن البنا، رحمه الله تعالى علیه، نقش «توانائیهای» مادی در استراتیژی «حرکت اسلامی» را به این صورت بیان فرموده است.

«برای بسیاری از مردم این سوال وجود دارد که، آیا حرکت اسلامی در اندیشه استفاده از قدرت برای دست یابی به اهداف خود هست یا نه؟»

و آیا برای براندازی، نظامهای سیاسی واجتماعی حاکم، در فکر، براه انداختن، انقلابی عمومی می باشد یا خیر؟

نمی خواهم، کسانی را که، این سوال برایشان مطرح شده، در سرگردانی رها کنم. بلکه برای کنار کشیدن پرده از روی واقعیات از این استفاده می کنم، و در نهایت وضوح و روشنی، به آن جواب خواهم داد. و لازم است، بدرستی گوش فرا دهند. در همه، برنامه ها و قوانین، شعار اسلام، «قدرت و نیرومندی» است قرآن کریم با بیانی بسیار روشن اعلام می دارد که :

(وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ)^۱

«هر نوع قوت و امکاناتی را که برایتان امکان دارد، از، اسبان چالاک و برای مقابله و در وحشت انداختن دشمنان خدا و خودتان، فراهم نمائید.»

رسول گرامی اسلام می فرماید:

(الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ ...)^۲

1- . سوره انفال آیه 60 .

2- صحیح مسلم - (13 / 142) باب فی الأمر بالقوه و ترک الضعف ، عن ابی هريره ا

«نزد خداوند، مومن توانا بهتر و محبوبتر است از، مومن ضعیف.»
حتی در دعاییکه، نمایشگر، تسلیم و اظهار نیاز بدرگاه خداوند است،
«قوت»، شعار اسلام می باشد... برای مثال به این دعا که رسول خدا،
خود می خواند و آن را بیارانش یاد می داد، توجه کنید.
**اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ
وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ
الرِّجَالِ**

» خداوند، از، نگرانی و غمگینی، ناتوانی و تنبلی، ترس و خودخواهی
و بخل، و سنگینی بارگران بدهکاری، و خشم دیگران، تنها به تو پناه می
برم.»

تنها از کسانی انتظار خیر را داشته باشید که، در همه امورشان،
نیرومند و توانا بوده و شعار دائمی آنها توانمندی همه جانبه است.
ضرورت دارد که، برادران مسلمان دعوتگر، بخصوص گرویدگان به
دعوت «اخوان المسلمین» توانا و پر انرژی باشند و در تلاشهای خود با
قدرت پیش بروند.

الحمدلله، «حرکت اسلامی» در افکار و دیدگاهها، بسیار قویتر
و ژرفنگرتر از آن است که، کارهای روبنایی، و اندیشه هایی کم ارزش، آن
را از مسیر خویش منحرف نماید، و بدون بررسی عمیق و توجه به اثرات
و نتایج و هدفهای مورد نظر آنها را بپذیرد. «حرکت اسلامی» بدرستی
آگاه است که، اولین و اساسی ترین مرحله «قوت» قوت در «عقیده
و ایمان» و بدنبال آن، نیرومندی، «انسجام و وحدت» بوده و بعد از آن،

1- سنن أبي داود - (4 / 353) باب في
الإستعاذة عن أبي سعيد الخدري

توانائیهای «نظامی» وامکانات مادی مطرح است.

هرگاه، همه آن موارد بصورتی هماهنگ وبمیزان مطلوب، در جماعتی واقعیت پیدا نمود، می توان آن را جماعتی توانا وقدرتمند بحساب آورد. اما در شرائطی که، ارکان آن از هم گسیخته، وهماهنگی اش بهم ریخته باشد واز ضعف عقیده وفروکش نمودن نیروی ایمان، در رنج باشد، اقدام به جنگ مسلحانه واستفاده از نیروی نظامی، نتیجه ای بغیر از نابودی وسرکوب را در بر نخواهد داشت !.

این از یک نظر، اما از دیدگاه دیگر، با توجه به اینکه، شعار اسلام، در همه امور قوت وتوانمندی است، آیا در هر گونه شرائطی به بهره گیری از قدرت مادی واسلحه، سفارش نموده است؟ یا اینکه، شروط وحدودی را برای آن در نظر گرفته، وآن را در کانال خاصی جهت داده است؟ ودیدگاه دیگر این است که، آیا اقدام مسلحانه اولین راه حل است؟ وآیا ضرورت ندارد که راجع به نتایج، استفاده از نیروی مسلح، بررسی کاملی صورت گیرد ومنفعت وضرر آن با هم مقایسه شوند؟ وشرائط ومحیط اجتماعی آن به درستی مورد مطالعه قرار گیرد؟ یا اینکه، از قدرت اسلحه باید استفاده کرد وهیچیک از آن موارد را نباید با اهمیت شمرد، نتیجه هم هر چه می خواهد باشد.

پیش از استفاده از اسلحه وبراه انداختن جنگ نظامی، این ها دیدگاههای «حرکت اسلامی» است،- باید متوجه باشیم- که انقلاب وشوراندن مردم هم، یکی از مظاهر ونمودهای اساسی بهره گیری از«قدرت» است. وحرکت اسلامی راجع به آن دارای نظرات بسیار دقیق وحساب شده ای می باشد»

حسن البنا.



فصل هفتم
آگاهی از، شرائط، «بیعت و عضویت»

الف: کیفیت یا کمیت.

ب: حکم شرعی «بیعت».

ج: حکم شرعی، التزام و فرمان پذیری.

د: ارکان «بیعت».

ه: وظائف و مسئولیتها.



ضرورت آگاهی به شرائط بیعت و عضویت

با قرار گرفتن مسلمانی در صفی از صف های «حرکت اسلامی»: این امکان برایش فراهم خواهد گردید که، در «عمل اسلامی» همکاری کند، البته تحت شرایط خاصی و آن اینکه، واقعیت تلخ واسف باری که امت اسلامی در آن بسر می برد، احساس نموده، و سر این سقوط و حرکت در سراشیبی را دریابد، و ضرورت، احیاء و برانگیختن و نجات امت اسلامی را مسئولیتی اساسی بداند و برای عروج آن در آسمان، انسانیت و تمدن و اخلاق و فضیلت وارد عمل گردیده و به ملزومات و شرائط چنین عمل و تلاشی که، تسلیم همه جانبه به، ارزشها و احکام اسلامی است پایبند بماند...

الف: کیفیت، یا کمیت.

بسیار عادی و طبیعی است که، «حرکت اسلامی» برای استحکام صف دعوتگران و بیشتر گرداندن افراد، از روشهای مختلف شرعی استفاده کند... اما این برنامه بدان معنی نیست که، بهر صورت ممکن شد، بدنبال، جمع آوری هوادار هر چه بیشتر باشد - همه می دانیم - که نوعیت و چگونگی بسیار مهمتر از، کمیت و تعداد و مقدار است. اینکه «دعوت اسلامی» سعی لازم را برای، تربیت و رشد شخص، بکار گیرد و به این امید که، او جایگاه مناسب خود را در بین جماعت بیابد و در حد توان خویش، بخشی از مسئولیتها را بر دوش گیرد، کاری طبیعی و عادی بحساب می آید... اما اینکه، فردی در تمام طول عمر،

باری بر دوش جماعت باشد، کار درستی نیست و در واقع، بهدر دادن استعدادها بوده و ندانم کاری در عمل محسوب می گردد.

پیش می آید که، فردی از افراد جماعت، خود «امتی» است و امواج خروشان از فهم و عمل اسلامی، - و ممکن است فرد دیگری هم، باری بر دوش باشد، آنهم نه باری مفید و با ارزش، بلکه، مضر و بی قیمت، و در واقع، بحساب نیاوردنش بسیار بهتر و صحیحتر... در این زمینه، درسهای فراوانی وجود دارد که، می توان از آنها، استفاده نمود و پند گرفت...

قرآن می فرماید:

(لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ)^۱

«بی تردید خدا شما را در عرصه های بسیار یاری کرد و [به ویژه] روز [نبرد] حنین ، آن زمان که فزونی افرادتان شما را مغرور و شگفت زده کرد ، ولی [فزونی عدد] چیزی از خطر را از شما برطرف نکرد ، و زمین با همه وسعت و فراخی اش بر شما تنگ شد ، سپس پشت به دشمن از عرصه نبرد گریختید .»

کثرت و بسیاری افراد در مقایسه با تعدادی کم اما، مزین بمعرفت خدا، وثابت قدم واز همه چیز گذشته، در اولویت قرار دارند. فراوانی افراد، بعضی اوقات خود عامل اصلی شکست و عقب نشینی است، زیرا بعضی از کسانی که، با روح و حقیقت اسلام، آشنائی چندانی ندارند. و اگر هم از آگاهی محدودی بر خوردارند، چنان که باید متعهد و ملتزم

به آن نیستند. در لحظات سخت گامهایشان ناتوان و تن شان لرزان شده، و در نتیجه، زمینه در هم ریختگی و شکست معنوی و عملی را فراهم می سازند.

به همین خاطر، در راستای آگاهی از امکانات بشری قبل از شروع به هر گونه عمل دیگر، بررسی شخصیت افراد و بارآوردن مطلوب آنها، عاملی اساسی از عوامل سلامت و قوت «حرکت» خواهد بود. این قضیه هم بدان معنی نیست که، حرکت نسبت به دیگران بخصوص آنهایی که در صف جماعت قرار دارند، بی تفاوت باشد، بلکه، با بهره گیری از آگاهی بخشی و پرورش، در جهت بوجود آوردن، ایثارگرانی استوار، مدام باید در تلاش باشد.

ب: حکم شرعی «بیعت».

در واقع «بیعت» بمعنی تعهد و پیمانی است در جهت التزام و فرمان پذیری، بدینسان که، شخص بیعت کننده با امیر و بزرگ خود پیمان می بندد که، در امور خود و مسلمین، رای و تصمیم را به او واگذار نماید، و در این رابطه با او سرکشی و مناقشه نکند، و در هر گونه شرائط سازگار و ناسازگاری، به دستورات او عمل نماید.^(۱)

«بیعت» یکی از امور عملی شده در زندگی رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - بوده و بارها در حیات خود، با مسلمانان آن را انجام می داده است. و برای مثال می توان به بیعت عقبه اول و دوم و بیعت الرضوان اشاره کرد. و پس از رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - هم ادامه داشته و مسلمانان هم با مسئولین امور خود انجام می داده اند.

1- مقدمه ابن خلدوان

امام بخاری از عبادۀ فرزند صامت، نقل می فرماید که:
 با رسول الله ﷺ بیعت نمودیم، و بیعتمان با او در ارتباط با موارد زیر بود. پذیرش و فرمانبرداری، در شرائط مطلوب و نامطلوب،... با خبرگان و متخصصین درگیر نشده و مجادله ننمائیم. و اینکه در هر نقطه و مکان حق را بگوئیم و از ملامت هیچ ملامت گری نترسیم.^(۱)
 صدیق حسن خان در کتاب «دین خالص» ج 3 ص 137 می گوید: «به این حدیث می شود استدلال نمود که، درخواست مبايعت از طرف اصحاب - و مردم- سنت، و وفاء به آن واجب و نقص و شکستن عمومی عهدش گناه می باشد.»

ابن حجر عسقلانی، در توضیح این حدیث می فرماید: «منشط و مکره» در اینجا به این معنی است که: نسبت به آن امر علاقه مند و خوشحال، و یا از اداء و انجام دادن آن ناتوان باشیم.
 داودی هم نظرش آن است که، منظور از مکره. چیزهایی است که نسبت به آنها بی علاقه بوده و برایمان ناگوار باشد.
 ابن اتین هم بر این رای می باشد که، منظور از مکره، اموری هستند که بهنگام، ناتوانی وضعف قرار است انجام پذیرند. یا اینکه، عملی نمودنشان سخت و دشوار باشد.^(۲)

-
- 1- عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ بَايَعَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ فِي الْمَنْشَطِ وَالْمَكْرَهِ وَأَنْ لَا تُنَازَعَ الْأَمْرَ أَهْلُهُ وَأَنْ نَقُومَ أَوْ نَقُولَ بِالْحَقِّ حَيْثُمَا كُنَّا لَا نَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّا ئِمٍ صحیح بخاری: باب الفتن
- 2- فتح الباری ج 13 ص 6

ابن جزری مالکی، بر این اعتقاد است که، «قیام مسلحانه و طغیان بر علیه مسئولین اموری، که از خود مسلمانان باشند، روا نیست، مگر آنکه، آشکارا مرتکب کفر گردند، و در همه اموری که انسان نسبت به آن ها علاقه مند، یا بی علاقه باشد آنها را باید اطاعت نماید، مگر آنکه، به گناه و نافرمانی خدا فرمان بدهند در این صورت نباید از آنها اطاعت کرد، زیرا در نافرمانی خالق خلق را نباید فرمانبرداری نمود.»^(۱)

لازم است که، برادران دعوتگر و صادق در برخورد با مسئولین و رهبران. «دعوت اسلامی» موارد گفته شده را جدا مراعات نموده و آنها را بر خود واجب بدانند. و اندیشمندتر و بزرگوارتر از آن باشند که، نیرو و وقت خود را برای، آگاهی و افشاء، عیب و اشتباهات برادرانشان، بکار گیرند، زیرا «حسن ظن» یکی از اصول واجب در دین بوده و مراعاتش بسیار ضروری است. و روشهای حزبی- در عیبجوئی و تجسس احوال افراد- بدور از تقوی و دین بوده. و بدعت و گمراهی است.

ج: حکم شرعی، اطاعت و فرمان پذیری:

اطاعت بمعنی، اجرای دستورات است، اگر اطاعت عملی نگردد، معصیت و مصیبت جای آن را خواهد گرفت... بعضی اوقات، زمینه سازی برای گرفتاری و گناه و اهل ایمان پوشیده می ماند، و زمانی متوجه آن می شود که، نتایج آن عملاً ظاهر شوند. بهمین خاطر بسیار ضرورت دارد که، مواظب، گفتار و کردار و موضعگیری و قضاوتهایشان باشند، تا برای اهل ایمان، زحمت و گرفتاری نیافرینند.

اطاعت از، مسئولین دعوت و حرکت و حکومت اسلامی، بشرطیکه نافرمانی

خدا و رسول او نباشد، واجب است. دلیل آن هم این آیه قرآن است که :
 (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا)¹

«از خدا و فرستاده او و مسئولین اموری که از خود شما هستند، اطاعت نمائید. چنانچه راجع به چیزی میان شما اختلاف روی داد، به خدا و رسول او - قرآن و سنت - مراجعه نمائید. اگر به خدا و قیامت باور دارید، این برای شما بهتر و پسندیده ترین کار است و مناسبترین مراجعه به مرجع مطمئن.»

از ابوهریره (رض) نقل گردیده است که:
 أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ أَطَاعَ أَمِيرِي فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَى أَمِيرِي فَقَدْ عَصَانِي²

رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرموده است. «هر که مرا فرمانبرداری کند، خدا را فرمانبرداری نموده، و هر کس مرا نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است. و هر کس مسئولی را که من تعیین کرده ام اطاعت نماید مرا اطاعت نموده و هر که، او را فرمانبرداری نکند مرا فرمانبرداری نکرده است.»

امام بخاری از حضرت انس بن مالک (رض) نقل می نماید که:
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَإِنْ اسْتَعْمِلَ

- 1- . سورة نساء آیه 59 .
- 2- صحيح البخاري - (22 / 42) باب قول الله تعالى و اطيعوا الله و ...

عَلَيْكُمْ عَبْدُ حَبَشِيٍّ كَأَنَّ رَأْسَهُ زَبِيَّةٌ 1

رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:
« اگر برده ای سیاه پوست را هم، امیر و مسئول شما قرار دادند، باید از او اطاعت کنید. »

هم چنین از ابن عباس نقل می کنند که:
قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَكَرِهَهُ فَلْيَصْبِرْ فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يُفَارِقُ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا فَيَمُوتَ إِلَّا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً 2

و في رواية : فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ

پیامبر بزرگوار اسلام - صلی الله علیه وسلم - فرموده است
«اگر کسی از امیر و مسئول خود، چیز ناپسند را دید، تحمل نماید. زیرا هر کس، به اندازه یک وجب از جماعت جدا شود، و در آن حال بمیرد، مرگ او مرگی است در «جاهلیت» و در روایت دیگر فرموده است.» گردنبنند گرویدن به اسلام را از گردن خود برکنده است.»

امام بخاری از عبدالله پسر عمر آ روایت می نماید که:
عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ فِيمَا أَحَبَّ وَكَرِهَ مَا لَمْ يُؤْمَرْ بِمَعْصِيَةٍ فَإِذَا أُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ 3

-
- 3- صحیح البخاری (50/22) باب السمع و الطاعة للإمام ما لم يأمر ...
1- صحیح البخاری (22 / 51) باب السمع و الطاعة للإمام ما لم يأمر
2- نفس المصدر

رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرموده است. «در امور خوش آیند و ناخوشایند، باید فرمانبردار بود. مگر آنکه، به چیزی او را مامور کنند که گناه و نافرمانی خدا باشد. در این صورت اطاعت و التزام مطرح نمی باشد.»

امام بخاری از حضرت عمر بن خطاب (رض) روایت می کند که:
 إِنَّ أَنَسًا كَانَ يُؤْخَذُونَ بِالْوَحْيِ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِنَّ الْوَحْيَ قَدْ انْقَطَعَ وَإِنَّمَا نَأْخُذُكُمْ الْآنَ بِمَا ظَهَرَ لَنَا مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَمَنْ أَظْهَرَ لَنَا خَيْرًا أَمِنَاهُ وَقَرَّبْنَاهُ وَلَيْسَ إِلَيْنَا مِنْ سَرِيرَتِهِ شَيْءٌ اللَّهُ يُحَاسِبُهُ فِي سَرِيرَتِهِ وَمَنْ أَظْهَرَ لَنَا سُوءًا لَمْ نَأْمَنْهُ وَلَمْ نُصَدِّقْهُ وَإِنْ قَالَ إِنَّ سَرِيرَتَهُ حَسَنٌ^۱

ایشان فرموده اند؛ در زمان رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - مردم به آیات قرآن و وحی مراجعه می کردند، و اکنون وحی قطع گردیده است. در مورد شما ما، ملاک را ظاهر اعمالتان قرار می دهیم، هر کسی ظاهر اعمالش خوب و شرعی باشد، کاری به درون و اسرار او نداریم، او در مصئونیت بوده و برادر ماست. و حساب اسرار او با خداست.... و ظاهر کردار هر کس هم بدو خلاف شریعت باشد، از او گذشت نخواهیم نمود، و کارهای او را تایید نمی نمائیم. هر چند که، بگویند، نیت و قصد او درست و خوب بوده است^(۲)»

- 1- صحیح البخاری - (9 / 118) باب الشهداء العدول
 2- صحیح امام بخاری: ج 9 ص 209

د: ارکان و اصول «بیعت».

گرویدن به «حرکت جهانی اسلام» در واقع همان پذیرش اسلام، و طلوع فجر جدیدی در ارتباط با خداوند و پیمان عمل و جهاد در راه اوست.

امام شهید حسن البنا (رض) ارکان بیعت را بطور خلاصه این گونه بیان می فرماید: «بیعت و پیمان «بودن با ما، بر ده اصل استوار است. لازم است، آنها را خوب بدانید و در عمل مراعات نمائید.

1- معرفت و شناخت.

2- اخلاص.

3- عمل.

4- جهاد.

5- از خودگذشتگی.

6- فرمانبرداری.

7- استقامت.

8- پرهیز از، افکار و احزاب غیر اسلامی.

9- برادری.

10 - اطمینان و حسن ظن به رهبری .

امام شهید، هر یک از این اصول را این گونه توضیح می فرماید:

اول: معرفت و شناخت.

در مورد افکار و آرمان ما این اطمینان را پیدا کند که همان روح و حقیقت اسلام است. و اسلام را بدانصورت که ما فهمیده ایم، در محدوده اصولی بیست گانه که بطور بسیار مختصر گفته خواهد شد. فهم بنماید.

- 1- اسلام نظام و دستور العملی دربرگیرنده برای اداره همه امور مادی و معنوی زندگی می باشد.
- 2- در جهت آگاهی به احکام اسلام، «قرآن و سنت» مرجع هر مسلمانی است.
- 3- نتیجه، ایمان آگاهانه و صادقانه، و عبادت صحیح، و مجاهدت، نور و شیرینی خاصی است که، خداوند در قلوب هر یک از بندگان که بخواهد بوجود می آورد. اما ادعای آگاهی از نهانیها، رویا، والهام و آنچه در دل نمود پیدا می کنند، دارای هیچ ارزش و اعتباری نیستند مگر آنکه، با احکام و اصول اسلامی هیچگونه مخالفتی نداشته باشند.
- 4- مواردی همچون، دعای دفع جن و چشم بد، جادو و افسونگری، آویختن مهره و... - برای جلب نفع یا دفع ضرر- کف بینی، ادعای آگاهی از اسرار و فالگیری و... حرام و معصیت است و با آنها باید مقابله بشود... مگر آنکه، آیه ای از قرآن یا دعای نقل شده ای از رسول خدا باشد.
- 5- راجع به امور اجتهادی و چند پهلوه که در قرآن حکمی در موردشان نیامده است، رأی رهبر مسلمانان و جانشین او، مورد قبول و عمل می باشد. مگر آنکه با حکم و اصل شرعی تضاد داشته باشد.
- 6- بغیر از معصوم «رسول خدا | رأی و کلام هر کسی را می توان قبول یا رد کرد.
- 7- هر مسلمانی که، به درجه اجتهاد و بیرون آوردن دستورات دین از منابع اصلی «قرآن و سنت و...» نرسیده باید به یکی از رهبران و ائمه دین اقتداء کند.
- 8- اختلاف نظر در مسائل فرعی و جانبی فقهی، نباید عامل. ایجاد صف بندی مسلمانان در مقابل یکدیگر و نزاع و درگیری بشود.

- 9- کنجکاوی و مجادله در مورد مسائل غیر عملی، مسئولیت تراشی و در دسر درست کردن است که از آن بشدت نهی شده است.
- 10- مهمترین وارزشمندترین، افکار و عقائد اسلامی، شناخت خداوند - از طریق نشانه ها و دلائل و اسماء و صفات - و «توحید» - نفی عبودیت و استعانت از غیر - است.
- به آیات و احادیثی که راجع به صفات خداوند وجود دارند. بدون تاویل و توجیه و اهمال معنی، ایمان داریم.
- 11- هر گونه اضافه یا کم کردن به احکام دینی که براساس دلیل و اصلی معتبر نباشد، بدعت و حرام بوده و باید با آن بهترین و مناسبترین وسیله مقابله گردد.
- 12- در مورد اضافه یا کم نمودن به عبادات مستحب، و پایبندی به نوعی خاص از عبادات اختلاف نظر فقهی وجود دارد، و برای کشف حقیقت، مانعی ندارد که، بحث و مجادله همراه با دلیل صورت پذیرد.
- 13- محبت و احترام به نیک مردان، و تمجید و ستایش از آنها، بخاطر نیکوکاریشان و صرفا بخاطر رضایت خداوند، دارای اجر و پاداش می باشد.
- 14- دیدار از قبرستان متعلق به هر کسی که باشد - با هدف یادآوری مرگ و قیامت - و با رعایت شیوه مشروع، سنت و مطلوب است.
- 15- در مورد دعا و درخواست از خداوند، بصورت واسطه قرار دادن یکی از مخلوقات و بحاجت آوردن آنها درگاه او. اختلاف نظر فقهی وجود دارد، و قضیه به کیفیت دعا برمی گردد و ربطی به مسائل عقیدتی ندارد.
- 16- حقائق و پذیرفته شده های الفاظ و معانی شرعی را نباید فدای «عرف» نادرست نمود.
- 17- اساس و پایه همه کردارها، «عقیده»، بوده و عمل «قلب»

مهمتر از عمل ظاهری است. و هر چند میان این دو نوع عمل تفاوت بسیار است، اما، بدنبال رشد و تکامل هر دوی آنها بودن شرعا مسئله ای لازم و مطلوب می باشد.

18- اسلام «عقل» را از اسارت آزاد نموده، و آن را به «تفکر» در پدیده ها ترغیب می کند. منزلت «علم» و علماء را بسیار گرامی می دارد. و در همه امور آنچه را که، دارای منفعت و خیر است تایید می کند.

19- مواردی پیش می آید که دو دیدگاه «شرعی» و «عملی» پا را از محدوده خود فراتر نهاده و وارد قلمرو دیگری می گردند. اما در مسائل قطعی و یقینی با هم اختلاف نخواهند داشت. بدین معنی که، هیچگاه، حقیقتی علمی و صحیح، با اصل شرعی ثابتی، برخورد و تضاد پیدا نخواهند کرد. اما چنانچه- چنین اختلافی روی داد، هر یک را که «ظنی» باشد توجیه و تاویل نموده و آن را تابع، آن طرفی که «قطعی» است می گردانیم در صورتیکه هر دوی آنها «ظنی» بودند، دیدگاه فقهی در پذیرش و پیروی اولویت دارد، تا وقتیکه دیدگاه علمی، ثابت شده یا بی اعتباریش مشخص شود.

20- هر کس را که، «الوهیت» و فرمانروائی و فریاد رسی خداوند و دعوت و رسالت حضرت محمد ﷺ مَقْرُومِعترف باشد، و بر مبنا و خواسته آنها عمل کند، واجبات را انجام دهد متهم به کفری نمی کنیم، مگر آنکه، سخن و عملی از او سر بزند که بجز کفر معنای دیگری نداشته باشد.

دوم: اخلاص

بدین معنی که، هدف دعوتگران از گفتار و رفتار و مجاهداتشان

چیزی بجز رضایت خدا نبوده و هیچگونه چشمداشتی به مال و مقام و شهرت و.... نداشته باشند تنها در این صورت است که او همچون سربازی در اختیار آرمان و عقیده خواهد بود، و برده هواپرستی و منفعت طلبی نخواهد شد.

سوم: «عمل».

- منظور از «عمل»، تلاش همه جانبه در راستای اهداف زیر است.
- 1- اصلاح اندیشه و اخلاق و سلوک انسانها.
 - 2- تربیت و تشکیل خانواده اسلامی.
 - 3- هدایت و ارشاد جامعه.
 - 4- آزاد سازی، سرزمینها اسلامی.
 - 5- اصلاح حکومتها تا زمانی که به حقیقت اسلامی شوند.
 - 6- بازگرداندن، ماهیت و وجود بین المللی برای «امت اسلامی».
 - 7- ارائه الگو و رهبریت جهانی بوسیله نشر «دعوت اسلامی» تا زمانی که، قانون و نظام مورد پسند خدا بر همه جامعه ها حاکم گردد، و فتنه و فساد باقی نماند.

چهارم: جهاد:

جهاد همان واجب و مسئولیت ماندنی تا روز قیامت است. و چیزی که مورد نظر رسول خدا | در این حدیث می باشد. که:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهٖ نَفْسَهُ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِّنْ نِّفَاقٍ^۱

«هر کسی که با دشمنان دین مقابله و جهاد ننموده و قصد آن را هم نداشته باشد مرگ او در آن وضعیت مرگی است در جاهلیت.»

پنجم: از خود گذشتگی.

زمانی فداکاری و از خودگذشتگی واقعیت خارجی دارد که، جان و مال و همه چیز را در جهت تحقق اهداف بخدمت درآوریم.

ششم: فرمانبرداری.

بدین معنی که، همه دستوراتی را که هر چند خوش آیند یا ناخوش آیند باشند، و در وضعیت سخت و ناگوار و یا عادی بما داده می شود، با رغبت و رضایت انجام دهیم.

هفتم: استقامت.

هر چند زمان به درازا هم بکشد و سالها بر دعوت سپری گردد. تا آخرین لحظات زندگی و رسیدن به یکی از دو هدف ارزشمند - شهادت یا پیروزی - از جهاد و تلاش همه جانبه کوتاهی نکنیم.

هشتم: پرهیز از افکار و احزاب غیر اسلامی.

از همه اشخاص و اندیشه ها و احزاب بکلی باید بریده شود. و صادقانه بخدمت فکر و دعوت ارزشمند و فراگیر اسلامی درآمد.

قرآن می فرماید: (صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً وَخُنُّ لَهُ عَبِيدُونَ)^۱

[به یهود و نصاری بگوئید : [رنگ خدا را] که اسلام است ، انتخاب

کنید [و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست ؟ و ما فقط پرستش کنندگان اویم .

نهم: برادری.

همه قلبها واحساسها لازم است بوسیله، ریسمان «عقیده» که محکمترین و ارزشمندترین وسیله ارتباطی است، بهم پیوسته باشند.

دهم : اطمینان و حسن ظن به رهبری .

اطمینان و آگاهی سربازان دعوت اسلامی، از، شایستگی و اخلاص، رهبر و مرشد خویش، آن هم اطمینان همراه با محبت و احترام فرمانبرداری، بسیار ضروری و حیاتی است.

مسئولیت‌های سربازان «دعوت اسلامی»

اما شهید حسن البنا، مسئولیت‌های دعوتگران ا «حرکت جهانی اسلام» را در «رساله التعالیم» بصورت کوتاه بیان فرموده است، اصولی که، با همه جوانب زندگی فردی خانوادگی و اجتماعی انسان در ارتباط مستقیم می باشد.

ایشان می فرمایند، ایمان و اعتقاد شما برادران به این «بیعت» و پیمان، به معنی احساس مسئولیت و التزام به مسئولیت‌های زیر است، تا بتوانی در برپائی کاخ با عظمت اسلام نقشی را ایفا نمائی.

1- در رابطه با قرائت قرآن، برنامه روزانه ای را در حد یک جزء داشته باشی. البته بهتر آن است که، ختم آن از یک ماه بیشتر به طول نیانجامیده و از سه روز هم کمتر نباشد.

2- جهت بهتر نمودن قرائت قرآن، شنیدن و اندیشیدن در معانی

آن تلاش کن، در روش زندگی رسول خدا | و سرگذشت پیشینیان نیکوکار تا جایی که وقت بشما اجازه می دهد. تحقیق و مطالعه کن، و حداقل کتابی که در این زمینه لازم است مطالعه شود، کتاب «حماء الاسلام»^(۱) است. فرموده های رسول خدا را بسیار مطالعه کن، بهتر است حداقل چهل حدیث از احادیث صحیح را حفظ کنی، و اربعین امام نووی (رض) بسیار مطلوب است. مطالعه و مدارسه دو رساله یکی در «اصول عقائد» و دیگری «در اصول فقه»، بسیار ضروری می باشد.

3- برای آگاهی از وضع جسمی و بهداشتی خود آزمایشهای عمومی را فراموش مکن. و چنانچه از مرضی رنج می بری هر چه سریعتر اقدام به معالجه اش بنمائی. از هر وسیله ای برای، ازدیاد توان جسمی و مصئونیت آن بهره گیری کن، و از هر چیزی که مایه ضعف جسمی و در خطر انداختن سلامت و بهداشت بدن می شود. پرهیز بنما.

4- از اسراف در نوشیدن قهوه، چای و دیگر نوشیدنیها، بخصوص آنهایی که تاثیر منفی بر جسم و روان دارند، جداً پرهیز کن، مگر در مواقع ضرورت، و هیچگاه نباید خود را به سیگار عادت دهی.

5- در محل سکونت، لباس، خوراک و بدن، محل کار، و... لازم است نظافت را رعایت کنی، زیرا اساس دین بر نظافت است.

1- برای کسانی که به زبان عربی آشنائی دارند، بهترین کتابها برای مطالعه در سیره رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - عبارتند از: 1- فقه السیره - محمد غزالی. 2- فقه السیره رمضان البوطی، 3- الفقه الحرکی فی السیره، منیر الغضبان 4- الرسول القائد، محمود شیت خطاب

6- هیچگاه زبان خود را به دروغ آلوده ننموده و راستگو باشید.
7- نسبت به وعده و پیمان خود، وفادار بوده و هیچوقت از آن تخلف نکنید.

8- شجاع و بردبار باشید. وبا ارزشترین شجاعت. صراحت در بیان حق، راز نگه داری، اعتراف به اشتباه خود، رعایت عدالت و انصاف، و تسلط بر خویشتن است.

9- وقار و شخصیت خود را در هر شرائطی حفظ کنید و مدام در سخن و عمل خود جدی باشید اما، جدی بودن نباید از، شوخی و مزاح، شرعی و درست و گشاده رویی شما جلوگیری نماید.

10- بسیار با شرم و حیاء و هوشیار و زیرک بوده و نسبت به خوب و بد، بی تفاوت نباشید، - برای خوبیها خوشحال و نسبت به بدیها غمناک شوید- بدون احساس حقارت و ریاء و ترس، متواضع باشید، همیشه کمتر از چیزی که لیاقتش را دارید، بخواهید تا امکان دست یابی به آن را داشته باشید.

11- در هر حال و شرائطی، درست قضاوت نموده و عدالت را رعایت کن ناراحتی از کسی باعث نشود، خوبیهایش را فراموش کنی. و در مقابل دیدن بدیها چشم رضایت را بر هم نگذار. دشمنی با کسی، نباید زیباییهایش را جلو چشمانت نازیبا نشان دهد. حقگو باش هر چند تلخ باشد و به زیان خود و نزدیکترین نزدیکانت تمام شود.

12- بسیار جدی و تلاشگر بوده، و خدمات عمومی را فراموش نکنید. بسیار خوشحال باشید از اینکه، توفیق خدمت و حل مشکل انسانی را پیدا کرده اید. به عیادت افراد مریض بشتابید نیازمندان را یاری دهید ضعفا را دستگیری کنید، بلا زده را اگر تنها به یک کلمه شیرین و پاک هم شده، تسلیت بخشید، و در کارهای خیر پیشقدم

شوید.

13- مهربان وبا محبت وبخشنده وبا گذشت باش، - نسبت به انسان و حیوان، آرام، وبا عطوفت ونرمی رفتار کن، با همه مردم رابطه ای درست وموضعگیری مطلوبی داشته باش. آداب ودستورات اجتماعی اسلام را رعایت کن، با کودکان مهربان وبا بزرگان با ادب باش، در مجالس، برای دیگران جایی را در نظر بگیر. هیچگاه جاسوسی وغیبت مکن وبر سر دیگران فریاد مکش، وبرای رفتن وبرخواستن از منزل دیگران اجازه بخواه...

14- سعی کن خوب قرآن را قرائت نموده، وزیبا بنویسی، وکتابها ومجلات «جماعت اخوان المسلمین» را هر چه بیشتر وبهتر مطالعه کن، برای خود کتابخانه ای هر چند کوچک را فراهم کن، چنانچه در رشته ای کار می کنی سعی کن به مهارت وتخصص دسترسی پیدا کنی به جریانات عمومی اسلامی اهمیت بده وسعی کن چنان از آنها آگاه باشی که بتوانی اظهار نظر نموده وحکم وموضعگیری صحیح وسازگار با باورت را داشته باشی.

15- هر چند بی نیاز هم باشی. بهتر است. شغلی اقتصادی را داشته باشی، کار آزاد را بر کار اداری هر چند ساده هم باشد ترجیح دهید. وهر چند دارای نام ومقام علمی هم باشید. بهتر است خود امور آن را انجام دهید.

16- به کارهای حکومتی، چندان علاقه مند مباش، وآن را محدود ترین درهای روزی بدان، اما اگر بسادگی می توانی به آن دست بیابی بهتر است قبول کنی، واز آن استفاده برده، مگر آنکه با مسئولیتهای دینی ودعوتی شما سازگاری نداشته باشد.

- 17- تلاش کن به مسئولیتهای خود، بصورتی بسیار مطلوب و درست وبدون غل وغش، ودر زمان خود حاصل کنی.
- 18- اگر بر کسی حقی داری، برای دست یابی به آن از بهترین وشرعی ترین روش بهره گیری. وبدون آنکه از تو درخواست شود. حق دیگران را بدون کم وکاست ودر موعد معین اداء کن.
- 19- به هر مقصد وهدفی که باشد، از میگزاری در شکلهای مختلفش پرهیز کن، از تجارت وکاسبی حرام، هر چند سود فراوانی را هم بدنبال داشته باشد خودداری بنما.
- 20- در همه معاملات، دامن خود را به «ربا» آلوده مگردان. وجدا از آن دوری کن.
- 21- با برنامه ریزی برای طرحهای اقتصادی وعام المنفعه، سرمایه های اسلامی را بکار گیرید.(در هر گونه شرائطی باید پول وثروت مسلمانان را از تسلط ودست برد بیگانگان، محفوظ بداری. وبغیر از، تولیدات ممالک اسلامی، برای لباس وخوراک بهره گیری ننمائی.
- 22- بوسیله مساعدتی هر چند ناچیز دعوت اسلامی را یاری ده، زکات اموالت را فراموش مکن، ودر ثروت خود برای، گدایان ومحرومان- هر چند کم وجزئی - حقی را معلوم کن.
- 23- بخشی از دارائیت را برای مواقع ضروری پس انداز کن وهیچگاه بدنبال رفاه طلبی راه پیش مگیر.
- 24- برای احیاء فرهنگ وعادات اسلامی، وریشه کن کردن فرهنگ غیر اسلامی، در همه مظاهر وجوانب زندگی، تا جائی که امکان دارد. تلاش کن.بخصوص در موارد زیر.
- در نوع سلام واحوالپرسی.
- زبان ولغت ونوشتن.

- تاریخ، وتحلیل واقعیتها.
لباس ووسائل زندگی.
روزهای کار وایام تعطیلی.
در خوراک ونوشیدنی.
در رفت وآمد ومهمانی ومسافرت.
در جشن وعزاء و...
در همه مواردی که بیان گردید، مراجعه به سنت مطهر رسول خدا بسیار لازم وضروری است.
- 25- با همه دادگاههای غیر اسلامی، اجتماعات، کنفرانسها، مجلات، کتب، ومدارس ودانشگاهها وهیئنتهای غیر اسلامی، که با فکر واندیشه اسلامی تو سردشمنی دارند، قطع رابطه کن.
- 26- در هر احوال وشرائطی، حضور ونظارت خداوند ومحاسبه در دادگاه آخرت را فراموش نکرده وخود را برای آن آماده سازید. وبا همت واراده، منازل بسوی رضایت خدا را طی کنید، سعی نمائید بوسیله عادات مستحب خود را بیشتر به خدا نزدیک نمائید. بخصوص، نماز شب، ودست کم سه روز، روزه در ماه، اذکار قلبی وزبانی، ودعاهای مأثور وصحیح را فراموش نکنید.
- 27- در طهارت ونظافت جدی بوده وسعی نمایند بیشتر اوقات را وضوء داشته باشید.
- 28- در مورد نماز، تلاش نمائید. آن را بصورتی پسندیده. ودر وقت خود، وحتى الامکان در مسجد وبصورت جماعت اداء کنید.
- 29- ماه رمضان را روزه گرفته، ودر صورت استطاعت حج را انجام دهید وچنانچه، استطاعت مالی نداشتید، تلاش کنید این توانائی را پیدا کنید.

- 30- در هر حال و شرائطی، نیت و روح «جهاد» و محبت «شهادت» را فراموش نکنید، حتی الامکان خود را برای آن آماده نمائید.
- 31- هیچگاه از تجدید توبه و طلب بخشش از خداوند غفلت ننموده، و نه اینکه از گناهان بزرگتر پرهیز نمائید، بلکه خود را از نافرمانیهای کوچکتر هم حفظ کنید. دقائقی قبل از خواب را برای بررسی، اعمال خیر و شر خود در نظر بگیرید. و با توجه به ارزش بسیار عمر، از آن خوب استفاده نمائید و بیهوده آن را بکار نگیرید. از امور مشکوک و نامشخص دوری کنید تا مرتکب حرام نگردید.
- 32- آن چنان، با نفس و کششهای انحرافی خود مقابله کن که، بصورت همه جانبه برای آن تسلط پیدا نمائی، از نگاه کردن به نامحرم جدا پرهیز نموده و بر احساسات و کششهای مادی خود غالب باش، خود را به کار و امور خیر عادت بده، از ارتکاب حرام هر چه باشد، خود را محفوظ کن.
- 33- از کلیه انواع مواد مخدر و مست کننده جدا پرهیز کن.
- 34- از هم نشینی با دوستان ناهل، و اهل فساد، و اماکنی که در آن نافرمانی خدا انجام می شود، دوری کنید.
- 35- نه اینکه به مراکز فساد و گناه نباید رفت و آمد داشته باشی بلکه، حتی الامکان - برای برچیده شدن آنها باید تلاش کنی. و از هر گونه، امور لهو و لعب و باز دارنده از راه خدا، دوری کن.
- 36- سعی کن با دوستان و همکاران خود، آشنائی خصوصی و مطلوب داشته، و خود را نیز بخوبی به آنها معرفی نمائی. و در حق آنان حقوق برادری از قبیل، محبت. احترام، مساعدت، فداکاری را انجام دهید. در اجتماعات و جلسات آنها بجز در مواقع وجود عذری ضروری، حضور پیدا نمائید.

37- با هر نوع هیئت و جماعتی، که بودن با آن در مصلحت جماعت و دعوت اسلامی نیست، بکلی قطع رابطه نمائید، بخصوص وقتی که، در این رابطه بشما امر می شود.

38- در هر شرائطی مسئولیت. تبلیغ و نشر دعوت اسلامی را فراموش نکرده، و مسئولین خود را در مورد وضع خویش کاملاً در جریان قرار دهید. از اقدام بهر کاری که، بر روی کار دعوت اسلامی می تواند موثر واقع شود. بدون اجازه، پرهیز نمائید. مدام با «دعوت و حرکت جهانی اسلام» ارتباط معنوی خود را حفظ کن. و خود را بسان سرباز در سنگری بدان که هر آن در انتظار فرمان است.

حسن البناء.

والسلام علينا وعلى عباد الله الصالحين

پایان

فهرست تفصیلی موضوعات

پیش درآمدبخش نخست	2
فصل اول	3
مسلمان بودن در «عقیده»	3
فصل دوم	17
مسلمان بودن، در «عبادت و بندگی»	17
فصل سوم	34
مسلمان بودن در اخلاق و رفتار.	34

- 35----- ضرورت پایبندی به اخلاق اسلامی
- 39----- صفات و ویژگیهای اخلاقی «مسلمان».
- 39----- دوری از امور «شبهه» و مشکوک.
- 41----- پرهیز از نگاه کردن به نامحرم.
- 42----- حفظ زبان:
- 43----- حیاء و شرم.
- 44----- صبر و شکیبائی.
- 52----- صداقت و درستی.
- 53----- تواضع و فروتنی.
- 54----- دوری از بدگمانی و کنجکاو در امور مخفی دیگران.
- 55----- سخاوت و بخشندهگی.
- 59----- ضرورت پایبندی به مسئولیتهای دینی در خانواده
- 61----- مسئولیت های پیش از ازدواج.
- 64----- مسئولیت پس از ازدواج.
- 67----- مسئولیت مشترک، تربیت اولاد.
- 72----- ضرورت تسلط بر خویشتن.
- 73----- گروه های گوناگون مردم.
- 75----- عوامل پیروزی در جنگ با «نفس».
- 75----- 1- بیداری قلب.
- 77----- 2- عقل :
- 81----- بازتابها و مظاهر، شکست در میدان مبارزه با «نفس»
- 83----- عوامل، بازدارنده از، «تسلط شیطان».

- ایمان داشته باشیم که آینده از اسلام است ----- 90
- «خدائی بودن» قوانین اسلامی. ----- 90
- «جهانی بودن» برنامه اسلام. ----- 90
- برنامه ای «انعطافت پذیر» ----- 91
- برنامه ای: «همه جانبه» ----- 91
- اطمینان به ناتوانی قوانین و برنامه های غیر خدائی ----- 93
- بخش دوم ----- 95
- معنی و مسئولیت گرویدن به «حرکت جهانی اسلام» ----- 95
- مقدمه ----- 96
- زندگی را وقف اسلام باید کرد. ----- 98
- الف: دنیا پرستان. ----- 98
- ب: واماندگان سرگردان: ----- 100
- ج: کسانی که، دنیا را مزرعه آخرت می دانند. ----- 102
- د: چگونه، می شود در خدمت اسلام بود؟ ----- 105
- 1- درک، فلسفه زندگی: ----- 105
- 2 - درک ارزش دنیا، در مقایسه با آخرت: ----- 106
- 3 - یقین به، حتمی بودن مرگ، و پند پذیری از آن: ----- 109
- 4 - آگاهی یافتن به حقیقت اسلام. ----- 112
- 5 - شناخت ماهیت جاهلیت و زندگی غیر دینی: ----- 113
- صفات خدمتگزاران به اسلام. ----- 113
- 1- پایبندی عملی به دستورات اسلام: ----- 113
- 2 - ترجیح مصلحت دین، بر همه امور دیگر: ----- 115

- 3 - افتخار به حق خواهی و اطمینان بخدا:-----116
- 4 - همکاری با خدمتگزاران به اسلام:-----117
- ایمان به وجوب خدمت به اسلام و عمل اسلامی.-----120
- الف: ضرورت عمل اسلامی، از نظر اصولی و بنیادی :-----120
- ب: وجوب «عمل اسلامی» از نظر شرعی:-----123
- ج: وجوبی، زائیده ضروریات و نیازها :-----126
- د: ضرورت تلاش، فردی و گروهی :-----127
- پنجم : من جاهد فإنما یجاهد لنفسه-----130
- اهداف حرکت جهانی اسلام-----138
- ویژگیهای بنیادی حرکت جهانی اسلام-----145
- الف : خدائی بودن حرکت .-----145
- ب : خود جوش و خودکفا.-----145
- ج : انقلابی و پیشتانز:-----146
- د : فرا گیر و همه جانبه.-----147
- هـ: درگیر نشدن با مسائل اختلافی،-----148
- ویژگیهای عملی و حرکی-----150
- دوری از تسلط یافتن حکام و سیاستمداران :-----150
- مرحله بندی، و برداشتن گامها بصورت آرام و حساب شده:-----150
- مرحله اول: آگاهی و شناساندن دعوت «تعریف» :-----150
- مرحله دوم: سازماندهی:-----151
- مرحله سوم: عمل واجرا:-----151
- کار و تلاش را، بر ادعا و تبلیغات برتری دادن:-----151

- 152----- طولانی بودن راه «سیاست نفس عمیق» :
- 155----- آشکار بودن «دعوت» و مخفی ماندن «تنظیم»:
- 156----- عزلت قلبی و حضور جسمی::
- 159----- هدف وسیله را توجیه نمی کند::
- 166----- وسایل و امکانات حرکت جهانی اسلام
- 171----- ضرورت شناخت روشهای عمل اسلامی
- 171----- و چرا حرکت اسلامی؟
- 172----- الف: در بعد «روحی و معنوی»
- 172----- ب: در بعد «فرهنگی»
- 172----- ج: در بعد، «امور خیریه»
- 173----- د: در بعد «سیاسی».
- 174----- ه: بالندگی و تکامل بخشی، «حرکت اسلامی».
- 177----- ضرورت آگاهی به ابعاد گرویدن به حرکت جهانی اسلام
- 177----- الف: ارتباط فکری و عقده‌تی.
- 180----- ب: هماهنگی بر دوام مستحکم.
- 191----- ضرورت آگاهی از محورهای «عمل اسلامی»
- 191----- الف: روشن بودن «هدف»
- 193----- ب: روشن بودن «راه»
- 195----- الف : طبیعت «انقلابی»
- 196----- ب: طبیعت، در برگیرندگی.
- 197----- ج : طبیعت جهانی :
- 200----- راه و سنت رسول خدا - صلی الله علیه و سلم -

- 203----- جایگاه «توانائی» در استراتیژی حرکت.
- 209----- ضرورت آگاهی به شرائط بیعت و عضویت
- 209----- الف: کیفیت، یا کمیت.
- 211----- ب: حکم شرعی «بیعت».
- 213----- ج: حکم شرعی، اطاعت و فرمان پذیری:
- 217----- د: ارکان و اصول «بیعت».
- 217----- اول: معرفت و شناخت.
- 220----- دوم: اخلاص
- 221----- سوم: «عمل».
- 221----- چهارم: جهاد:
- 222----- پنجم: از خود گذشتگی.
- 222----- ششم: فرمانبرداری.
- 222----- هفتم: استقامت.
- 222----- هشتم: پرهیز از افکار و احزاب غیر اسلامی.
- 223----- نهم: برادری.
- 223----- دهم: اطمینان و حسن ظن به رهبری.
- 223----- مسئولیتهای سربازان «دعوت اسلامی»